

احکام



گروڈ آوری گنڈرہ:

حجت الاسلام والمسلمین حاج آقامرضی جلیلی

احکام دین از اهمیت خاصی برخوردارند و در اسلام نسبت به فراگیری آنها سفارش شده است . مسلمانان باید بر اساس تعالیم اسلامی فرصت مناسبی برای فراگرفتن مسائل دینی خود قرار داده، برنامه های زندگی خود را طبق آموخته های دینی در زمینه های مختلف تنظیم کنند. رسول خدا(ص) فرمود: وای بر هر مسلمانی که در هر هفته ، یک روز را برای شناخت امر دین خود و پرسش از آن قرار ندهد.

علمای اسلام نیز در بیانات خود اهمیت فراگیری احکام را خاطرنشان و برآن تاءکید کرده اند : (مسائلی را که انسان غالباً" به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد (یا فراگیری حکم هر عملی که از مکلف صادر می شود، واجب است خواه از عبادات و یا از امور عادی باشد و....) دستوره های عملی اسلام در تمام ابعاد زندگی - اعم از عبادی ، اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و... را احکام گویند. در تقلید نیز فرقی بین احکام عبادی و غیرعبادی وجود ندارد؛ یعنی بر غیرمجتهد که نمی تواند احتیاط کند، واجب است در همه این مسائل ، از مجتهد جامع الشرایط تقلید کند.

کتاب حاضر(کد۱۱/۳) گزیده فرازهایی است از احکام فقهی که در راستای دستوره های عملی اسلام و مطابق نظرات امام خمینی - قدس سرّه - تهیه و تدوین شده است . در این کتاب سعی شده مسائل تا حد امکان به صورت کلاسیک و با روش دسته بندی ارائه گردد و به مقتضای این روش در پاره ای از موارد ، در عبارت های توضیح المسائل ، تحریر الوسيله ،... دخل و تصرف جزئی صورت گرفته تا تفهیم و تفهّم آن آسان تر گردد. امید است که این قدم کوچک مورد قبول خداوند بزرگ قرار گرفته در تبیین احکام اسلامی برای خوانندگان عزیز مفید و مؤثر باشد. قابل ذکر است که کتاب حاضر، در سی درس تهیه شده است که مربیان محترم ، بیست درس آن را به مقتضای نیاز متربیان ، انتخاب و تدریس خواهند نمود.

مرکز تحقیقات اسلامی

معاونت متون آموزشی و کمک آموزشی



تقلید

قبل از ورود به بحث احکام تقلید، به بیان مطلبی درباره اهمیت فراگیری احکام می پردازیم ، تا ضرورت فراگیری آن بر انسان مکلف ، به ویژه جوانان این مرز و بوم روشن تر گردد. اسلام برای نیازمندی های انسان - اعم از مادی و معنوی ، فردی و اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی - قوانین و مقرراتی وضع کرده که در مجموعه های گوناگون فقهی تدوین و تالیف یافته و علم فقه را تشکیل می دهد. علم فقه در واقع ، روش اصیل بندگی ، کیفیت صحیح و انسانی روابط اجتماعی و عالی ترین نظامات حیاتی است که ناظر به تمام ابعاد زندگی انسان می باشد و به تعبیر امام راحل - قدس سره - (فقه ، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع ، از گهواره تا گور است). به خاطر اهمیت فوق العاده فقه و احکام شرعی ، اولیای گرامی اسلام ، پیروان خود را به فراگیری آن سفارش می کردند و کسانی را که از این وظیفه خطیر سرباز زده و یا در امر فراگیری احکام شرعی سهل انگاری می نمودند، مستحق عقوبت و سرزنش می دانستند.

امام باقر(ع) می فرماید:

(لَوْ أُتِيتُ بِشَابٍّ مِنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ لَأَدَّبْتُهُ)

اگر یکی از جوانان شیعه را نزد من بیاورند که تفقه نمی کند، او را تادیب می کنم !

امام کاظم (ع) نیز می فرماید :

(لَوْ وَجَدْتُ شَابًّا مِنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَفَقَّهُ لَضَرَبْتُهُ عَشْرُونَ سَوْطًا)

اگر یکی از جوانان شیعه را بیابم که دانش های ضروری دین را نمی آموزد، بیست ضربه تازیانه به او می زنم!

قلمرو احکام دین ، کلیه دستورهای عملی اسلام را در برمی گیرد؛ و به تعبیر امام خمینی (ره): (هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلام ، تکلیفی برای آن مقرر نداشته و حکمی درباره آن نداده باشد) ابتدای ورود به فراگیری احکام برای افراد غیرمجتهد، (تقلید) می باشد. لذا نخست به بررسی تقلید در احکام می پردازیم.

تقلید در احکام ، عمل کردن به دستور مجتهد است . همچنین به مجتهدی که انسان از او تقلید می کند، (مرجع تقلید) می گویند.

شرایط مرجع تقلید :

از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد، بالغ ، عاقل ، شیعه دوازده امامی ، حلال زاده ، زنده و عادل باشد و نیز بنا بر احتیاط واجب ، حریص به دنیا نباشد و از مجتهدین دیگر اعلم باشد؛ یعنی در فهمیدن حکم خدا از تمام مجتهدین زمان خود استادتر باشد. (مسئله ۲) از میان شرایط یاد شده به توضیح دو شرط زیر بسنده می کنیم :

۱- **زنده بودن** : با توجه به اینکه (زنده بودن) یکی از شرایط مرجع تقلید است ، (تقلید ابتدایی) از مجتهدی که از دنیا رفته جایز نیست ؛ یعنی کسی که تازه به سن بلوغ رسیده و یا تاکنون تقلید نمی کرده ، باید از مجتهد زنده تقلید کند. اما (تقلید استدامه ای) (یعنی تقلید از مجتهدی که در قید حیات نیست) مانعی ندارد و آن زمانی است که مقلد از مرجعی تقلید کند و او از دنیا برود، در این

صورت - با اجازه مرجع تقلید زنده - می تواند بر همان تقلید سابق خود باقی بماند. اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می کرد از دنیا برود، سپس از مجتهد دیگری تقلید کند و او نیز از دنیا برود، آنگاه در مسأله بقا بر میت ، از مجتهد سوّمی تقلید کند که بقا را واجب یا جایز می داند، این جا دو صورت دارد: در صورتی که بقا را (واجب) بداند اظهر این است که بر تقلید از اولی باقی بماند و اگر بقا بر میت را (جایز) بداند، مقلّد مختار است که بر تقلید دومی باقی بماند و یا به مجتهد زنده رجوع کند.

۲- عادل بودن: عدالت ، ملکه راسخی است که همواره شخص را به تقوا وامی دارد و عادل کسی است که واجبات را انجام داده و کارهای حرام را ترک می کند. از راه های شناخت عدالت می توان به (شهادت دو نفر عادل) ، (معاشرت مفید علم یا اطمینان) ، (مشهور بودن به عدالت - در صورتی که این شهرت ، علم آور باشد-) ، (حسن ظاهر، مواظبت بر احکام شرعی ، حضور در جماعت های مسلمانان و...) اشاره نمود.

در چه مسائلی باید تقلید کرد؟ عقیده مسلمان به اصول دین باید از روی دلیل باشد؛ ولی در احکام غیر ضروری دین باید یا خود مجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل به دست آورد، یا از مجتهد تقلید کند و یا به احتیاط عمل کند. (م چ ۱) به عبارتی ساده تر ، عقیده مسلمان به اصول پنجگانه دین - توحید، نبوت ، معاد، عدل و امامت - باید از روی دلیل و برهان باشد و بدون دلیل نمی تواند گفته کسی را در این زمینه قبول کند، بنابراین ، اگر کسانی در اثبات اصول اعتقادی مطالبی را طرح کنند و دلیل و برهان اقامه نمایند و انسان بدان وسیله به اصول دین علم و یقین پیدا کند، کافی است ، همین طور اگر به عالمان دینی اطمینان داشته باشد و سخن آنان را در مورد اصول دین بپذیرد، تبعیت و پیروی صحیح است . در این باره به استفتای زیر توجه کنید.

سؤال - آیا واجب است که اعتقاد انسان به اصول دین ، از روی تحقیق باشد یا اینکه تقلید از اهل فن کفایت می کند؟

جواب - در اصول اعتقادیه ، میزان علم و یقین است و اگر از قول دیگری حاصل شود کفایت می کند. حکم عمل بدون تقلید چنانچه مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام داده ، در هر یک از سه صورت زیر اعمال او صحیح است: الف - به وظیفه واقعی خود رفتار کرده باشد. ب - عمل او با فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده ، مطابق باشد. ج - عمل او با فتوای مجتهدی که فعلاً" باید از او تقلید کند، مطابق باشد. (م ۱۴ چند مسأله)

۱- تا انسان یقین نکند که فتوای مجتهد عوض شده است ، می تواند به آنچه در رساله نوشته شده ، عمل نماید و اگر احتمال دهد که فتوای او عوض شده ، جستجو لازم نیست. (م ۶)

۲- مسائلی را که انسان غالباً" به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد. (م ۱۱)

۳- اگر برای انسان مسأله ای پیش آید که حکم آن را نمی داند و می تواند صبر کند تا فتوای مجتهد اعلم را به دست آورد... چنانچه از انجام عمل ، محذوری لازم نیاید، می تواند عمل را به جا آورد؛ سپس اگر معلوم شد که مخالف واقع یا گفتار مجتهد بوده باید دوباره انجام دهد. (م ۱۲)

برخی از اصطلاحات فقهی

۱- فتوا: گاهی مجتهد در بیان مسائل شرعی، نظری قطعی و خالی از احتیاط دارد؛ به این بیان مجتهد در اصطلاح، (فتوا) گفته می‌شود، مثل این که بگوید: در وضو واجب است صورت و دست‌ها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح کنند) (م ۲۳۶)

۲- احتیاط مستحب: گاهی مجتهد در بیان مسائل شرعی نظر قطعی را ابراز می‌کند؛ یعنی، فتوایی دهد و سپس (احتیاط) می‌کند. به این احتیاط که بعد از فتوا ایراد شده، در اصطلاح، (احتیاط مستحب) گفته می‌شود. در این گونه موارد که بعد از فتوا احتیاط وارد شده، یا باید به فتوا عمل کنیم، یا به احتیاط بعد از فتوا؛ مثل این که بگوید: بعد از تکبیر امام جماعت، اگر صف جلو آماده نماز و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد، کسی که در صف بعد ایستاده، می‌تواند تکبیر بگوید، ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند. تا تکبیر صف جلو تمام شود (م ۱۴۱۸)

۳- احتیاط واجب: گاهی مجتهد در بیان حکم شرعی فتوا نمی‌دهد و نظر قطعی ابراز نمی‌کند، بلکه از ابتدا وظیفه مکلف را به صورت احتیاط بیان می‌کند، به این احتیاط، در اصطلاح (احتیاط واجب) گفته می‌شود؛ و فرق آن با احتیاط مستحب در این است که احتیاط مستحب به دنبال فتوا بیان می‌شود، ولی در احتیاط واجب مجتهد فتوا نداده است؛ مثل این که بگوید: مالی که انسان پیدا می‌کند اگر نشانه‌ای نداشته باشد که به واسطه آن صاحبش معلوم شود. احتیاط واجب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد. (م ۲۵۶۴) در این گونه موارد که فتوا داده نشده و تنها احتیاط واجب شده، یا باید به همین احتیاط واجب عمل کرد و یا به مجتهدی رجوع کرد که از نظر علمی، بعد از مرجع تقلید قرار دارد.

پرسش

- ۱- شرایط مرجع تقلید را بنویسید
- ۲- در چه صورت می‌توان از مجتهدی که از دنیا رفته، تقلید کرد؟
- ۳- (تقلید ابتدایی از مجتهد میت جایز نیست) یعنی چه؟
- ۴- در چه مسائلی باید تقلید کرد؟
- ۵- کسی که مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام داده، اعمال او در چه صورتی صحیح است؟
- ۶- احتیاط مستحب و احتیاط واجب را تعریف کنید



نماز

نماز وسیله ارتباط و اتصال انسان با آفریدگار هستی است. معبودی که سرمنشاء تمامی پاکی ها و فضیلت ها است و تنها با ارتباط همیشگی با او می توان در مسیر رشد و هدایت قرار گرفت و به سعادت جاودانه دست یافت. نماز یکی از مؤثرترین عوامل در جهت رشد و تکامل انسان و مایه تقرب به درگاه الهی است، چرا که در سایه نماز می توان یاد خدا، آرامش قلب، دوری از فحشا و منکر، آمرزش گناهان و قبولی اعمال را به دست آورد. یکی از یاران امام صادق (ع) از آن حضرت درباره برترین چیزی که باعث تقرب بندگان به پیشگاه پروردگار می شود و نیز از محبوب ترین کار در نزد پروردگار سؤال کرد؛ حضرت در پاسخ فرمود:

(مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ)

پس از شناسایی خداوند، چیزی را برتر از همین نماز سراغ ندارم.

امام خمینی - قدس سره - می فرماید :

به نماز و مساجد اهمیت دهید که پرونده های دادگستری مال بی نمازهاست ... نماز پشتوانه ملت است ... نماز یک کارخانه انسان سازی است. نماز خوب، فحشا و منکر را از یک امتی بیرون می کند، اینهایی که در این مراکز فساد کشیده شده اند بی نمازها هستند... ما با ذکر خدا، با اسم خدا پیش بردیم و نماز بالاترین ذکر خداست .

حضرت آیه الله العظمی خامنه ای نیز درباره اهمیت نماز می فرماید :

نماز رکن اصلی دین است و باید اصلی ترین جایگاه را در زندگی مردم داشته باشد، حیات طیبه انسان در سایه حاکمیت دین خدا، وقتی حاصل می شود که انسان ها دل خود را با یاد خدا زنده نگه دارند و به کمک آن بتوانند با همه جاذبه های شرّ و فساد مبارزه کنند... این ذکر و حضور دائمی به برکت نماز حاصل می شود و نماز در حقیقت پشتوانه مستحکم و ذخیره تمام نشدنی در مبارزه ای است که آدمی با شیطان نفس خود که او را به پستی و زبونی می کشد و شیطان های قدرت که با زر و زور، او را وادار به ذلت و تسلیم می کنند، همیشه و در همه حال دارد. در این درس، توضیح مختصری درباره هر یک از نمازهای واجب داده می شود؛ و بحث نمازهای مستحبی در ضمن درس دوازدهم خواهد آمد.

۱- نمازهای یومیه

مَثَل نمازهای یومیّه مَثَل نهر آب است . از رسول خدا(ص) نقل شده که فرمود: هر گاه در خانه یکی از شما نهر آبی باشد و روزی پنج مرتبه خود را در آن شستشو دهد آیا چرکی در بدن او باقی می ماند؟ همانا مَثَل نماز، همچون نهر آبی است که هر گاه کسی نمازی برگزار کند، گناهان او را می پوشاند. نمازهای روزانه، پنج نماز و مجموع آنها هفده رکعت است که عبارتند از:

صبح: دو رکعت ظهر: چهار رکعت عصر: چهار رکعت مغرب: سه رکعت عشا: چهار رکعت

۲- نماز آیات

مقصود از آیات، خورشید گرفتگی، ماه گرفتگی، زلزله و سایر حوادث هولناک طبیعی است که باعث ترس و وحشت اکثر مردم شود. در گذشته، برخی از مردم نسبت به وقوع این حوادث افکار خرافاتی

داشتند؛ هنگامی که ابراهیم فرزند رسول خدا از دنیا رفت ، آفتاب گرفت ؛ مردم تصوّر کردند که گرفتگی خورشید در اثر وفات فرزند پیامبر(ص) است . آن حضرت برای از بین بردن این افکار خرافاتی فرمود :ای مردم ماه و خورشید دو آیت از آیات الهی هستند که به فرمان او جریان دارند و از او اطاعت می کنند و برای مرگ و یا حیات کسی کسوف نمی کنند، هر گاه ماه یا خورشید گرفت ، نماز بگذارید.از وقتی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می کند، انسان باید نماز آیات را بخواند و بنابر احتیاط واجب، باید به قدری تاءخیر نیندازد که شروع به باز شدن کند.(م ۱۴۹۵)

موقعی که زلزله و رعد و برق و مانند این ها اتفاق می افتد، انسان باید فوراً " نماز آیات " را بخواند و اگر نخواند معصیت کرده و تا آخر عمر بر او واجب است و هر وقت بخواند، ادا است .(م ۱۴۹۸)

نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد و دستور آن این است که انسان بعد از نیت ، تکبیر بگوید و یک حمد و یک سوره تمام بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بردارد، دوباره یک حمد و یک سوره بخواند ، باز به رکوع رود تا پنج مرتبه و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد.(م ۱۵۰۷)

البته ممکن است انسان بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد، آیه های یک سوره را پنج قسمت کند و یک آیه یا بیشتر از آن را بخواند و به رکوع رود و سر بردارد و بدون خواندن حمد، قسمت دوم از همان سوره را بخواند و به رکوع رود و همین طور تا پیش از رکوع پنجم سوره را تمام نماید... (م ۱۵۰۸)

۳- نماز میّت

پس از مراسم غسل و کفن کردن میّت ، بر جنازه او نماز مخصوصی خوانده می شود که نماز میّت نام دارد نماز خواندن بر میّت مسلمان ، اگر چه بچه باشد، واجب است ، ولی باید پدر و مادر آن بچه یا یکی از آنان مسلمان باشد و شش سال بچه تمام شده باشد. (م ۵۹۴) [نمازگزار،] نماز میّت را باید ایستاده و با قصد قربت بخواند. و در موقع نیت ، میّت را معین کند، مثلاً " نیت کند نماز می خوانم بر این میّت ، قربت الی الله. (م ۶۰۳) کسی که می خواهد نماز میّت بخواند، لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمّم باشد و بدن و لباسش پاک باشد، و اگر لباس او غصبی هم باشد، اشکال ندارد؛ اگر چه احتیاط مستحب آن است که تمام چیزهایی را که در نمازهای دیگر لازم است ، رعایت کند.(م ۵۹۶)

دستور نماز میّت :

نماز میّت پنج تکبیر دارد و اگر نمازگزار پنج تکبیر به این ترتیب بگوید، کافی است:

بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید : أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛ و بعد از تکبیر دوم بگوید : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ و بعد از تکبیر سوم بگوید : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ؛ و بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید : اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ و اگر میت زن است بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ و بعد تکبیر پنجم را بگوید.(م ۶۰۸)

۴- نماز طواف

کسانی که به مکه مشرف می شوند، واجب است پس از هر طواف واجب، دو رکعت نماز، مثل نماز صبح به نیت نماز طواف پشت مقام ابراهیم به جا آورند. این دو رکعت نماز به نماز طواف معروف است.

۵- نماز قضای پدر

بر پسر بزرگتر واجب است که پس از مرگ پدر، نمازهای فوت شده او را به جا آورد و یا برای انجام آن نایب بگیرد. در این حکم فرقی نمی کند که پدر، نماز خود را از روی عمد یا غیر عمد ترک کرده باشد، حتی اگر از روی معصیت و نافرمانی نیز ترک کرده باشد، قضای آن بنا بر احتیاط واجب است. چنانچه میت، فرزند پسر نداشته باشد، قضای نمازهای فوت شده او بر فرزندان دختر و نیز سایر اقوام واجب نیست. همچنین اگر پسر بزرگتر قبل از قضا کردن نمازهای فوت شده پدر بمیرد به دیگر فرزندان پسر وی منتقل نمی شود.

۶- نماز استیجاری یا نذر و عهد و قسم

اگر کسی در به جا آوردن نمازهای فوت شده میتی اجیر شود، و یا برانجام نمازی نذر و عهد کرده و یا قسم بخورد که نمازی را به جای آورد، این نمازها نیز بر او واجب می گردد.

۷- نماز جمعه

نماز جمعه در زمان غیبت امام (ع) از نظر بسیاری از فقها از جمله امام خمینی (ره) واجب تخییری است، یعنی انسان مخیر است که میان نماز ظهر یا نماز جمعه یکی را انتخاب کند. نماز جمعه از اهمیت زیادی برخوردار است.

امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید: (مَا مِنْ قَدَمٍ سَعَتْ إِلَى الْجُمُعَةِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهَا عَلَى النَّارِ) هیچ کس نیست که به سوی نماز جمعه گام بردارد مگر آن که خداوند سبحان آتش جهنم را بر او حرام گرداند. امام خمینی - قدس سره - در اهمیت آن می فرماید :

اسلام دین سیاست است، دینی که در احکام آن سیاست به وضوح دیده می شود... هر هفته یک اجتماع بزرگ تشکیل می شود تا نماز جمعه که مشتمل بر دو خطبه است و در آن باید مسائل روز و احتیاجات کشور از هر جهت طرح شود، برپا گردد؛ اسلام مردم را برای مقاصد بزرگ به این اجتماعات دعوت کرده است. نماز جمعه عبادت است لکن عبادتی که مدغم در سیاست است. وجوب نماز جمعه شرایطی دارد که، مکلف بودن، مرد بودن، در سفر نبودن، از بینایی، سلامت و توان کافی برخوردار بودن و بیشتر از دوفرسخ فاصله نداشتن از جمله آن شرایط است. بنابراین، بر افراد غیر مکلف، بانوان، مسافران، نابینایان، بیماران، پیرمردان و کسانی که با مکان نماز جمعه بیشتر از دو فرسخ فاصله دارند، نماز جمعه واجب نیست، البته می توانند در نماز جمعه شرکت کنند.

پرسش

- ۱- سخن امام خمینی - قدس سره - را درباره اهمیت نماز بنویسید.
- ۲- نمازهای واجب را نام ببرید.
- ۳- مقصود از نماز آیات چیست و چه زمانی بر انسان واجب می شود؟
- ۴- نماز آیات به چه کیفیتی خوانده می شود؟
- ۵- آیا نماز قضای میت در صورت نبودن پسر بزرگتر ، به فرزندان دختر واجب می شود؟

مقدمات

نماز (۱)

منظور از مقدمات نماز، اموری است که نمازگزار قبل از شروع نماز باید آنها را انجام دهد و یا مراعات کند. این امور عبارتند از: طهارت، وقت نماز، قبله، لباس و مکان نمازگزار.

طهارت

نمازگزار باید بدنش پاک و از نظر شرعی (طاهر) باشد. (طهارت) به دو نوع (طهارت ظاهری) و (طهارت معنوی) تقسیم می شود. طهارت ظاهری، آن است که بدن و لباس نمازگزار به چیزهای ناپاک و نجس، آلوده نباشد. اینک مسائل مربوط به طهارت ظاهری را در محورهای زیر پی می گیریم.

الف - ناپاکی ها: بعضی چیزها هست که نباید اثری از آنها در بدن و لباس نمازگزار باشد، و چنانچه کسی به آنها آلوده باشد، باید قبل از نماز آنها را پاک کند. این چیزها همان ناپاکی ها (نجاسات) هستند و عبارتند از:

- ۱- ادرار و مدفوع انسان و حیوانات حرام گوشتی که خون جهنده دارند؛
- ۲- منی، خون و مردار انسان و حیوانات دارای خون جهنده (گرچه حلال گوشت باشند)
- ۳- سگ و خوک که در خشکی زندگی می کنند؛
- ۴- هر چیز مست کننده روان، مانند شراب؛
- ۵- عرق شتر نجاستخوار.
- ۶- کافر (که پلیدی معنوی او موجب نجاست ظاهری اش نیز می شود)؛

ب - پاک کننده ها (مطهرات): به چیزهایی که آلودگی ها را پاک می کند، (مطهرات) می گویند. یکی از مهم ترین این مطهرات (آب) است و در صورتی پاک کننده است که:

- ۱- مطلق باشد
- ۲- پاک باشد
- ۳- در اثر شستن چیز نجس، مضاف نشود و بو، رنگ یا مزه نجاست هم نگیرد.
- ۴- بعد از آب کشیدن، عین نجاست در آن نباشد. (م ۱۴۹)

آب به دو قسم کلی (مضاف) و (مطلق) تقسیم می شود؛ (آب مضاف) آبی است که آن را از چیزی بگیرند، مانند: آب هندوانه و گلاب؛ یا با چیزی مخلوط باشد. مثل آبی که بقدری با گل و مانند آن مخلوط شود که دیگر به آن (آب) نگویند. این آب، چیز نجس را پاک نمی کند، وضو و غسل با آن باطل است. اگر ذره ای نجاست به آن برسد، نجس می شود و چنانچه آب مضاف نجس طوری با آب کُر یا جاری مخلوط شود که دیگر، آب مضاف به آن نگویند، پاک است. (م ۱۵، ۴۷-۴۹)

(آب مطلق) آبی است که مضاف نباشد؛ مانند آب جاری و آب چاه که از زمین می جوشد؛ یا مانند باران که از آسمان می بارد و نیز آب های راکد (آب کُر و قلیل) آب مطلق هستند.

ج - سایر پاک کننده ها: بعضی چیزهای دیگر غیر از آب نیز پاک کننده نجاسات هستند، ولی هر کدام، چیز مخصوصی را، با شرایط ویژه ای پاک می کنند، که عبارتند از :

- ۱- زمین : با سه شرط (پاک بودن)، (خشک بودن) و (خاک ، شن ، سنگ ، آجر، فرش بودن ..) کف پا و ته کفش نجس را، آن هم با راه رفتن ، پاک می کند.(م ۱۸۳)
- ۲- آفتاب : چیزهای غیر منقول مانند زمین ، ساختمان و چیزهایی که مانند در و پنجره در ساختمان به کار رفته و حتی میخی که به دیوار کوبیده شده و جزء ساختمان محسوب می شود؛ همچنین درخت و گیاه را با شش شرط پاک می کند، از جمله آن که پیش از تابش آفتاب عین نجاست را در آن چیز برطرف کرده باشند، تر باشد و آفتاب به طور مستقیم بر آن بتابد تا خشک شود... (م ۱۹۱- ۱۹۲)
- ۳- استحاله (تغییر حالت دادن و عوض شدن جنس چیز نجس و تبدیل شدن به چیز پاک) : به عنوان مثال : اگر چوب نجس بسوزد و خاکستر شود، خاکسترش پاک است . اگر سگ در نمکزار فرو رفته و نمک شود، پاک است . اگر چیز نجس مانند ادرار و یا متنجس به صورت بخار یا دود درآید، دود و بخارش پاک است . (م ۱۳۱ و ۱۹۵)
- ۴- انتقال : هر گاه خون بدن انسان ، یا حیوان (دارای خون جهنده) به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد برود، و خون آن حیوان حساب شود، پاک می گردد.(م ۲۰۵)
- ۵- تبعیت : و آن پاک شدن چیز نجس به واسطه پاک شدن چیز دیگر است ؛ مانند این که اگر کسی چیزی را با دست خود آب بکشد، اگر دست و آن چیز با هم آب کشیده شود، بعد از پاک شدن آن چیز دست او هم پاک می شود.(م ۲۱۰ و ۲۱۳)
- ۶- اسلام : کافر به واسطه گفتن شهادتین مسلمان شده ، تمام بدن او پاک می گردد.(م ۲۰۹)

پرسش

- ۱- مقدمات نماز را نام ببرید
- ۲- از نظر اسلام ، چه چیزهایی نجس محسوب می شوند؟
- ۳- شرایط پاک کنندگی آب را بنویسد.
- ۴- آب مضاف و مطلق را توضیح دهید.
- ۵- آفتاب چه چیزهایی را پاک می کند؟

مقدمات

نماز (۲)

قسم دوم طهارت ، طهارت معنوی است که با (وضو) ، (غسل) ، و (تیمم) حاصل می شود.

وضو

وضو را می توان به یکی از دو نوع (ترتیبی) و (ارتماسی) انجام داد.

الف - وضوی ترتیبی

در وضوی ترتیبی چهار چیز واجب است:

۱- شستن صورت از رستنگاه مو تا آخر چانه ، از طرف طول و عرض آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می گیرد که اگر مختصری از این مقدار را نشوید، وضو باطل است و برای آن که یقین کند این مقدار کاملاً شسته شده ، باید کمی اطراف آن را هم بشوید؛ و باید توجه داشت که این مقدار بایستی از بالا به پایین شسته شود. (م ۲۳۷ و ۲۴۳)

۲- شستن دست راست و بعد از آن دست چپ ، از آرنج تا سرانگشت ها و برای آن که یقین کند آرنج را کاملاً شسته ، باید کمی بالاتر از آرنج را هم بشوید، باید توجه داشت که دست ها را هم بایستی از بالا به پایین بشوید. (م ۲۴۳ و ۲۴۵-۲۴۶)

۳- مسخ کردن یک قسمت از چهار قسمت سر، که مقابل پیشانی است با دست راست و یا چپ و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند، کافی است؛ اگر چه احتیاط مستحب آن است که از درازا به اندازه یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته ، مسح نماید. البته مسح سر لازم نیست بر پوست آن باشد. بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است . اما کسانی که موی سرشان به حدی بلند است که اگر شانه کنند از حد مسح خارج می شود، باید بیخ موها یا پوست سر را مسح نمایند (م ۲۵۰-۲۵۱)

۴- مسح کردن روی پاها؛ اول پای راست با دست راست ، و بعد پای چپ با دست چپ ؛ از سر یکی از انگشت ها تا برآمدگی روی پاها و پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است ، ولی بهتر است که به اندازه پهنای سه انگشت بسته ، مسح نماید و بهتر از آن ، مسح تمام روی پا است . (م ۲۵۲-۲۵۳ و شرط نهم از شرایط صحت وضو)

ب - وضوی ارتماسی

وضوی ارتماسی هم مانند وضوی ترتیبی چهار چیز واجب دارد، ولی تفاوتش با وضوی ترتیبی در صورت و دست هاست که در وضوی ترتیبی آب روی صورت و دست ها ریخته می شود، اما در وضوی ارتماسی انسان باید صورت و دست ها را به قصد وضو در آب فرو برد، یا آنها را که در آب فرو برده به قصد وضو بیرون آورد و اگر موقعی که دست ها را در آب فرو می برد، نیت وضو کند و تا وقتی که آنها را از آب بیرون می آورد و ریزش آب ، تمام می شود به قصد وضو باشد وضوی او صحیح است و نیز اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند، و تا وقتی که ریزش آب ، تمام می شود به قصد وضو باشد، وضوی او صحیح است . (م ۲۶۱) در وضوی ارتماسی هم ، باید صورت و دست ها از بالا به پایین شسته شود، پس اگر وقتی که صورت و دست ها را در آب فرو می برد، قصد

وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دست ها را از طرف آرنج در آب فرو برد و اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دست ها را از طرف آرنج بیرون آورد. (م ۲۶۲)

غسل

غسل را نیز می توان به یکی از دو قسم ترتیبی و ارتماسی انجام داد. چه واجب و چه مستحب باشد.

الف - غسل ترتیبی

ترتیب غسل ترتیبی پس از نیت ، به قرار زیر می باشد:

۱- شستن سر و گردن ؛

۲- شستن تمام سمت راست بدن ؛

۳- شستن تمام سمت چپ بدن. (م ۳۶۱ - ۳۶۳)

در غسل ترتیبی ، ترتیب فوق باید رعایت شود و اگر این ترتیب رعایت نشود، غسل باطل است . برای اینکه یقین کند همه بدن را شسته است ، باید هر قسمتی را که می شوید مقداری از قسمت های دیگر را هم بشوید.

ب - غسل ارتماسی

در غسل ارتماسی اگر به نیت غسل ارتماسی به تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن ، زیر آب رود، غسل او صحیح است ؛ و احتیاط آن است که یکدفعه ، زیر آب رود و اگر همه بدن ، زیر آب باشد و بعد از نیت غسل ، بدن را حرکت دهد، غسل او صحیح است. (م ۳۶۷ - ۳۶۸)

تیمم

تیمم بر دو قسم است ؛ یکی تیمم بدل از وضو، و دیگری تیمم بدل از غسل ؛ که اعمال این دو قسم با هم فرقی ندارد. کیفیت تیمم پس از نیت کردن ، به قرار زیر است:

۱- زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است

۲- کشیدن کف هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن تا ابروها و بالای بینی و بنابر احتیاط واجب ، باید دست ها روی ابروها، کشیده شود.

۳- کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست ، سپس کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.

پرسش

۱- در وضوی ترتیبی چند چیز واجب است ؟ بیان کنید

۲- وضوی ارتماسی چیست ؟

۳- غسل ترتیبی چگونه است ؟

۴- اقسام تیمم را نام ببرید.

۵- کیفیت تیمم را توضیح دهید.

مقدمات

نماز (۳)

اوقات نماز

هر یک از نمازهای واجب باید در وقت مخصوصی اقامه گردد، در این جا اوقات نمازهای یومیه را بیان می کنیم .

۱- نماز صبح

اول و آخر وقت : آغاز پهن شدن سفیده صبح تا طلوع خورشید
وقت فضیلت : از اول وقت تا شروع سرخی شفق در طرف مشرق

۲- نماز ظهر

اول و آخر وقت : از زوال ظهر، هنگامی که سایه شاخص به طرف مشرق شروع به زیادتر شدن کند، تا به مقدار چهار رکعت مانده به مغرب
وقت مخصوص : از اول ظهر به اندازه چهار رکعت

وقت فضیلت : از اول زوال ظهر تا اینکه سایه شاخص به اندازه خود شاخص شود.
وقت مشترک با عصر : پس از وقت مخصوص نماز ظهر تا چهار رکعت مانده به مغرب

۳- نماز عصر

اول و آخر وقت : پس از نماز ظهر (به مقدار چهار رکعت از اول زوال گذشته) تا مغرب
وقت فضیلت : از زمانی که سایه شاخص $\frac{4}{7}$ شاخص شود تا آنکه سایه شاخص دو برابر خود شاخص گردد.

وقت مخصوص : به مقدار چهار رکعت مانده تا مغرب

۴- نماز مغرب

اول و آخر وقت : از مغرب (زمان از بین رفتن سرخی پس از غروب آفتاب در طرف مشرق) تا به مقدار چهار رکعت مانده به نیمه شب

وقت مخصوص : از اول مغرب به اندازه سه رکعت نماز.

وقت فضیلت : از اول مغرب تا زوال سرخی طرف مغرب

وقت مشترک با نماز عشاء : پس از وقت مخصوص نماز مغرب تا چهار رکعت مانده به نیمه شب.

۵- نماز عشا

اول و آخر وقت : پس از نماز مغرب (به مقدار سه رکعت از اول مغرب گذشته) تا نیمه شب.

وقت فضیلت : از زوال سرخی طرف مغرب تا یک سوم شب

وقت مخصوص : به مقدار چهار رکعت مانده تا نیمه شب.

توضیح:

۱- چوب یا چیز دیگری را که برای معین کردن ظهر، به زمین فرو می برند، شاخص گویند. (م ۷۳۰)

۲- اول ظهر چه زمانی است؟ اگر چوب یا چیزی مانند آن (شاخص) را، راست در زمین هموار فرو برند، صبح که خورشید بیرون می آید، سایه آن به طرف مغرب می افتد و هر چه آفتاب بالا می آید این سایه کم می شود و در شهرهای ما در اول ظهر شرعی به آخرین درجه کمی می رسد و ظهر که گذشت، سایه آن به طرف مشرق برمی گردد و هر چه خورشید رو به مغرب می رود، سایه زیادتر می شود. بنابراین، وقتی سایه به آخرین درجه کمی رسید و دو مرتبه رو به زیاد شدن گذاشت، معلوم می شود ظهر شرعی شده است؛ ولی در بعضی شهرها مثل مکه که گاهی موقع ظهر سایه به کلی از بین می رود، بعد از آن که سایه دوباره پیدا شد، معلوم می شود ظهر شده است. (م ۷۲۹)

۳- وقت مخصوص و مشترک برای اشخاص فرق می کند؛ بطور مثال، اگر به اندازه خواندن دو رکعت نماز از اول ظهر بگذرد، وقت مخصوص نماز ظهر کسی که مسافر است، تمام شده و داخل وقت مشترک می شود و برای کسی که مسافر نیست، باید به اندازه خواندن چهار رکعت نماز بگذارد. (م ۷۳۷)

۴- نصف شب چه زمانی است؟ احتیاط واجب آن است که برای نماز مغرب و عشا و مانند اینها شب را، از اول غروب تا اذان صبح حساب کنند و برای نماز شب و مانند آن تا اول آفتاب حساب نمایند. (م ۷۳۹)

احکام وقت نماز

۱- موقعی انسان می تواند مشغول نماز شود که یقین کند وقت داخل شده است، یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند. (م ۷۴۲)

۲- کسی که به اندازه خواندن یک رکعت نماز، وقت دارد، باید نماز را به نیت ادا بخواند؛ ولی نباید به عمد نماز را تا این وقت تاءخیر بیندازد. (م ۷۴۸)

۳- کسی که مسافر نیست، اگر تا مغرب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر هر دو را بخواند و اگر کمتر وقت دارد باید فقط نماز عصر را بخواند و بعد نماز ظهر را قضا کند؛ و اگر تا نصف شب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عشا را بخواند و بعد از آن نماز مغرب را بخواند و به احتیاط واجب، نیت ادا و قضا ننماید (یعنی به نیت مافی الذمه بخواند). (م ۷۴۹)

۴- کسی که مسافر است، اگر تا مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عصر را بخواند و بعد نماز ظهر را قضا کند، و اگر تا نصف شب به اندازه خواندن چهار رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عشا را بخواند و بعد مغرب را بدون نیت ادا و قضا به جا آورد، و چنانچه بعد از خواندن عشا، معلوم شود که به مقدار یک رکعت یا بیشتر وقت به نصف شب مانده است، باید فوراً نماز مغرب را به نیت ادا به جا آورد. (م ۷۵۰)

۵ - مستحب است انسان نماز را در اول وقت آن بخواند و راجع به آن خیلی سفارش شده است و هر چه به اول وقت نزدیک تر باشد بهتر است ، مگر آنکه تاءخیر آن از جهتی بهتر باشد، به طور مثال صبر کند که نماز را به جماعت بخواند (م ۷۵۱)

قبله

رو به قبله بودن در نمازهای واجب یومیه و غیر یومیه ؛ حتی نماز میت ، در صورت امکان واجب است و همچنین در نماز مستحبی که روی زمین ، با حالت آرامش و سکون خوانده می شود، واجب است و اما در نماز مستحبی که در حال راه رفتن و سوار بودن و در کشتی خوانده می شود، رو به قبله بودن ، معتبر نیست.

قبله کجاست؟ خانه کعبه که در مکه معظمه می باشد، قبله است و باید رو به روی آن نماز خواند؛ ولی کسی که دور است ، اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند، کافی است ، و همچنین است کارهای دیگری که - مانند سربریدن حیوانات - باید رو به قبله انجام گیرد.(م ۷۷۶)

کیفیت رو به قبله بودن در نمازها

کسی که نماز واجب را ایستاده می خواند، باید طوری بایستد که بگویند رو به قبله ایستاده ، و لازم نیست زانوهای او و نوک پای او هم رو به قبله باشد. کسی که باید نشسته نماز بخواند، اگر نمی تواند به طور معمول بنشیند، و در موقع نشستن کف پاها را به زمین می گذارد، باید در موقع نماز، صورت ، سینه و شکم او رو به قبله باشد، و لازم نیست ساق پای او، رو به قبله باشد. و کسی که نمی تواند نشسته نماز بخواند، باید در حال نماز به پهلو راست طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد، و اگر ممکن نیست باید به پهلو چپ طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر این را هم نتواند باید به پشت بخوابد، به طوری که کف پای او رو به قبله باشد. (م ۷۷۷ تا)

راه های پیدا کردن قبله

کسی که می خواهد نماز بخواند، باید برای پیدا کردن قبله کوشش نماید. شناخت قبله راه هایی دارد که در این جا توضیح می دهیم:

راههای شناخت قبله:

- ۱- یقین : خود انسان یقین کند قبله کدام طرف است
- ۲- بیّنه : یعنی دو شاهد عادل از روی نشانه های حسی ، شهادت دهند که قبله کدام طرف است.
- ۳- یا به قول کسی که از روی قاعده علمی قبله را می شناسد و محل اطمینان است ، عمل کند.
- ۴- اگر این ها ممکن نشد، به گمانی که از محراب مسجد مسلمانان یا قبرهای آنان یا از راه های دیگر پیدا می شود عمل نماید.(م ۷۸۲)

دو نکته:

۱- اگر برای پیدا کردن قبله وسیله ای ندارد، یا با این که کوشش کرده ، گمانش به طرفی نمی رود، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید چهار نماز به چهارطرف بخواند، و اگر به اندازه چهار نماز وقت ندارد، باید به اندازه ای که وقت دارد، نماز بخواند، مثلاً" اگر فقط به اندازه یک نماز وقت دارد، باید یک نماز به هر طرفی که می خواهد بخواند و باید نمازها را طوری بخواند که یقین کند یکی از آنها رو به قبله بوده ، یا اگر از قبله کج بوده ، به طرف دست راست و دست چپ قبله نرسیده است .(م ۷۸۴)

۲- اگر در اثنای نماز، متوجه اشتباه و انحراف از قبله شود، آنچه که خوانده درست است و در بقیه نماز باید رو به قبله بایستد.

پرسش

- ۱- وقت نماز ظهر و عصر را به طور کامل توضیح دهید.
- ۲- نصف شب شرعی چه زمانی است ؟
- ۳- قبله کجاست ؟
- ۴- کیفیت رو به قبله بودن در نماز را بیان کنید.
- ۵- وظیفه کسی که بین نماز، متوجه انحراف از قبله می شود، چیست ؟

مقدمات

نماز (۴)

لباس نمازگزار

لباسی را که انسان می خواهد در حال نماز بپوشد، شرایطی دارد که در زیر می آوریم:

شرایط لباس نمازگزار

- ۱- پاک باشد.
- ۲- مباح باشد
- ۳- از اجزای مردار نباشد.
- ۴- از حیوان حرام گوشت نباشد.
- ۵-۶- اگر نمازگزار مرد است ، لباس او ابریشم خالص و طلا باف نباشد.

شرط اول : لباس نمازگزار باید پاک باشد. اگر کسی به عمد با لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است. (م ۷۹۹ و ۸۰۰) کسی که نمی داند با لباس نجس ، نماز باطل است و در ندانستن حکم مسأله مقصر باشد، اگر با لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل می باشد. (همان) اگر به واسطه تقصیر در ندانستن مسأله ، چیز نجسی را نجس نداند مثلاً " نداند عرق شتر نجاستخوار نجس است و با آن نماز بخواند ، نمازش باطل است. (م ۸۰۱) اگر فراموش کند لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را دوباره بخواند، اگر وقت گذشته قضا نماید. (م ۸۰۳) اگر نداند لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده ، نماز او صحیح است ، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر وقت دارد، دوباره آن نماز را بخواند. (م ۸۰۲)

شرط دوم : لباس نمازگزار باید مباح باشد (یعنی غصبی نباشد). کسی که می داند پوشیدن لباس غصبی حرام است ، اگر به عمد در لباس غصبی نماز بخواند، باطل است و همچنین اگر در لباسی که نخ یا دکمه یا چیز دیگر آن غصبی است نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب ، باید آن نماز را دوباره با لباس غیرغصبی بخواند. (م ۸۱۵)

تذکر مهم : اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده ، لباس بخرد، نماز خواندن در آن لباس ، باطل است و به احتیاط واجب ، همچنین است اگر به ذمه بخرد و در موقع معامله ، قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکاتش را نداده بدهد. (م ۸۲۰)

شرط سوم : از اجزای مردار نباشد. لباس نمازگزار باید از اجزای حیوان مرده ای که خون جهنده دارد نباشد؛ بلکه احتیاط واجب آن است که در لباس تهیه شده از حیوان مرده ای که خون جهنده ندارد، مانند ماهی و مار نیز نماز نخواند. (م ۸۲۱) باید چیزی از مردار مانند گوشت و پوست آن که روح داشته ، بنابر احتیاط واجب همراه نمازگزار نباشد، گر چه لباس او هم نباشد. (م ۸۲۲) اگر چیزی از مردار حلال گوشت مانند مو و پشم که روح ندارد، همراه نمازگزار باشد، یا با لباسی که از آنها تهیه کرده اند نماز بخواند، نمازش صحیح است. (م ۸۲۳)

شرط چهارم : از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد. لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد و اگر مویی از آن هم همراه نمازگزار باشد، نماز او باطل است. اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت ، مانند گربه بر بدن یا لباس نمازگزار باشد، چنانچه تر باشد، نماز باطل و اگر خشک شده و عین آن بر طرف شده باشد، نماز صحیح است. (م ۸۲۴ و ۸۲۵)

شرط پنجم : اگر نمازگزار مرد است ، لباس او ابریشم خالص و طلا باف نباشد. پوشیدن لباس طلا باف و زینت کردن به طلا، مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست ، برای مرد، در حال نماز و غیر نماز، حرام و نماز خواندن با آنها باطل است ؛ و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا هم خودداری کند، ولی پوشیدن لباس طلا باف و زینت کردن به طلا، برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد. (م ۸۳۱- ۸۳۲) پوشیدن لباس ابریشمی خالص ، در نماز و غیر نماز، برای مرد، حرام است و نماز را هم باطل می کند، چه بشود با او ستر عورت کرد یا نشود، مانند آستر لباس ، عرقچین ، بند شلوار و... ولی همراه داشتن آن ، مثل در جیب گذاردن ، مانعی ندارد؛ و اما برای زن چه در نماز و چه در غیر آن ، اشکالی ندارد. (م ۸۳۴ ، ۸۳۵ و ۸۳۷) نماز خواندن با لباس ناپاک در برخی موارد می توان با لباس نجس ، نماز خواند. به عبارت دیگر ، مواردی برای مکلف پیش می آید که نماز خواندن با لباس ناپاک در آن موارد، از نظر شرع بخشیده شده است.

اینک تفصیل آن را در زیر به صورت دسته بندی ذکر می کنیم:

مواردی که می شود با لباس نجس نماز خواند:

- ۱- خون زخم یا جراحت یا دُمَل
- ۲- خون کمتر از درهم
- ۳- لباس پرستار بچه
- ۴- در حال اضطرار
- ۵- چیزهایی که به تنهایی نمی توان در آنها نماز خواند یعنی به تنهایی ساتر عورت نیستند.

توضیح :

۱ - اگر در بدن یا لباس نمازگزار، خون زخم یا جراحت یا دُمَل باشد، چنانچه طوری است که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس ، برای بیشتر مردم یا برای خصوص او سخت است ، تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده است ، می تواند با آن خون نماز بخواند، و همچنین است اگر چرکی که با خون بیرون آمده یا دوایی که روی زخم گذاشته اند و نجس شده در بدن یا لباس او باشد. (م ۸۴۹)

۲ - خون در بدن و لباس، اگر وسعت آن کمتر از درهم بَغلی باشد و از حیض ، نفاس و استحاضه و خون نجس العین (مثل سگ) و مردار نباشد، بخشیده شده و چون وسعت درهم بَغلی مشخص نیست باید به قدر متیقن ، اکتفا کرد که به اندازه بند انگشت سبّابه باشد.

۳ - هر چیزی که به تنهایی نمی توان در آن نماز خواند و به تنهایی سائر عورت نیست ، مثل بند شلوار، جوراب و مانند آنها، اگر چه با نجاست حرام گوشت نجس شده باشد، در نماز عفو شده است . اما اگر از عین نجس درست شده باشد، مثل آن که جزء مردار یا موی سگ یا خوک یا کافر باشد، در نماز، عفو نشده است

۴ - زنی که پرستار بچه است و بیشتر از یک لباس ندارد، هر گاه شبانه روزی یک مرتبه لباس خود را آب بکشد، اگر چه تا روز دیگر لباس به بول بچه نجس شود، می تواند با آن لباس نماز بخواند، ولی احتیاط واجب آن است که لباس خود را در شبانه روز یک مرتبه برای اولین نمازی که لباسش از پیش از آن نجس شده ، آب بکشد؛ و نیز اگر بیشتر از یک لباس دارد ولی ناچار است که همه آنها را بپوشد، چنانچه شبانه روزی یک مرتبه به دستوری که گفته شده همه آنها را آب بکشد، کافی است . (م ۸۶۳)

مکان نمازگزار

شرایط مکان نمازگزار

- ۱- مباح باشد، یعنی غصبی نباشد.
- ۲- بدون حرکت و تکان خوردن باشد.
- ۳- سقف برای قیام کوتاه نباشد و از نظر طول و عرض ، محل نماز به گونه ای باشد که بتواند رکوع و سجده کند.
- ۴- محل قرار گرفتن پیشانی باید پاک باشد، یعنی پیشانی بر روی موضع نجس قرار نگیرد.
- ۵- موضع پیشانی از جای زانوها، بیش از چهارانگشت بسته پست تر یا بلندتر نباشد.
- ۶- محل نماز (غیرموضع پیشانی) اگر نجس است ، خشک باشد؛ و اگر مرطوب است ، رطوبت آن طوری نباشد که به بدن و لباس نمازگزار سرایت کند.

توضیح:

۱ - نماز خواندن در ملک غصبی ؛ اگر چه روی فرش ، تخت و مانند این ها [باشد] و نیز ملکی که منفعت آن مال دیگری است ، بدون اجازه کسی که منفعتِ ملک ، مال او می باشد، باطل است ، مثلاً" در خانه اجاره ای اگر صاحب خانه یا دیگری بدون اجازه کسی که آن خانه را اجاره کرده ، نماز بخواند، نمازش باطل است ، و همچنین است اگر در ملکی که دیگری در آن حقی دارد نماز بخواند، مثلاً" اگر میت وصیت کرده باشد که ثلث مال او را به مصرفی برسانند، تاوقتی ثلث را جدا نکنند، نمی توان در ملک او نماز خواند.(م ۸۶۶ و ۸۶۷)

۲ - اگر یا عین پولی که خمس و زکات آن را نداده ملکی بخرد، تصرف او در آن ملک ، حرام ، و نمازش هم در آن باطل است . (م ۸۷۳)

۳ - تصرف در ملک میتی که خمس یا زکات بدهکار است حرام و نماز در آن باطل است ، مگر آنکه بنا داشته باشند که آن بدهکاریها را بدهند.(م ۸۷۵)

مکان های مستحب در نماز

در شرع مقدس اسلام بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانند و مساجدی که نماز خواندن در آنها مستحب است به ترتیب اهمیت عبارتند از :

- ۱- مسجد الحرام
- ۲- مسجد پیمغمبر(ص)
- ۳- مسجد کوفه
- ۴- مسجد بیت المقدس
- ۵- مسجد جامع هر شهر
- ۶- مسجد محله
- ۷- مسجد بازار(م ۸۹۳)

چند مسأله

- ۱ - نماز در حرم امامان (ع) مستحب ، بلکه بهتر از مسجد، و نماز در حرم مطهر حضرت امیرمؤمنان (ع) برابر دویست هزار نماز است. (م ۸۹۵)
- ۲ - زیاد رفتن به مسجد، و رفتن به مسجدی که نمازگزار ندارد، مستحب است ؛ و همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد، مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند. (م ۸۹۶)
- ۳ - مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود، غذا نخورد؛ و در کارها با او مشورت نکند و همسایه او نشود و از او زن نگیرد و به او زن ندهد. (م ۸۹۷)

مکان های مکروه در نماز

نماز خواندن در چند جا مکروه است که برخی از آنها را در زیر بیان می کنیم:

پرسش

- ۱ - اگر کسی بعد از نماز بفهمد، لباسش نجس بوده ، نمازش چه حکمی دارد؟
- ۲- نماز خواندن در لباسی که با عین پول خمس نداده خریده ، چه حکمی دارد؟
- ۳ - در چه مواردی می توان با لباس ناپاک نماز خواند؟
- ۴ - نماز خواندن در اتومبیل ، کشتی و قطار چه حکمی دارد؟
- ۵ - مکان های مستحب برای نماز خواندن را نام ببرید.

واجبات

نماز (۱)

واجبات نماز یازده چیز است که بعضی از آنها (رکن) و برخی (غیر رکن) می باشد؛ رکن نماز، آنهایی است که اگر به عمد یا به اشتباه به جا نیآورد، یا در نماز اضافه کند، نماز باطل می شود و غیر رکن، چیزهایی است که اگر به عمد کم یا زیاد شود، نماز باطل می شود) و چنانچه به اشتباه کم یا زیاد گردد، نماز باطل نمی شود. (م ۹۴۲)

نمودار زیر واجبات رکنی و غیررکنی را نشان می دهد:

رکن

نیت : انسان باید نماز را به نیت قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد، و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذراند، یا به طور مثال، به زبان بگوید که چهار رکعت نماز ظهر می خوانم قُرْبَةً اِلَى اللّٰهِ. (م ۹۴۳) در نیت، انسان باید بداند چه نمازی می خواند؛ یعنی بطور مثال، بداند نماز ظهر است یا عصر؛ بنابراین، اگر در نماز ظهر یا در نماز عصر نیت کند که چهار رکعت نماز می خوانم و معین نکند، ظهر است یا عصر، نماز او باطل است. (م ۹۴۴)

تکبیره الاحرام : گفتن الله اکبر در اول هر نماز، واجب و رکن است و باید به عربی صحیح گفته شود و هنگام گفتن آن باید بدن آرام باشد و اگر به عمد در حالی که بدنش حرکت دارد تکبیره الاحرام را بگوید، باطل است و چنانچه سهواً حرکت کند، بنابر احتیاط واجب، باید اول عملی که نماز را باطل می کند، انجام دهد و دوباره تکبیر بگوید (م ۹۴۸ و ۹۵۱) مستحب است موقع گفتن تکبیر اول و تکبیرهای بین نماز، دست ها را تا مقابل گوش ها بالا ببرد. (م ۹۵۵) بدین گونه که با شروع تکبیر، شروع کند به بالا بردن دست ها و با پایان یافتن تکبیر دست ها به کنار گوش ها رسیده باشد.

قیام (ایستادن): قیام در موقع گفتن تکبیره الاحرام و قیام پیش از رکوع که آن را قیام متصل به رکوع می گویند، رکن است، ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و قیام بعد از رکوع رکن نیست، و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترک کند، نمازش صحیح است. (م ۹۵۸) واجب است پیش از گفتن تکبیر و بعد از آن مقداری بایستد تا یقین کند که در حال ایستادن تکبیر گفته است. (م ۹۵۹) اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و یادش بیاید که رکوع نکرده، باید بایستد و به رکوع رود؛ و اگر بدون این که بایستد، به حال خمیدگی به رکوع برگردد، چون قیام متصل به رکوع را به جا نیاورده، نماز او باطل است. (م ۹۶۰)

رکوع: در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه ای خم شود که بتواند دست را بر زانو بگذارد و این عمل را (رکوع) می گویند. البته گذاشتن دست ها بر زانو لازم نیست؛ بنابراین، اگر به اندازه رکوع خم شود، ولی دست ها را به زانو نگذارد اشکال ندارد. (م ۱۰۲۲-۲۳، ۱) کسی که نشسته رکوع می کند، باید بقدری خم شود که صورتش مقابل زانوها برسد؛ و بهتر است بقدری خم شود که صورت نزدیک جای سجده برسد. (م ۱۰۲۷) انسان هر ذکری در رکوع بگوید، کافی است؛ ولی

احتیاط واجب آن است که به قدر سه مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ**، یا یک مرتبه **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ** کمتر نباشد. (م ۱۰۲۸) در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و در ذکر مستحب هم اگر آن را به قصد ذکر می‌کنید که برای رکوع دستور داده اند بگویید، بنابر احتیاط واجب، آرام بودن بدن لازم است. (م ۱۰۳۰) اگر پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، به عمد ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است. (م ۱۰۳۲) مستحب است پیش از رفتن به رکوع، در حالی که راست ایستاده، تکبیر بگوید و در رکوع زانوها را به عقب دهد و پشت را صاف نگه دارد و گردن را بکشد و مساوی پشت نگه دارد و بین دو پا را نگاه کند و پیش از ذکر یا بعد از آن، صلوات بفرستد و بعد از آن که از رکوع برخاست و راست ایستاد، در حال آرامی بدن بگوید **سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ** (م ۱۰۴۳)

سجود: نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده کند و سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سردو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد. (م ۱۰۴۵) دو سجده روی هم یک رکن است که اگر کسی در (یک رکعت) نماز واجب به عمد یا از روی فراموشی، هر دو را ترک کند، یا دو سجده دیگر به آنها اضافه نماید، نمازش باطل است. (م ۱۰۴۶) در سجده هر ذکر بگوید، کافی است؛ ولی احتیاط واجب، آن است که مقدار ذکر از سه مرتبه **سُبْحَانَ اللَّهِ** یا یک مرتبه **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ** کمتر نباشد؛ و مستحب است ذکر **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ** را سه یا پنج یا هفت مرتبه بگوید. (م ۱۰۴۹) بعد از تمام شدن ذکر سجده اول، باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود. (م ۱۰۵۶) تذکر: اگر پیشانی بی اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد و این یک سجده حساب می‌شود؛ چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه، و اگر نتواند سر را نگه دارد و بی اختیار دو بار، به جای سجده برسد، روی هم یک سجده حساب می‌شود و اگر ذکر نگفته باشد، باید بگوید. (م ۱۰۷۱)

چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است:

- ۱- خاک
- ۲- انواع سنگ حتی سنگ آهک، سنگ گچ و سنگ مرمر
- ۳- گچ و آهک پخته
- ۴- آجر و کوزه گلی و مانند آن
- ۵- چوب و برگ های غیرخوراکی
- ۶- چیزهایی که از زمین می‌رود و خوراک حیوان است. مانند علف و کاه
- ۷- گل های غیرخوراکی
- ۸- کاغذ مانند کاغذ کاهی، بلکه کاغذی که از پنبه درست شده است.

تذکر: برای سجده بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهداء(ع) می‌باشد، بعد از آن خاک، بعد از خاک سنگ و بعد از سنگ گیاه است. (م ۱۰۸۳)

پرسش

- ۱- آیا بر زبان آوردن نیت در نماز، لازم است؟
- ۲- اقسام قیام را نام ببرید.
- ۳- ذکر واجب رکوع چیست؟
- ۴- ذکر واجب سجده چیست؟
- ۵- سجده بر چه چیزهایی صحیح است؟

واجبات
نماز (۲)

غیر رکن

قرائت و ذکر

در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه ، انسان باید اول حمد و بعد از آن ، سوره تمام بخواند و در نمازهای مستحبی ، حمد واجب و شرط صحت نماز است ؛ اما سوره واجب نیست گر چه نماز مستحب به واسطه نذر و مانند آن واجب شود.

بر مرد واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند بخواند و بر مرد و زن واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند. (م ۹۲۲)

زن می تواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود بنابر احتیاط واجب باید آهسته بخواند. (م ۹۴۴)

اگر در جایی که باید نماز را بلند خواند به عمد آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته خواند به عمد بلند بخواند، نمازش باطل است ؛ ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، صحیح است ؛ و اگر در بین خواندن حمد و سوره هم بفهمد اشتباه کرده ، لازم نیست مقداری را که خوانده دوباره بخواند. (م ۹۹۵)

در رکعت سوّم و چهارم نماز می تواند فقط یک حمد بخواند یا سه مرتبه تسبیحات اربعه بگوید؛ یعنی سه مرتبه بگوید : (سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ) و اگر یک مرتبه هم تسبیحات اربعه بگوید کافی است و می تواند در یک رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید و بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات بخواند. (م ۱۰۰۵)

دو تذکر:

۱- در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگوید (م ۱۰۰۶)

۲ - بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات را آهسته بخوانند (م ۱۰۰۷)

تشهد

در رکعت دوّم تمام نمازهای واجب و رکعت سوّم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشاء، باید انسان بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن تشهد بخواند؛ یعنی بگوید : (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ). (م ۱۱۰۰)

مستحب است در حال تشهد بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را به کف پای چپ بگذارد و پیش از تشهد بگوید : (الْحَمْدُ لِلَّهِ) یا بگوید : (بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ) و نیز مستحب است دست ها را بر ران ها بگذارد و انگشت ها را به یکدیگر بچسباند و به دامان خود نگاه کند و بعد از تمام شدن تشهد بگوید : (وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ). (م ۱۱۰۳)

تذکر:

اگر تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده ، باید بنشیند و

تشهد را بخواند و دو باره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود، بخواند و نماز را تمام کند و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از نماز، سلام و تشهد را قضا کند و بنابراین احتیاط واجب، برای تشهد فراموش شده دو سجده سهو به جا آورد. (م ۱۱۰۲)

سلام

بعد از تشهد رکعت آخر نماز، مستحب است در حالی که نشسته و بدن آرام است بگوید: (اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ) و بعد از آن باید بگوید: (اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ) و بنابراین احتیاط مستحب اضافه کند (وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ) یا بگوید: (اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَ عَلَی عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِیْنَ). (م ۱۱۰۵)

ترتیب

در کارهای نماز (ترتیب) واجب است. بنابراین، مقدم داشتن تکبیرة الاحرام بر قرائت، حمد بر سوره، سوره بر رکوع، رکوع بر سجده و... واجب است. از این رو، اگر به عمد ترتیب نماز را به هم بزند، نماز باطل می شود.

موالات

انسان باید نماز را با موالات بخواند، یعنی کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت سر هم به جا آورد و چیزهایی را که در نماز می خواند، به طوری که معمول است، پشت سر هم بخواند و اگر بقدری بین آنها فاصله بیندازد که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است گر چه به طور سهوی باشد. (م ۱۱۱۴)

تذکر:

طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره های بزرگ، موالات را به هم نمی زند. (م ۱۱۱۶)

پرسش

- ۱ - کیفیت قرائت و ذکر را در نمازهای یومیه توضیح دهید.
- ۲ - اگر تشهد فراموش شود، چه باید کرد؟
- ۳ - کیفیت سلام نماز را بیان کنید.
- ۴ - منظور از ترتیب در نماز چیست؟
- ۵ - موالات را توضیح دهید.

مُتَبَدِّلَات

نماز

به چیزهایی که نماز را باطل می کند، مبطلات نماز گفته می شود و آنها عبارتند از:

- ۱- از بین رفتن یکی از شرایط در بین نماز
- ۲- پیش آمدن چیزی - از روی عمد، سهو یا ناچاری - که وضو یا غسل را باطل می کند.
- ۳ - روی هم گذاشتن دست ها.
- ۴- آمین گفتن پس از حمد.
- ۵- روبر گرداندن از قبله ، از روی عمد یا فراموشی.
- ۶- سخن گفتن از روی عمد، هر چند یک حرف باشد.
- ۷- خندیدن صدادار و عمدی.
- ۸- گریستن صدادار برای کارهای دنیا و عمدی.
- ۹- بر هم زدن صورت نماز از روی عمد یا فراموشی.
- ۱۰- خوردن و آشامیدن.
- ۱۱- شک کردن در رکعت های نماز دو رکعتی و سه رکعتی، یا در دو رکعت اول نمازهای چهاررکعتی.
- ۱۲- کم یا زیاد کردن ارکان نماز از روی عمد یا سهو، و همچنین کم یا زیاد کردن غیررکن، از روی عمد.

احکام مبطلات نماز

با توجه به این که بررسی احکام هر کدام از این مبطلات به طور جداگانه در اینجا مقدور نیست ، تنها به احکام برخی از مبطلات مهم می پردازیم:

الف - روبرگرداندن از قبله

اگر از روی عمد همه صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، نمازش باطل است ، بلکه اگر از روی سهو هم صورت را به این مقدار بگرداند، احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند و لازم نیست که نماز اول را تمام نماید، ولی اگر سر را کمی بگرداند به عمد باشد یا به اشتباه نمازش باطل نمی شود.(م ۱۱۳۱)

ب - سخن گفتن

- ۱ - اگر نمازگزار از روی عمد کلمه ای بگوید که از آن ، قصد معنی کند اگر چه معنی هم نداشته باشد و یک حرف هم باشد، نمازش باطل است .(قبل از م ۱۱۳۲)
- ۲ - چنانچه از روی عمد دو حرف یا بیشتر بگوید، اگر قصد معنی هم نکند بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند؛ ولی اگر از روی سهو بگوید؛ نمازش باطل نمی شود.(قبل از م ۱۱۳۲)
- ۳ - سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در نماز اشکال ندارد، ولی گفتن آخ و آه و مانند اینها که دو حرف است ، اگر عمدی باشد نماز را باطل می کند.(م ۱۱۳۳)

- ۴ - اگر کلمه ای را به قصد ذکر بگوید مثلاً به قصد ذکر بگوید (الله اکبر) و در موقع گفتن آن ، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند، اشکال ندارد ولی چنانچه به قصد این که چیزی به کسی بفهماند بگوید، اگر چه قصد ذکر هم داشته باشد، نماز باطل می شود. (م ۱۱۳۴)
- ۵ - در حال نماز، انسان نباید به دیگری سلام کند و اگر دیگری به او سلام کند، باید طوری جواب دهد که سلام مقدم باشد مثلاً " بگوید : (اَسْلَامٌ عَلَیْكُمْ) یا (سَلَامٌ عَلَیْكُمْ) و نباید (عَلَیْكُمْ السَّلَام) بگوید. (م ۱۱۳۷)
- ۶ - انسان باید جواب سلام را چه در نماز یا در غیر نماز فوراً بگوید؛ و اگر از روی عمد یا از روی فراموشی ، جواب سلام را بقدری طول دهد، که اگر جواب بگوید جواب آن سلام حساب نشود، چنانچه در نماز باشد، نباید جواب بدهد و اگر در نماز نباشد، جواب دادن واجب نیست. (م ۱۱۳۸)

ج - خنده و گریه صدا دار

- ۱ - خندیدن صدا دار از روی سهو و همچنین لبخند زدن ، نماز را باطل نمی کند.
- ۲ - اگر برای جلوگیری از صدای خنده حالش تغییر کند، مثلاً " رنگش سرخ شود، چنانچه از صورت نمازگزار بیرون رود، باید نمازش را دوباره بخواند. (م ۱۱۵۱)
- ۳ - گریه بدون صدا برای کار دنیا، نماز را باطل نمی کند.
- ۴ - گریستن از ترس خدا یا برای آخرت - آهسته باشد یا بلند - اشکال ندارد، بلکه از بهترین اعمال است. (م ۱۱۵۲)

د - بر هم زدن صورت نماز

- ۱ - اگر نمازگزار کاری کند که صورت نماز را بر هم بزند، مثل دست زدن و به هوا پریدن و مانند این ها از روی عمد یا فراموشی ، کم باشد یا زیاد، نمازش باطل است.
- ۲ - چنانچه کاری که صورت نماز را به هم نمی زند، انجام دهد مثل اشاره کردن به دست اشکال ندارد. (قبل از مسأله ۱۱۵۲)
- ۳ - اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است. (م ۱۱۵۲)

ه - خوردن و آشامیدن

- ۱ - اگر نمازگزار در نماز طوری بخورد یا بیاشامد که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است . (م ۱۱۵۴)
- ۲ - اگر در بین نماز، غذایی را که لای دندانها مانده فرو ببرد، نمازش باطل نمی شود. و اگر قند یا شکر و مانند اینها در دهان مانده باشد و در حال نماز کم کم آب شود و فرو رود، نمازش اشکال پیدا می کند. (م ۱۱۵۵)

مکروهات نماز

انجام کارهای زیر در نماز مکروه است:

- ۱ - بر هم گذاشتن چشم‌ها؛
- ۲ - بازی کردن با دست‌ها، انگشت‌ها و ریش؛
- ۳ - آب دهان انداختن؛
- ۴ - نگاه کردن به خط قرآن یا کتاب یا خط انگشتری؛
- ۵ - سکوت کردن در موقع خواندن حمد و سوره و گفتن ذکر، برای شنیدن حرف کسی؛
- ۶ - هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد؛
- ۷ - برگرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم؛
- ۸ - پوشیدن جوراب تنگ که پا را فشار دهد؛
- ۹ - نماز خواندن در موقعی که انسان خوابش می‌آید، و نیز در موقع خودداری کردن از بول و غایط. (م ۱۱۵۷-۱۱۵۸)

پرسش

- ۱ - شش نمونه از مبطلات نماز را نام ببرید.
- ۲ - چه نوع خنده و گریه ای نماز را باطل می‌کند؟
- ۳ - آیا اشاره کردن به دست در حال نماز موجب باطل شدن نماز می‌شود؟
- ۴ - فرو بردن غذای لای دندان‌ها در بین نماز چه حکمی دارد؟
- ۵ - شش نمونه از مکروهات در نماز را بنویسید.

نماز مسافر

انسان باید در سفر، نمازهای چهاررکعتی را دو رکعت (یعنی شکسته) به جا آورد؛ به شرط آن که مسافرتش از هشت فرسخ - که حدود چهل و پنج کیلومتر است - کمتر نباشد. اگر مسافر از جایی که نمازش تمام است، مثل وطن، حداقل چهار فرسخ برود و چهارفرسخ برگردد، نمازش در این سفر هم شکسته است. (م ۱۲۷۲ - ۱۲۷۳) کسی که به مسافرت می رود زمانی باید نمازش را شکسته بخواند که حداقل به مقداری دور شود که دیوارهای آن جا را نبیند، و اذان آن جا را هم نشنود. و چنانچه قبل از آن که به این مقدار دور شود بخواند نماز بخواند، باید نماز را تمام بخواند. (شرط هشتم قبل از مسأله ۱۳۱۸)

موارد تمام بودن نماز در سفر

مسافر در موارد زیر باید نماز را تمام بخواند:

- ۱ - قبل از آن که هشت فرسخ برود، از وطن خود بگذرد و یا در جایی ده روز بماند.
- ۲ - از اول قصد نداشتن به سفر هشت فرسخ برود و بدون قصد، این مسافت را پیموده است، مانند کسی که به دنبال گمشده ای می گردد.
- ۳ - در بین راه از قصد سفر برگردد؛ یعنی قبل از رسیدن به چهار فرسخ، از رفتن منصرف شود.
- ۴ - کسی که شغل او مسافرت است، مانند راننده قطار و ماشینهای بیرون شهری، خلبان و... (در سفری که شغل اوست).
- ۵ - کسی که به سفر حرام می رود؛ مانند سفری که موجب اذیت پدر و مادر باشد. (ر.ک. مسائل نماز مسافر)

تمام بودن نماز در بعضی مکان ها

در مکان های زیر نماز تمام است:

- ۱ - وطن
 - ۲ - جایی که می داند و یا بنا دارد ده روز بماند.
 - ۳ - جایی که سی روز با تردید مانده است؛ یعنی معلوم نبوده است که می ماند یا می رود و تا سی روز به همین حالت مانده و جایی هم نرفته است، در این صورت باید بعد از سی روز، نماز را تمام بخواند. (م ۱۳۳۵، ۱۳۳۸ و شرط چهارم)
- وطن کجاست؟** وطن، جایی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است، خواه در آن جا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد و یا خودش آن جا را برای زندگی اختیار کرده است. (م ۱۳۲۹)
- برخی از احکام مربوط به وطن از این قرار است:
- ۱ - تا انسان قصد ماندن همیشگی در غیروطن اصلی خودش را نداشته باشد، آن جا وطن او حساب نمی شود. (م ۱۳۳۱)
 - ۲ - اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلی او نیست مدتی بماند و بعد به جای دیگری برود، آن جا وطن او حساب نمی شود. (م ۱۳۳۰)

۳ - اگر انسان بدون قصد ماندن همیشگی در جایی ، آن قدر بماند که مردم او را اهل آن جا بدانند، آن جا حکم وطن او را دارد. (م ۱۳۳۱)

۴ - اگر به جایی برود که قبلاً " وطن او بوده ، ولی هم اکنون از آن جا صرف نظر کرده است ، نباید نماز را تمام بخواند، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد. (م ۱۳۳۴)

۵ - مسافری که به وطنش برمی گردد. وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان را بشنود، باید نماز را تمام بخواند. (م ۱۳۱۹)

قصد اقامت ده روز:

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند [نمازش تمام است ، همچنین] اگر بیشتر از ده روز در آن جا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده است ، باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند. (م ۱۳۴۷)

اگر مسافر از قصد ده روز برگردد، دو صورت دارد

- ۱- اگر قبل از خواندن نماز چهاررکعتی از قصد خود برگردد؛ باید نماز را شکسته بخواند.
- ۲- اگر بعد از خواندن یک نماز چهاررکعتی از قصد خود برگردد؛ تا وقتی که در آن جا هست ، باید نماز را تمام بخواند. (م ۱۳۴۲)

احکام نماز مسافر

- ۱ - مسافری که نمازش را تمام خوانده است:
- الف - اگر نمی دانسته است که مسافر باید نماز را شکسته بخواند، نمازی که خوانده صحیح است. (م ۱۳۵۹)
- ب - چنانچه حکم سفر را می دانسته ، ولی بعضی از جزئیات را نمی دانسته است و یا نمی دانسته که مسافر است ؛ نمازی را که خوانده است باید دوباره بخواند. (م ۱۳۶۰ - ۱۳۶۲)
- ۲ - کسی که باید نماز را تمام بخواند، اگر شکسته به جا آورد در هر صورت نمازش باطل است . (م ۱۳۶۳)
- ۳ - اگر از مسافری که باید نماز را شکسته بخواند نماز ظهر یا عصر یا عشا قضا شود، باید آن را دورکعتی قضا نماید؛ اگر چه در غیر سفر بخواد قضای آن را به جا آورد. همچنین اگر از کسی که مسافر نیست یکی از این سه نماز قضا شود، باید چهاررکعتی قضا نماید؛ اگر چه در سفر بخواد آن را قضا نماید. (م ۱۳۶۸)

پرسش

- ۱ - در سفر چند رکعت از نمازهای یومیّه کم می شود؟ از کدام نمازها؟
- ۲- در کدام مکان ها نماز تمام خوانده می شود؟
- ۳ - ملاک وطن بودن یک مکان چیست ؟
- ۴ - اگر مسافر بعد از خواندن یک نماز چهاررکعتی از قصد ده روز خود برگردد، تا وقتی که در آن جا هست باید چگونه نماز بخواند؟
- ۵ - مسافری که به سبب فراموشی ، نمازش را تمام خوانده است ، آیا نمازش صحیح است یا نه ؟

نماز جمعه
و جماعت

نماز جماعت یکی از شعائر مهم اسلامی است و از اهمیت فراوانی برخوردار می باشد. گذشته از روایات بسیاری که درباره اهمیت نماز جماعت وارد شده ، پاره ای از احکام دین نیز به این مطلب دلالت دارد ، از جمله:

- ۱ - حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی اعتنائی ، جایز نیست.
- ۲ - سزاوار نیست که انسان بدون عذر، نماز جماعت را ترک کند.
- ۳ - مستحب است کسی که نمازش را فرادی خوانده ، وقتی جماعت برپا شد دوباره با جماعت بخواند.
- ۴ - مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.
- ۵ - نماز جماعت از نماز اوّل وقت که فرادا خوانده شود بهتر است.
- ۶ - نماز جماعتی را که مختصر بخوانند ، از نماز فرادا که آن را طول بدهند بهتر است. (م ۱، ۱۴ - ۱۴۰۳)

وظایف مأموم در جماعت

- ۱ - نمازگزار نباید جلوتر از امام بایستد. (م ۱۴۳۲)
- ۲- مأموم تکبیره الاحرام را پیش از امام نگوید، بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده ، تکبیر نگوید. (م ۱۴۶۷)
- ۳- غیر از حمد و سوره ، همه ذکرهای نماز را باید خودش بخواند. همچنین اگر در رکعت سوم یا چهارم امام ، اقتدا کند، باید حمد و سوره را بخواند. (م ۱۴۶۱)
- ۴ - باید غیر از آنچه در نماز خوانده می شود، کارهای دیگر آن ، مانند رکوع و سجود را با امام یا کمی بعد از امام به جا آورد. (م ۱۴۷۰)
- ۵ - نباید (مکروه است) ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود. (م ۱۴۸۹)

احکام نماز جماعت

- ۱ - موقعی که امام جماعت نماز یومیّه می خواند، می توان هر کدام از نمازهای یومیّه را به او اقتدا کرد. (م ۱۴۰۸)
- ۲ - اگر امام جماعت قضای نماز یومیّه خود را می خواند، می توان به او اقتدا کرد. (م ۱۴۰۹)
- ۳ - اگر انسان نداند نمازی را که امام می خواند نماز واجب یومیّه است یا نماز مستحب ، نمی تواند به او اقتدا کند. (م ۱۴۱۰)
- ۴ - انسان در بین نماز جماعت می تواند نیت فرادا کند. (م ۱۴۲۳)
- ۵ - اگر مأموم به واسطه عذری بعد از حمد و سوره امام نیت فرادا کند، لازم نیست حمد و سوره را بخواند، ولی اگر پیش از تمام شدن حمد و سوره نیت فرادا نماید، باید مقداری را که امام نخوانده ، بخواند. (م ۱۴۲۴)
- ۶ - در نماز جماعت باید بین مأموم و امام پرده و مانند آن که پشت آن دیده نمی شود فاصله نباشد. همچنین بین انسان و مأموم دیگری که انسان به واسطه او به امام متصل شده است ، ولی اگر امام مرد و مأموم زن باشد، این امر اشکال ندارد. (م ۱۴۳۳)

۷ - مأموم باید رکوع و سجود را با امام ، یا کمی بعد از او به جا آورد، ولی اگر:
الف - از روی عمد پیش از اتمام یا مدتی بعد از او انجام داد، معصیت کرده ، ولی نمازش صحیح است .
ب - از روی سهو پیش از امام سر از رکوع بردارد و امام در رکوع باشد. باید برگردد و با امام سر بر دارد، ولی اگر به رکوع برگردد و پیش از آن که به رکوع برسد، امام سر بردارد، نمازش باطل است .
در سجده نیز چنین است . (م ۱۴۷۰ - ۱۴۷۱)

نماز جمعه

(نماز جمعه) یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان است . نماز جمعه و دو خطبه آن ، مانند حج و نماز عید فطر و قربان ، از مراسم بزرگ مسلمانان است ؛ ولی متأسفانه ، مسلمانان از وظایف مهم سیاسی نسبت به این عبادت ، غافل و ناآگاهند، در صورتی که انسان باندک مطالعه و دقت در احکام حکومتی ، سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی اسلام ، در می یابد که اسلام ، دین سیاست است و کسی که دین را از سیاست جدا می داند، نادانی است که نه اسلام را می شناسد و نه سیاست را. نماز جمعه مانند نماز صبح دو رکعت است ، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه ، قبل از نماز ایراد می شود.

وظیفه امام جمعه هنگام ایراد خطبه ها

- ۱ - حمد و ثنای الهی را به جا آورد.
- ۲ - بر پیامبر اکرم (ص) و ائمه مسلمین (ع) درود بفرستد.
- ۳ - مردم را به تقوای الهی و پرهیز از گناهان سفارش کند.
- ۴ - سوره کوتاهی را از قرآن بخواند.
- ۵ - برای مردان و زنان با ایمان طلب آموزش کند.
- ۶ - سزاوار است امام جمعه مطالب زیر را نیز بگوید:
آنچه مسلمانان در زندگی دنیا و آخرت به آن نیاز دارند؛
- مردم را از آنچه در جهان می گذرد و به سود و زیان مسلمانان است ، آگاه کند؛
- از مسائل سیاسی و اقتصادی که در استقلال و آزادی آنان دخالت دارد و چگونگی رفتار آنها با سایر ملت ها سخن بگوید ؛
- مسلمانان را از دخالت دولت های ستمگر و استعمارگری که در امور سیاسی و اقتصادی منجر به بهره کشی از آنان می شود، آگاه کند.

وظیفه نمازگزاران جمعه

- ۱ - بنا بر احتیاط واجب ، باید به خطبه ها گوش دهند.
- ۲ - به احتیاط مستحب از سخن گفتن پرهیزند؛ و چنانچه سخن گفتن سبب از بین رفتن فایده خطبه ها و یا گوش ندادن به آنها شود، ترک آن واجب است .

۳ - احتیاط مستحب آن است که شنوندگان ، هنگام ایراد خطبه ها، رو به امام جمعه بنشینند و پیش از مقداری که در نماز اجازه داده شده ، به اطراف نگاه نکنند.

پرسش

- ۱ - حاضر نشدن به نماز جمعه از روی بی اعتنایی چه حکمی دارد؟
- ۲ - وظیفه مأموم در نماز جماعت چیست؟
- ۳ - آیا مأموم می تواند قبل از امام جماعت به رکوع و سجده برود؟
- ۴ - از دیدگاه امام خمینی (ره) کسی که دین را از سیاست جدا بداند، چگونه فردی است؟
- ۵ - وظیفه نمازگزاران جمعه را بیان کنید.

نماز قضا و مستحبی

با همه سفارشی که نسبت به نماز شده ، چه بسا دیده شده که:

- بعضی از روی عمد و به هر دلیل و بهانه ای ، نماز واجب خود را نمی خوانند.
- بعضی دیگر آن را سبک شمرده ، تاءخیر می اندازند و نسبت به خواندن آن در وقت - به ویژه در اول وقت - چندان اهمیتی نمی دهند.
- عده ای نیز به جهت تقصیر در فراگیری احکام نماز، به وظیفه شرعی خود عمل نکرده ، آن را به صورت باطل به جا می آورند، سپس به باطل بودن آن پی می برند.
- در هر صورت خواندن قضای این نمازها بر انسان واجب است.

احکام نماز قضا

- ۱ - کسی که نماز قضا دارد، باید در خواندن آن کوتاهی نکند؛ ولی واجب نیست فوراً آن را به جا آورد. (م ۱۳۷۲)
- ۲- تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نمازهای قضای خود عاجز باشد، دیگری نمی تواند نمازهای او را قضا نماید. (م ۱۳۷۸)
- ۳ - کسی که نماز قضا دارد، می تواند نماز مستحبی بخواند. (م ۱۳۷۳)
- ۴ - نماز مستحبی جای قضای نماز واجب را نمی گیرد.
- ۵ - نماز قضا را با جماعت می شود خواند، چه نماز امام جماعت ، ادا باشد یا قضا و لازم نیست هر دو یک نماز را بخوانند. مثلاً" اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد. (م ۱۳۸۸)
- ۶ - خواندن نماز قضا در حال سفر مانع ندارد.
- ۷ - حمد و سوره قضای نمازهای صبح و مغرب و عشا باید بلند خوانده شود.
- ۸ - قضای نمازهای یومیّه لازم نیست به ترتیب خوانده شود. مثلاً" کسی که یک روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده ، لازم نیست اول نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا نماید. (م ۱۳۷۵)

نماز قضای پدر

- ۱ - اگر پدر نماز و روزه خود را به جا نیاورده باشد، چنانچه از روی نافرمانی ترک کرده و می توانسته قضا کند، بر پسر بزرگ تر واجب است که بعد از مرگش به جا آورد، یا برای او اجیر بگیرد. بلکه اگر از روی نافرمانی هم ترک کرده باشد واجب است به همین طور عمل کند. (م ۱۳۹۰)
- ۲ - اگر پسر بزرگ تر بخواهد نماز پدر را بخواند، باید به تکلیف خود عمل کند. مثلاً" قضای نماز صبح و مغرب و عشا را باید بلند بخواند. (م ۱۳۵۹)
- ۳ - اگر پسر بزرگ تر پیش از آنکه نماز و روزه پدر را قضا کند بمیرد، بر پسر دوم چیزی واجب نیست . (م ۱۳۹۸)
- ۴ - اگر میت وصیت کرده باشد که برای نماز و روزه او اجیر بگیرند، بعد از آن که اجیر، نماز و روزه او را به طور صحیح به جا آورد، بر پسر بزرگتر چیزی واجب نیست. (م ۱۳۹۴)

نمازهای مستحب

نمازهای مستحبی ، که به آنها (نافله) می گویند، زیاد هستند، ولی برخی از آن ها که اهمیت بیشتری دارد به قرار زیر است:

۱ - نافله نمازهای یومیه: هفده رکعت نماز واجب که در شبانه روز خوانده می شود، ۳۴ رکعت نافله دارد که چگونگی خواندن آنها در نمودار زیر بیان شده است.

۲ - نماز غفیله: نماز غفیله بین نماز مغرب و عشا خوانده می شود؛ و وقت آن بعد از نماز مغرب است تا وقتی که سرخی طرف مغرب از بین برود. کیفیت آن به شرح زیر است.

در رکعت اول آن ، بعد از حمد باید به جای سوره ، این آیه را بخوانند:

(وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ) انبیاء (۲۱)، آیه ۸۷

و در رکعت دوم بعد از حمد باید به جای سوره ، این آیه را بخوانند :

(وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي البُرِّ وَ البَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الأَرْضِ وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَأْسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ) انعام (۶)، آیه ۵۹

و در قنوت آن بگویند:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا) و به جای (أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا) حاجتهای خود را بخواهند، به عنوان مثال بگویند: (أَنْ تُغْفِرَ لِي دُنُوبِي).

و بعد بگویند:

(اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَ القَادِرُ عَلَيَّ طَلَبْتِي تَعَلَّمُ حَاجَتِي فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي) (م ۷۷۵)

پرسش

۱ - آیا نماز قضا را می توان در سفر به جا آورد؟

۲ - اگر انسان از خواندن نماز خود عاجز باشد آیا شخص دیگری می تواند برایش نماز بخواند؟

۳ - مجموع نمازهای یومیه و نوافل آن ، چند رکعت است ؟

۴ - نماز شب چند رکعت است ؟

۵ - آیا نماز شب را می توان در اول شب به جا آورد؟



روزه (۱)

آداب روزه

روزه در لغت به معنای بازداشتن و خودداری کردن است ، به طور مطلق و در فقه عبارت است از آن که ، انسان برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب از چیزهایی که روزه را باطل می کند، خودداری نماید. (قبل از مسأله ۱۵۵۰)

روزه در اسلام از اهمیّت زیادی برخوردار است و در میان عبادات تنها عبادتی است که به خداوند متعال اختصاص یافته است ؛ زیرا به لحاظ جایگاهش کمتر در معرض ریا قرار می گیرد، بر خلاف دیگر عبادات که چون در معرض دید مردم است از ریا برکنار نبوده و دستیابی اخلاص در آن ها دشوار است . علاوه بر آن ، روزه یکی از ارکان پنجگانه اسلام نیز می باشد.

در حدیث قدسی از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که خداوند می فرماید:

(الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أَجْزَى بِهِ): روزه برای من است و من خود، پاداش آن را می دهم.

امام صادق (ع) می فرماید:

(بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ دَعَائِمٍ؛ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِيمَةِ مِنْ وُلْدِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ): اسلام بر پنج پایه استوار است ؛ نماز، زکات ، روزه ، حجّ و ولایت امیرالمؤمنین و فرزندان آن حضرت صلوات الله علیهم که امام هستند.

برقراری خلوص و پاکی ، احساس درد و رنج مستمندان ، آگاهی برفقر خود در قیامت ، صبر در سختیها از جمله حکمتهای وجوب روزه است که در روایات به آنها اشاره شده است.

حضرت فاطمه (س) فرمود:

(فَرَضَ اللَّهُ الصِّيَامَ تَثْبِيثًا لِلْإِخْلَاصِ): خداوند روزه را به خاطر تثبیت اخلاص واجب کرده است.

از امام رضا (ع) نقل شده که فرمود: علت واجب شدن روزه آن است که مردم ، سختی گرسنگی را چشیده ، بر فقر در آخرت آگاه شوند. روزه دار خاشع و فروتن شده و توجه داشته باشد که اعمالش به حساب می آید و مورد پاداش قرار می گیرد؛ و (نیز) مقابل گرسنگی و تشنگی صابر شود و علاوه بر دوری از شهوات ، ثواب الهی نصیبش گردد... و از سختی های مستمندان با خبر شود، تا حقی را که خداوند در اموالش قرار داده است ، ادا نماید.

آداب روزه

ناگفته نماند، روزه در صورتی می تواند منشاء آثار باشد که تمام آداب آن رعایت شود؛ و گر نه چه بسا روزه داری که بهره اش از روزه (فقط) گرسنگی و تشنگی است.

امام صادق (ع) به بعضی از آداب روزه اشاره کرده ، می فرماید:

(إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعَكَ وَ بَصْرَكَ مِنَ الْحَرَامِ وَالْقَبِيحِ وَ دَعِ الْمِرَاءَ وَ أَدَى الْخَادِمِ وَ لْيَكُنْ عَلَيْكَ وَقَارُ الصَّائِمِ وَ لَا تَجْعَلْ يَوْمَ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فِطْرِكَ) چون روزه گرفتی ، گوش و چشمت (نیز) باید از حرام و کار زشت روزه باشند، از ریا و آزار زیر دستان به دور باشی ، باید وقار روزه دار در تو مشاهده شود و روزهایی را که روزه هستی ، مانند دیگر روزهایت نباشد.

امام خمینی (ره) می فرماید:

معنای روزه فقط خودداری و امساک از خوردن و آشامیدن نمی باشد؛ از معاصی هم باید خودداری کرد؛ این ، از آداب اولیه روزه می باشد که برای مبتدی هاست ... شما اقلّاً به آداب اولیه روزه عمل نمایید، وهمانطور که شکم را از خوردن و آشامیدن نگه می دارید، چشم و گوش و زبان را هم از معاصی بازدارید... کینه ، حسد و دیگر صفات زشت شیطانی را از دل بیرون کنید. اگر توانستید، انقطاع الی الله حاصل نمایید؛ اعمال خود را خالص و بی ریا انجام دهید؛ از شیاطین انس و جن منقطع شوید.

نیت روزه

در نیت روزه همین مقدار کافی است که انسان برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند، انجام ندهد و جاری کردن نیت بر زبان و یا گذراندن از قلب لازم نیست. (م ۱۵۵۰)

رعایت امور زیر در نیت لازم است:

- ۱ - قصد قربت ؛
 - ۲ - تصمیم بر ترک و خودداری نمودن از چیزهایی که روزه را باطل می کند؛
 - ۳ - تعیین نوع روزه در غیر ماه رمضان .
- ولی دانستن همه مبطلات به طور تفصیل و نیز تعیین نوع روزه در ماه رمضان لازم نیست.

زمان نیت روزه

الف - روزه ماه رمضان

- ۱ - انسان می تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم نیت روزه همه ماه را بنماید. (م ۱۵۵۱)
- ۲ - از اول شب ماه رمضان تا اذان صبح ، هر وقت نیت روزه فردا بکند، اشکال ندارد. (م ۱۵۵۲)

ب - روزه غیر ماه رمضان

- ۱ - اگر غیر از روزه ماه رمضان ، روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد، مثلاً " نذر کرده باشد که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه عمداً" تا اذان صبح نیت نکند ، روزه اش باطل است ، و اگر نداند که روزه آن روز بر او واجب است یا فراموش کند و پیش از ظهر یادش بیاید، چنانچه کاری که روزه را باطل می کند، انجام نداده باشد و نیت کند روزه او صحیح و گرنه باطل می باشد. (م ۱۵۶۴)
- ۲ - اگر برای روزه واجب غیرمعینی مثل روزه کفاره عمداً" تا نزدیک ظهر نیت نکند اشکال ندارد؛ بلکه اگر پیش از نیت تصمیم داشته باشد که روزه نگیرد، یا تردید داشته باشد

که بگیرد یانه ، چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد و پیش از ظهر نیت کند، روزه او صحیح است. (م ۱۵۶۵)

۳ - وقت نیت روزه مستحبی از اول شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد که اگر تا این وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحبی کند، روزه او صحیح است. (م ۱۵۵۳)

احکام نیت

۱ - کسی که پیش از اذان صبح بدون نیت روزه خوابیده است ، اگر پیش از ظهر بیدار شود و نیت کند، روزه او صحیح است چه روزه او واجب باشد، چه مستحب . و اگر بعد از ظهر بیدار شود، نمی تواند نیت روزه واجب نماید. (م ۱۵۵۴)

۲ - اگر بخواهد غیر روزه رمضان روزه دیگری بگیرد، باید آن را معین نماید؛ مثلاً "نیت کند که روزه قضا یا روزه نذر می گیرم . ولی در ماه رمضان لازم نیست نیت کند که روزه ماه رمضان می گیرم ، بلکه اگر نداند ماه رمضان است یا فراموش نماید و روزه دیگری را نیت کند، روزه ماه رمضان حساب می شود. (م ۱۵۵۵)

۳ - کسی که برای به جا آوردن روزه میّتی اجیر شده ، اگر روزه مستحبی بگیرد، اشکال ندارد. ولی کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد، نمی تواند روزه مستحبی بگیرد. (م ۱۵۶۳)

۴ - اگر در روزه واجب معینی مثل روزه رمضان از نیت روزه گرفتن برگردد روزه اش باطل است ؛ ولی چنانچه نیت کند که چیزی را که روزه را باطل می کند به جا آورد، در صورتی که آن را انجام ندهد روزه اش باطل نمی شود. (م ۱۵۷۰)

۵ - سؤال ۱ : اگر کسی نداند و عمداً تا اذان ظهر نیت روزه ماه رمضان نکند چه حکمی دارد؟
ج : در فرض مرقوم ، روزه آن روز قضا دارد.

۶ - سؤال ۲ : شخصی در ماه رمضان از شهری که وطنش نیست سحری می خورد به نیت این که قبل از ظهر به وطنش برسد و روزه بگیرد، آیا از اول وقت می تواند قصد روزه نماید؟
ج : نیت روزه در حال سفر صحیح نیست ، ولی اگر قبل از ظهر به وطن رسیده و قبلاً افطار نکرده باید نیت روزه کند و صحیح است .

پرسش

- ۱- جایگاه روزه در اسلام چگونه است ؟
- ۲- روزه چه آدابی دارد؟
- ۳- در نیت ، رعایت چه اموری لازم است ؟
- ۴- نیت روزه در ماه رمضان به چه کیفیتی است ؟
- ۵- وظیفه کسی که از روی عمد تا اذان ظهر نیت روزه ماه رمضان نکند، چیست ؟

مبطلات

روزه

منظور از مبطلات روزه ، چیزهایی است که روزه دار باید از آن اجتناب کند و اگر یکی از آنها را انجام دهد روزه اش باطل می شود.

مبطلات روزه عبارتند از:

- ۱ - خوردن و آشامیدن
- ۲ - جماع
- ۳ - استمناء
- ۴ - دروغ بستن به خدا، پیغمبر و جانشینان پیغمبر(ع)
- ۵ - رساندن غبار غلیظ به حلق
- ۶ - فروبردن تمام سر در آب
- ۷ - باقی ماندن بر جنابت ، حیض و نفاس تا اذان صبح
- ۸ - قی کردن . (م ۱۵۷۲)

اینک توضیح هر یک از موارد یاد شده :

الف - خوردن و آشامیدن

- ۱ - معیار در خوردن و آشامیدن صدق خوردن و آشامیدن است ، هر چند به طور متعارف نباشد، از این رو، اگر آب از راه بینی وارد معده شود اگر چه به طور غیرمتعارف است ، ولی آشامیدن صدق می کند.
- ۲- اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می شود.(م ۱۵۷۳)
- ۳- موارد زیر، حکم خوردن و آشامیدن را دارد و انجام عمدی آن روزه را باطل می کند:
 - الف - فروبردن رطوبت مسواکی که آن را از دهان بیرون آورده و دوباره به دهان برده است .(م ۱۵۷۳)
 - ب - فرو بردن چیزی که لای دندان مانده است .(م ۱۵۷۷)
 - ج - فرو بردن اخلاط سر و سینه که به فضای دهان رسیده باشد بنا بر احتیاط واجب ، ولی تا به فضای دهان نرسیده ، اشکال ندارد.(م ۱۵۸۰)
 - د - فرو بردن چیزی که بر اثر آروغ زدن در دهان آمده ؛(م ۱۶۷۱)
 - ه - استعمال آمپولی که به جای غذا به کار می رود، بنا بر احتیاط واجب ، ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس یا به جای دوا استعمال می شود، اشکال ندارد.(م ۱۵۷۶)
 - ۴ - انسان نمی تواند برای ضعف ، روزه را بخورد؛ ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.(م ۱۵۸۳)

ب - جماع

جماع روزه را باطل می کند؛ اگر چه فقط به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید.(م ۱۵۸۴)

ج - استمناء

- ۱- اگر روزه دار استمناء کند، روزه اش باطل می شود. (م ۱۵۸۸)
- ۲- هر گاه روزه دار بداند که اگر در روز بخوابد محتلم می شود، می تواند در روز بخوابد و چنانچه بخوابد و محتلم شود، روزه اش صحیح است. (م ۱۵۹۰)

د - دروغ بستن به خدا و پیغمبر

- ۱- اگر روزه دار به گفتن یا نوشتن یا به اشاره و مانند اینها، به خدا و پیغمبر و جانشینان آن حضرت عمداً نسبت دروغ بدهد، اگر چه فوراً بگوید دروغ گفتم یا توبه کند، روزه او باطل است، و احتیاط واجب آن است که حضرت زهرا ۳ و سایر پیغمبران و جانشینان آنان هم در این حکم فرقی ندارند. (م ۱۵۹۶)
- ۲- اگر بخواید خبری را که نمی داند راست است یا دروغ نقل کند، بنا بر احتیاط واجب باید از کسی که آن خبر را گفته یا از کتابی که آن خبر در آن نوشته شده نقل نماید، لکن اگر خودش هم خبر بدهد، روزه اش باطل نمی شود. (م ۱۵۹۷)

ه - رساندن غبار غلیظ به حلق

- ۱- رساندن غبار غلیظ به حلق روزه را باطل می کند، چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مثل آرد، یا غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام است مثل خاک. (م ۱۶۰۳)
- ۲- احتیاط واجب آن است که روزه دار دود سیگار و تنباکو و مانند اینها را به حلق نرساند؛ ولی بخار غلیظ روزه را باطل نمی کند، مگر این که در دهان به صورت آب درآید و فرو دهد. (م ۱۶۰۵)

و - فرو بردن سر در آب

- ۱- اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، اگر چه باقی بدن او از آب بیرون باشد، بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن روزه را بگیرد. ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد، روزه باطل نمی شود. (م ۱۶۰۸)
- ۲- اگر فراموش کند که روزه است و به نیت غسل سر را در آب فرو برد، روزه و غسل او صحیح است. (م ۱۶۱۶)
- ۳- اگر در ماه رمضان، عمداً برای غسل سر را در آب فرو ببرد، هم روزه او باطل است هم غسلش. (م ۱۶۱۷)

ز - باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

- ۱- اگر جنب عمداً تا اذان صبح غسل نکند، یا اگر وظیفه او تیمم است عمداً تیمم ننماید، روزه اش باطل است. (م ۱۶۱۹)
- ۲- کسی که جنب است و می خواهد روزه واجبی را بگیرد که مثل روزه رمضان وقت آن معین است، چنانچه عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیمم روزه بگیرد و صحیح است. (م ۱۶۲۱)

۳- کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می داند که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی شود، نباید بخوابد و چنانچه بخوابد و تا صبح بیدار نشود، روزه اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می شود. (م ۱۶۲۵)

۴- اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند و بعد از یک یا چند روز یادش بیاید، باید آن روزه ها را قضا کند. (م ۱۶۲۲)

۵- اگر روزه دار در روز محتلم شود ، واجب نیست فوراً " غسل کند. (م ۱۶۳۲)
۶- هر گاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتلم شده ، اگر چه بداند پیش از اذان محتلم شده ، روزه او صحیح است. (م ۱۶۳۳)

ح - قی کردن

۱- هر گاه روزه دار عمداً قی کند - اگر چه به واسطه مرض و مانند آن ناچار باشد - روزه اش باطل می شود؛ ولی اگر سهواً یا بی اختیار قی کند، اشکال ندارد. (م ۱۶۴۶)

۲- اگر آروغ بزند و بدون اختیار چیزی در گلو یا دهانش بیاید، باید آن را بیرون بریزد و اگر بی اختیار فرو رود روزه اش صحیح است. (م ۱۶۵۲)

احکام مبطلات

باطل شدن روزه به سه صورت ممکن است انجام گیرد:

۱- اگر انسان عمداً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، روزه او باطل می شود؛ و چنانچه از روی عمد نباشد اشکال ندارد. (م ۱۶۵۳)

۲- اگر روزه دار سهواً یکی از کارهایی که روزه دار را باطل می کند انجام دهد و به خیال این که روزه اش باطل شده عمداً دوباره یکی از آنها را به جا آورد، روزه او باطل می شود. (م ۱۶۵۴)

۳- اگر چیزی به زور در گلوئی روزه دار بریزند، یا سر او را به زور در آب فرو برند، روزه او باطل نمی شود. ولی اگر مجبورش کنند که روزه خود را باطل کند، مثلاً " به او بگویند اگر غذا نخوری ، ضرر مالی یا جانی به تو می زنیم و خودش برای جلوگیری از ضرر چیزی بخورد، روزه او باطل می شود. (م ۱۶۵۵)

پرسش

- ۱ - مبطلات روزه را نام ببرید
- ۲ - مسواک زدن در حال روزه چه حکمی دارد؟
- ۳ - آیا انسان می تواند به خاطر ضعف ، روزه بخورد؟
- ۴ - باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح در چه صورتی روزه را باطل می کند؟
- ۵ - وظیفه روزه داری که در روز محتلم شود ، چیست ؟

امر به
معروف و
نهی از منکر

(امر) به معنای فرمان دادن و (معروف) در لغت به معنای شناخته شده و مشهور و نیز به معنای نیکی و کار نیک می باشد. معروف در این جا، اسم برای هر کاری است که (خوبی آن) به واسطه عقل یا شرع شناخته شده باشد. مانند واجبات الهی همچون نماز، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد و... نیز وظایف اخلاقی مانند صداقت، عدالت، احسان، اعتدال، امانت داری، انفاق، ایثار، تقوا، تواضع، زهد، عفت، عفو و گذشت، وفای به عهد و...

(نهی) یعنی بازداشتن، منع کردن و (منکر) یعنی کار زشت، نامشروع، ناپسند، ناشایسته و بد. و در اینجا منظور از منکر هر کاری است که شرع و عقل صحیح، به زشتی آن حکم می کنند.

برخی از منکرات عبارتند از: ستم به خدا و به خود و به دیگران، انجام محرّمات خدا، اسراف و تبذیر، دروغ، غیبت، فساد، فسق، سوء خلق، بخل، تکبر، حسد، بی حجابی و بد حجابی، چشم چرانی، حرامخواری و...

اقسام امر به معروف و نهی از منکر

هر کدام از امر و نهی در اینجا به دو قسم واجب و مستحب تقسیم می شود که موارد آن در زیر می آید:

الف - امر به معروف و نهی از منکر واجب: امر در چیزهایی که از نظر عقل و شرع واجب باشد، واجب است و نهی در چیزهایی که از نظر عقل زشت بوده یا از نظر شرع حرام باشد، واجب است.

لازم به ذکر است که (امر به معروف و نهی از منکر) واجب کفایی می باشد و در صورتی که بعضی از مکلفین قیام به آن کنند از دیگران ساقط است و اگر اقامه معروف و جلوگیری از منکر موقوف بر اجتماع جمعی از مکلفین باشد واجب است اجتماع کنند (م ۲۷۸۷) و همچنین (بیان مسأله شرعی در امر به معروف و نهی از منکر کفایت نمی کند، بلکه باید مکلف، امر و نهی کند. مگر آن که مقصود از امر به معروف و نهی از منکر، از بیان حکم شرعی حاصل شود و یا طرف مقابل از آن، امر و نهی بفهمد) (م، ۲۷۸۹).

ب - امر به معروف و نهی از منکر مستحب: امر و نهی در چیزهای مستحب و یا مکروه، مستحب است.

شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر

در فقه اسلامی برای کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، شرایط ویژه ای قائل شده اند که در صورت دارا بودن آن شرایط، امر و نهی بر او واجب می شود.

شرایط امر و نهی عبارتند از:

۱- علم

منظور از علم آن است که امر و نهی بدانند که آنچه شخص مکلف به جا نمی آورد، واجب است به جا آورد و آنچه به جا می آورد، باید ترک کند و بر کسی که معروف و منکر را نمی داند واجب نیست. (م) (۲۷۹۱)

۲- احتمال تاءثیر

شخص امر و نهی باید احتمال بدهد امر و نهی او تاءثیر می کند، پس اگر بداند اثر نمی کند، واجب نیست. (م) (۲۷۹۱) اما اگر به اسم دین مبین اسلام، منکراتی انجام شود، یا بدعتی واقع شود اظهار حق و انکار باطل بر همه و به ویژه بر علمای اسلام واجب است و اگر سکوت علمای اعلام موجب هتک مقام علم و موجب اسائه ظن به علمای اسلام شود، اظهار به هر شکل ممکن واجب است، اگر چه بدانند تاءثیر نمی کند. (م) (۲۷۹۳) اگر سکوت علمای اعلام موجب تقویت ظالم شود، یا موجب تاءیید او گردد، یا موجب جرات او بر سایر محرمات شود، واجب است اظهار حق و انکار باطل، اگر چه تاءثیر فعلی نداشته باشد. (م) (۲۷۹۵)

۳- اصرار بر گناه

شرط دیگر واجب امر و نهی این است که امر و نهی بدانند شخص معصیت کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند، پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی کند، واجب نیست. (م) (۲۷۹۱)

۴ - نداشتن مفسده

شرط چهارم آن است که در امر و نهی مفسده ای نباشد. پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه به او می رسد واجب نیست. همین طور اگر احتمال صحیح بدهد که از آن، ترس ضررهای مذکور را پیدا کند واجب نیست. بلکه اگر بترسد که ضرری متوجه متعلقان او می شود واجب نیست همچنین با احتمال وقوع ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی موجب حرج بر بعضی مؤمنین، واجب نمی شود، بلکه در بسیاری از موارد حرام است. (م) (۲۷۹۱)

اما (اگر معروف یا منکر از اموری باشد که شارع مقدس به آن اهمیت زیاد می دهد، مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن مجید و حفظ عقاید مسلمانان یا احکام ضروری، باید ملاحظه اهمیت شود و مجرد ضرر، موجب واجب نبودن نمی شود. پس اگر حفظ عقاید مسلمانان یا احکام ضروری اسلام، بر بذل جان و مال توقف داشته باشد، بذل آن واجب است) (م) (۲۷۹۲)

مراتب امر به معروف و نهی از منکر برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبی است که جایز نیست با احتمال حاصل شدن مقصود از مرتبه پایین، به مراتب دیگر عمل شود. (م) (۲۸۰۴)

مراتب امر و نهی عبارتند از:

۱- مبارزه منفی

به این معنا که با شخص معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد برای ارتکاب معصیت، این نحو با او عمل شده است، مثل این که از او رو بر گرداند، یا با چهره عبوس با او رو به رو شود، یا ترک مراوده با او کند و از او روی برگرداند به نحوی که معلوم شود این امور برای آن است که او از معصیت دست بکشد. (م ۲۸۰۵) اگر در این مرتبه درجاتی باشد، لازم است با احتمال تاءثیر درجه خفیف تر، به همان اکتفا کند، به عنوان مثال اگر احتمال می دهد که با ترک سخن با او، مقصود حاصل می شود، به همان اکتفا کند و به درجه بالاتر، عمل نکند، به خصوص اگر طرف، شخصی است که این نحو عمل موجب هتک او می شود. (م ۲۸۰۶)

۲- امر و نهی زبانی

مرتبه دوم از امر به معروف و نهی از منکر، امر و نهی به زبان است؛ پس با احتمال تاءثیر و حصول سایر شرایط گذشته، واجب است اهل معصیت را نهی کنند و تارک واجب را به آوردن واجب امر کنند. (م ۲۸۱۳) اگر احتمال بدهد که با موعظه و نصیحت، گنهکار معصیت را ترک می کند، لازم است اکتفا به آن، و نباید از آن تجاوز کند. ولی اگر می داند که نصیحت تاءثیر ندارد، واجب است با احتمال تاءثیر، امر و نهی الزامی کند و اگر تاءثیر نمی کند مگر با تشدید در گفتار و تهدید بر مخالفت، لازم است، لکن باید از دروغ و معصیت دیگر احتراز شود. (م ۲۸۱۴ - ۲۸۱۵)

۳- اقدام عملی

مرتبه سوم توسل به زور و جبر است، پس اگر بداند یا اطمینان داشته باشد که ترک منکر نمی کند، یا واجب را به جا نمی آورد. مگر با اعمال زور و جبر، واجب است، لکن باید تجاوز از قدر لازم نکند. (م ۲۸۱۸) اگر جلوگیری از معصیت توقف داشته باشد بر کتک زدن، سخت گرفتن و در مضیقه قرار دادن شخص معصیت کار، جایز است، لکن لازم است مراعات شود که زیاده روی نشود و بهتر آن است که در این امر و نظیر آن از مجتهد جامع شرایط اجازه گرفته شود. (م ۲۸۲۳) اگر جلوگیری از منکرات و اقامه واجبات موقوف بر جرح و قتل باشد، جایز نیست مگر به اذن مجتهد جامع شرایط با حصول شرایط آن. (م ۲۸۲۴) یک نکته مهم در زمان حاضر که حکومت جمهوری اسلامی در کشور ما استقرار یافته است و می توان مواردی را که به اعمال زور و قدرت و تصرف در مال و جان فاعل منکر نیاز دارد، به حکومت و مسؤ ولان نیروی انتظامی و دستگاه قضایی ارجاع داد، وظیفه مردم این است که در امر و نهی خود به انکار قلبی و زبانی بسنده کرده، موارد یاد شده را به مقامات مسؤ ول ارجاع دهند؛ تا آنها طبق قانون با افراد گناهکار و متخلف برخورد کنند؛ ولی در زمانی که طاغوت بر جامعه حکومت می کند، بر مکلفان واجب است که با اجتماع شرایط، مراتب سه گانه را به ترتیب مراعات کنند، تا غرض از امر و نهی حاصل شود. بنابر این، مسائل و احکام مربوط به مرتبه

اقدام عملی ، که به اذن حاکم شرع و ولیّ فقیه مشروط شده است ، به مقامات مسؤؤل و دستگاه قضایی ارجاع داده می شود. از این رو، اگر مکلف در جامعه به منکراتی بر خورد کند که جلوگیری از آن به اعمال قدرت ، کتک زدن ، حبس کردن ، مجروح کردن و کشتن توقف دارد باید مراتب را به مقامات مسؤؤل گزارش دهد و در این زمینه ، همکاری لازم را با آنان داشته باشد.

پرسش

- ۱- امر به معروف و نهی از منکر را تعریف کنید.
- ۲- اقسام امر به معروف و نهی از منکر را بیان نمایید.
- ۳- شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر را توضیح دهید.
- ۴- مراتب امر به معروف و نهی از منکر را نام ببرید.
- ۵- مبارزه منفی یعنی چه ؟



احكام
معاشرت

منظور از احکام معاشرت ، مسائلی است که در مصاحبت و نشست و برخاست با دیگران مورد نیاز قرار می گیرد. در این درس به بیان برخی از این احکام می پردازیم.

سلام کردن

سلام کردن به دیگران مستحب ؛ ولی جواب آن واجب است . سلام را فوری باید جواب داد و اگر از روی عمد، تاخیر بیندازد، گناه کرده است.
اگر دو نفر، همزمان به یکدیگر سلام کنند، بر هر یک واجب است که جواب سلام دیگری را بدهد.
سلام کردن به کافر، مکروه است و اگر او به مسلمانی سلام کند احتیاط واجب آن است که در جواب بگوید: (عَلَيْكَ) و یا فقط بگوید(سلام):

آداب سلام کردن

- ۱- خیلی سفارش شده است که سواره به پیاده ، ایستاده به نشسته و کوچک تر به بزرگ تر سلام کند.(م ۱۱۴۸)
- ۲- در غیر نماز، مستحب است جواب سلام را بهتر از سلام بگوید، مثلاً اگر کسی گفت : (سَلَامٌ عَلَیْكُمْ) در جواب بگوید: (سَلَامٌ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ). (م ۱۱۴۹)
- ۳- سلام کردن مرد به زن - به ویژه زن جوان - مکروه است.

معاشرت با خویشان و نزدیکان

در این زمینه به استفتائات زیر توجه نمایید .

- ۱- آیا انسان می تواند از نظر شرعی با خویشاوندانی که بی تقوا و بی نماز و ضد انقلابند، از قبیل پدر، مادر، خواهر و غیره قطع رحم نمایند؟
جواب - قطع رحم جایز نیست ؛ ولی باید آنها را با مراعات موازین ، امر به معروف و نهی از منکر نمایند.
- ۲- اگر ارحام انسان مرتکب فسق علنی شوند، به طوری که معاشرت با آنها انسان را نیز در معرض گناه قرار دهد، آیا باز هم معاشرت با آنان واجب است ؟
جواب - باید سعی کند در گناه واقع نشود، بلکه آنان را ارشاد نماید .
- ۳- آیا صله رحم با خویشاوندی که کافر یا مرتد محسوب می شود، نیز واجب است ؟
جواب - صله رحم مطلقاً واجب است.
- ۴- این جانب پدری دارم که خوش اخلاق نیست و... در حق خانواده خود ظلم روا می دارد... اگر جوابش را... در حضور دیگران بدهم ، که کار نادرست و ناشایست انجام داده ام و اگر تنها با پدرم صحبت نمایم حرفم را قبول نمی کند... چه کنم ؟
جواب - حفظ احترام والدین و مراعات ادب در صحبت با آنان لازم است و در موارد لزوم امر به معروف و نهی از منکر، اگر مایوس از تاءثیر باشید تکلیف ساقط است.

معاشرت با افراد بی مبالات

در این باره به بیان چند استفتا می پردازیم .

۱ - معاشرت با افرادی که عمل حرامی چون مشروب خواری و... انجام داده اند. چگونه است ؟
جواب - با مراعات شرایط مقررّه ، نهی از منکر نمایند و ترک معاشرت یکی از درجات نهی از منکر است.
۲- رفت و آمد و سایر ارتباطات ... با خانواده ها یا افرادی که مخالف نظام جمهوری اسلامی هستند، یا رعایت حجاب و اصول اسلامی را نمی کنند، یا وضع کسب و در آمدشان از نظر شرعی مشکوک و یا حرام و یا مخلوطی از حرام و حلال است ، چگونه است ؟

جواب - گفت و گو و رفت و آمد با آنان اشکال ندارد، به خصوص اگر موجب هدایت آنها شود، ولی تصرف در اموال آنها در صورتی جایز است که علم به وجود مال حرام در آنچه مورد تصرف است ، نباشد.

۳- شخصی مبادرت به خوردن شراب می کند. کارهای منافی با عفت انجام می دهد و... معاشرت با او چه حکمی دارد؟

جواب - اگر ترک معاشرت موجب می شود شخص مشارالیه دست از اعمال خلاف خود بردارد، لازم است از معاشرت با او خودداری نمایید.

همسایه داری

حق همسایه بسیار سنگین است و شریعت مقدّس اسلام نسبت به رعایت حقوق همسایه تاءکید فراوان کرده و در روایات زیادی خودداری از هر نوع اذیت و آزاری را نسبت به همسایه واجب شمرده است . پیغمبر اکرم (ص) می فرماید:

(ما زالَ جَبْرئیلُ یُوصینِی بِالْجَارِ حَتّٰی ظَنَنْتُ اَنَّهُ سَیُورِثُهُ)

جبرئیل همواره مرا به (رعایت حقوق) همسایه سفارش می کرد، تا جایی که گمان کردم همسایه از همسایه ارث می برد.

امام صادق (ع) - در حالی که خانه از اهلش پر بود - فرمود:

(اعْلَمُوا اَنَّهُ لَیْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ یُحْسِنْ مُجَاوَرَةً مَنْ جَاوَرَهُ)

بدانید کسی که با همسایه خوشرفتاری ندارد از (شیعیان) ما نیست.

بنابراین ، بر هر کسی که به خدا، پیغمبر خدا و روز آخرت ایمان دارد، لازم است از هر چه که موجب اذیت و آزار همسایه است ، بپرهیزد. بدون تردید کارهایی مانند باز کردن دریچه به خانه همسایه موجب مشرف شدن بر خانه او در نتیجه ، باعث آزرده همسایه خواهد بود. همچنین است احداث چیزهایی که از بو، دود یا صدایش اذیت می شود و ...

امانتداری

اگر انسان ، مال خود را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد و او هم قبول کند، باید به احکام امانتداری عمل کند.(م ۲۳۲۷) این احکام به قرار زیر است:

۱- کسی که نمی تواند از امانت نگهداری کند، بنابر احتیاط واجب ، نباید قبول کند.(م ۲۳۳۰)

۲- کسی که چیزی را امانت می گذارد، هر وقت بخواهد می تواند آن را پس بگیرد؛ و کسی که امانت را قبول می کند، هر وقت بخواهد می تواند آن را به صاحبش بر گرداند.(م ۲۳۳۲)

۳- کسی که امانت را قبول می کند، اگر برای آن جای مناسبی ندارد، باید جای مناسبی تهیه کند؛ مثلاً اگر پول است و در خانه نمی تواند نگهداری کند، به بانک بسپارد.

۴- امانتدار باید طوری از امانت نگهداری کند که مردم نگویند در امانت خیانت و یا در نگهداری آن کوتاهی کرده است .(م ۲۳۳۴)

۵- اگر امانت مردم از بین برود:

الف - اگر امین در نگهداری آن کوتاهی کرده ، باید عوض آن را به صاحبش بدهد.

ب - اگر کوتاهی نکرده و به طور اتفاقی آن مال از بین رفته ، مثل این که سیل برده است ، امانتدار ضامن نمی باشد و لازم نیست عوض آن را بدهد. (م ۲۳۳۵)

پرسش


۱- آداب سلام کردن را بنویسید.

۲- معاشرت با خویشاوندان بی نماز و بی تقوا و... چه حکمی دارد؟

۳- معاشرت با افراد بی مبالا چه حکمی دارد؟

۴- حدیثی درباره اهمیت همسایه داری بنویسید.

۵- حکم از بین رفتن امانت مردم در دست امین چیست ؟



محرم و
نامحرم

محرم کسی است که ازدواج با او حرام است و در نگاه به او محدودیتی که نسبت به سایر افراد وجود دارد، نیست.

افراد محرم بر مردان

افراد محرم دو دسته اند:

الف - دسته ای به سبب خویشاوندی نسبی با یکدیگر محرمند؛ آنها عبارتند از:

- ۱- مادر و مادربزرگ ها تا آخر.
- ۲- دختر و نوادگان تا آخر.
- ۳- خواهر و دختر و نوادگان او تا آخر.
- ۴- دختر و نوادگان برادر تا آخر.
- ۵- عمّه و عمّه های پدر و مادر و اجداد تا آخر.
- ۶- خاله و خاله های پدر و مادر و اجداد تا آخر.

ب - گروهی دیگر نیز به سبب ازدواج بر مردان محرم می شوند که عبارتند از:

- ۱- مادر زن و مادربزرگ او تا آخر.
- ۲- دختر زن ، هر چند دختر خودش نباشد.
- ۳- زن پدر(نامادری)
- ۴- زن پسر(عروس)

افراد نامحرم

غیر از افراد یاد شده ، دیگر زن ها نامحرمند، حتی زن برادر و خواهر زن ، گر چه ازدواج با خواهر زن ، تا مدتی که خواهرش همسر اوست ، حرام می باشد؛ یعنی ازدواج با دو خواهر جایز نیست . مگر آن که اولی از دنیا برود یا او را طلاق دهد.

احکام محرم و نامحرم

۱- زن و شوهر می توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند، هر چند برای لذت بردن باشد.
۲- به جز زن و شوهر، نگاه کردن هر کس به فرد دیگری ، اگر برای لذت بردن باشد، حرام است ، خواه همجنس باشد مانند نگاه مرد به مرد دیگر، یا غیر همجنس مانند نگاه مرد به زن ، از محارم باشد و یا غیر آن و به هر جای بدن باشد همین حکم را دارد.

۳- نگاه کردن مرد به بدن زن اگر برای لذت بردن نباشد احکام خاصی دارد؛ که عبارتند از:

- الف - نگاه به عورت زن محرم ، حرام است.
- ب - نگاه به غیر عورت زن محرم (بدون قصد لذت) جایز است.
- ج - نگاه به صورت و دست های زن نامحرم تا میچ (بدون قصد لذت)، جایز است.
- د - نگاه به سایر اعضای بدن زن نامحرم ، حرام است. (م ۲۴۳۳)

۴- مرد نباید با قصد لذت به بدن مرد دیگر نگاه کند؛ و نگاه کردن زن هم به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است. (م ۲۴۳۸)

۵- عکس برداشتن مرد از زن نامحرم، حرام نیست؛ ولی اگر برای عکس برداشتن مجبور شود که حرام دیگری انجام دهد، مثلاً دست به بدن او بزند، یا نظرش به صورت زینت شده او، یا به سایر بدن او بیفتد، نباید عکس او را بردارد. (م ۲۴۳۹)

۶- اگر مرد برای معالجه زن نامحرم، ناچار باشد که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند، اشکال ندارد؛ ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند، نباید دست به بدن او بزند؛ و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند، نباید او را نگاه کند. (م ۲۴۴۱)

۷- زنی که برادر انسان را شیر داده به انسان محرم نمی شود، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند. (م ۲۴۸۲)

۸- اگر کسی دختر عمه یا دختر خاله انسان را شیر دهد، به انسان محرم نمی شود. ولی احتیاط مستحب آن است که از ازدواج با او خودداری نماید. (م ۲۴۸۵)

۹- اگر کسی بخواهد زن برادرش به او محرم شود، باید دختر شیرخواری را مثلاً دو روز برای خود صیغه کند و در آن دو روز با شرایطی که سبب محرمیت می شود، زن برادرش آن دختر را شیر دهد. (م ۲۴۷۴ و ۲۴۹۳)

ازدواج

کسی که به واسطه نداشتن همسر به حرام می افتد، واجب است ازدواج کند. (م ۲۴۴۳)

همسر شایسته

سزاوار است انسان به صفات کسی که می خواهد با او ازدواج کند، توجه داشته باشد و تنها به زیبایی و مال اکتفا نکند، برخی از صفات همسر شایسته از نظر پیامبر اکرم (ص) بدین قرار است:

- ۱- با محبت باشد؛
- ۲- عقیف و پاکدامن باشد؛
- ۳- در میان خانواده خود عزیز باشد؛
- ۴- نسبت به شوهرش متواضع باشد؛
- ۵- تنها برای شوهر خود زینت و آرایش کند؛
- ۶- از شوهر خود اطاعت کند.

همسر ناشایسته

برخی از صفات همسر ناشایسته در روایت پیامبر (ص) چنین آمده است:

- ۱- در میان خانواده خود خوار باشد؛
- ۲- حسود و کینه توز باشد؛
- ۳- بی تقوا باشد؛

۴- برای دیگران آرایش کند؛

۵- از شوهر اطاعت نکند.

عقد ازدواج

۱- در ازدواج باید صیغه مخصوص آن خوانده شود؛ و تنها راضی بودن زن و مرد و علاقه داشتن کافی نیست. بنابراین، خواستگاری تا زمانی که صیغه ازدواج خوانده نشده، سبب محرم شدن نیست و زن در این هنگام با سایر زنان نامحرم تفاوتی ندارد. (م ۲۳۶۳)

۲- اگر در عقد ازدواج، یک حرف آن غلط خوانده شود که به سبب آن معنی عوض شود، عقد باطل است. (م ۲۳۷۱)

پرسش

۱- چه کسانی به واسطه ازدواج به یکدیگر محرم می شوند؟

۲- آیا زن برادر و خواهر زن به انسان محرم هستند؟

۳- عکاسی مرد از زن نامحرم چه حکمی دارد؟

۴- آیا ازدواج امری واجب است؟

۵- آیا تنها خواستگاری پسر از دختر سبب محرمیت می شود؟



احكام
مسجد و
قرآن

احکام مسجد

مسجد در اسلام از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است و همواره نقش های مهم و حساسی را در جامعه اسلامی و زندگی مسلمانان ایفا کرده است. در روایات اسلامی از مسجد به عنوان خانه خدا در روی زمین، بازار آخرت و بهترین مکان ها تعبیر شده است.

احکام مسجد را در چند محور زیر می توان بیان کرد:

الف - احکام وجوبی

تطهیر مسجد از نجاست واجب است. هر کس بفهمد که مسجد نجس شده، باید فوراً نجاست آن را بر طرف کند. حرم امامان (ع) نیز همین حکم را دارد، منتهی چنانچه نجس ماندن آن بی احترامی باشد. تطهیر آن واجب است؛ بلکه احتیاط واجب آن است که اگر بی احترامی هم نباشد، آن را تطهیر کنند. (م ۹۰۴)

ب - احکام استحبابی

احکام مستحب مسجد عبارتند از: ساختن مسجد، تعمیر آن، روشن کردن چراغ مسجد، رفت و آمد زیاد. زودتر از همه به مسجد رفتن و دیرتر خارج شدن، با طهارت وارد شدن، خوشبو کردن خود و لباس پاکیزه پوشیدن، واری کردن کفش ها از نجاست در هنگام ورود، وارد شدن به مسجد با پای راست و بیرون آمدن از آن با پای چپ و خواندن دو رکعت نماز تحیت بعد از ورود به مسجد و در صورتی که نماز واجب یا مستحبی دیگری نیز بخواند، کافی است.

ج - احکام حرام

کارهای حرام درباره مسجد عبارتند از: زینت کردن مسجد با طلا و تصاویر انسان و حیوانات روح دار، فروش مسجد هر چند خراب شده باشد، فروش لوازم مسجد مگر در صورتی که چاره ای جز آن نباشد، نجس کردن مسجد و دفن میت در مسجد.

د - احکام مکروه

کارهایی که در رابطه با مسجد مکروه است عبارتند از: نقاشی کردن مسجد به چیزهایی که روح ندارد، خوابیدن در مسجد مگر در حال ناچاری، سخن گفتن از امور دنیا در مسجد، خرید و فروش در مسجد، فریاد زدن در مسجد و صدا را بلند کردن مگر برای اذان، رفتن مسجد برای کسی که سیر یا پیاز خورده، و بوی دهانش مردم را اذیت می کند.

احکام قرآن

- ۱- نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب بکشند.
- ۲- اگر جلد قرآن نجس شود، در صورتی که بی احترامی به قرآن باشد، باید آن را آب بکشند.
- ۳- گذاشتن قرآن روی عین نجس مانند خون و مردار، اگر چه آن عین نجس خشک باشد حرام است و برداشتن قرآن از روی آن واجب می باشد.

- ۴- نوشتن قرآن با مرکب نجس ، اگر چه یک حرف آن باشد حرام است و اگر نوشته شود باید آن را آب بکشند، یا به واسطه تراشیدن و مانند آن کاری کنند که از بین برود.
- ۵- احتیاط واجب آن است که از دادن قرآن به کافر خودداری کنند و اگر قرآن دست اوست در صورت امکان از او بگیرند.
- ۶- اگر ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است ، مثل کاغذی که اسم خدا یا پیغمبر(ص) یا امام (ع) بر آن نوشته شده ، در مستراح بیفتد، بیرون آوردن و آب کشیدن آن اگر چه خرج داشته باشد واجب است و اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد باید به آن مستراح نرود تا یقین کنند آن ورق پوسیده است (م ۱۳۵ - ۱۴۰).

لمس کردن خطوط قرآن

- ۱- رساندن جایی از بدن به خط قرآن برای کسی که وضو ندارد، حرام است.
- ۲- اگر قرآن را به زبان فارسی یا زبان دیگر ترجمه کنند، مس آن اشکال ندارد.
- ۳- جلوگیری بچه و دیوانه از مس خط قرآن واجب نیست ؛ ولی اگر مس نمودن آنان بی احترامی به قرآن باشد، باید از آن جلوگیری کنند.(م ۳۱۷ - ۳۱۸)
- ۴- برای مس حاشیه قرآن و همچنین برای همراه داشتن قرآن ، خواندن و نوشتن آن ، وضو گرفتن مستحب است .(م ۳۲۲)
- ۵- رساندن جایی از بدن به جلد و حاشیه و بین خطهای قرآن ، برای شخص جنب مکروه است .(م ۳۵۶)

احکام اسمای جلاله و ...

- ۱- کسی که وضو ندارد، حرام است اسم خداوند متعال را به هر زبانی نوشته شده باشد، مس نماید.(م ۳۱۹)
- ۲- مس کتابت قرآن و اسماء باری تعالی یا جزئی از آنها به هر لغت و کیفیت که باشد، بدون طهارت جایز نیست .
- ۳- مس کردن نقش آرم جمهوری اسلامی ایران که روی نامه ها، بلیطهای اتوبوس و... می باشد، بدون طهارت جایز نیست ، علی الاحوط.
- ۴- کسی که وضو ندارد، بنا بر احتیاط واجب نباید اسم مبارک پیغمبر، امام و حضرت زهرا(س) را مس نماید.(م ۳۱۹)
- ۵- مس کردن کلماتی از قرآن مانند ابلیس ، شیطان ، کفار، ابولهب و... بدون وضو جایز نیست .
- ۶- از انداختن نام خداوند متعال ، پیامبر(ص) ائمه معصومین (ع) و آرم جمهوری اسلامی در روزنامه ها، مجلات و کاغذهای اداری و... در مواضع هتک آمیز اجتناب شود.

پرسش

- ۱- چهارنمونه از احکام مستحبی مساجد را بنویسید.
- ۲- زینت کردن مسجد با طلا چه حکمی دارد؟
- ۳- آیا دفن میت در مسجد جایز است؟
- ۴- آیا بدون وضو می توان آرم جمهوری اسلامی ایران را مسّ کرد؟
- ۵- مسّ کردن اسم مبارک حضرت زهراؑ بدون وضو چه حکمی دارد؟

رعایت
قوانین
و مقررات

قوانین و مقررات دولتی نیازمندی به قانون ناشی از نیازمندی به زندگی اجتماعی و در عین حال همیشگی و دائمی است. بشر، هیچ زمانی بی نیاز از قانون نخواهد شد. بدون وجود قانون، چنان هرج و مرجی در جامعه بشری پیش خواهد آمد که انسان حتی یک روز نخواهد توانست به زندگی خود ادامه دهد. نیاز به قانون تا آن جاست که حتی اقوام وحشی و غیر متمدن نیز برای خود قانون داشتند و سخت به آن پایبند بودند. امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: در تاریخ هست که چنگیز با آن طبع وحشیگری و صحرایی که داشته است، با آن خونریزی هایی که کرده است، تابع یک قانون بوده است که به آن قانون، می گفتند (یاسانامه بزرگ) و مغول، چنگیز و سایر مغول تخلف از آن قانون نمی کردند، حتی تعبیر این بوده است که احترام آن قانون پیش مغول، مثل احترام قرآن در صدر اسلام پیش مسلمانان بوده است، تخلف از آن قانون مطابق با مرگ بوده است. در هر جامعه ای، یک سلسله قوانین و مقررات عام و کلی وجود دارد که تمام افراد جامعه ملزم به رعایت آن هستند. امام راحل (ره) می فرماید: (برای همه نهادهای کشور ما هست که باید انتظام را، نظم را، مقررات جمهوری اسلامی و مقررات حکومت اسلامی را، مو به مو دریافت کنند و بر خلاف مقررات عمل نکنند) در جای دیگر می فرماید: (لازم است که در ارتش و سایر قوای مسلح، حفظ نظام و سلسله مراتب را که قانون داخلی قوای مسلح است، بیش از پیش مراعات نمایند، تا ارتش و سایر قوای اسلامی، نیرومندتر و هر چه بیشتر منسجم (شوند) و تخلف از این امور، تخلف از قانون است) در این درس به بیان بعضی از فتاوی حضرت امام (ره) در زمینه رعایت قوانین و مقررات در دو محور (مقررات دولتی) و (سازمانی) می پردازیم.

قوانین و مقررات دولتی

امام خمینی (ره) در مورد مسائلی که به شکلی به دولت اسلامی مربوط می شود، مقررات نظام را ملاک قرار داده و توصیه کرده که همه کارها بر اساس مقررات باشد. ایشان انجام کارهای خلاف مقررات را حرام می داند. در اینجا به بعضی از احکام مربوط به رعایت مقررات دولتی اشاره می کنیم.

الف - خدمت سربازی

- ۱- آیا رفتن به سربازی برای مشمولینی که مشکلاتی دارند، از نظر شرعی لازم است؟
جواب - باید به سربازی بروند و یا مطابق مقررات معافی بگیرند و تخلف جایز نیست.
- ۲- اگر در مورد خدمت نظام وظیفه و رفتن به سربازی پدر و مادر مخالفت کردند، وظیفه چیست؟
جواب - اگر از نظر مقررات، باید به سربازی بروید، رفتن لازم است و پدر و مادر نباید مزاحمت کنند.

ب - فروش سلاح

آیا فروختن سلاح به کسانی که برای حفظ خود و یا دفاع از منطقه خود خریدمی نمایند جایز است یا خیر؟
جواب - بدون مراعات مقررات دولت اسلامی جایز نیست.

ج - خرید و فروش اجناس قاچاق

۱- اجناسی که به طور قاچاق از خارج وارد می شود و در بازار به فروش می رسد، آیا خرید این قبیل اجناس (پوشیدنی، تزئیناتی و غیره) از نظر شرعی، اشکال دارد یا نه؟
جواب - اگر دولت اسلامی مقرراتی در آن دارد باید مراعات شود و اگر مزاحمتی ندارد خرید و فروش در بازار مانع ندارد.

۲- عده ای می گویند اجناس قاچاق که معاملات آن غیر مجاز اعلام شده منحصر به اسلحه، مواد مخدر و از این قبیل اجناس می باشد و معاملات سایر اجناس قاچاق از قبیل قماش، خرازی و غیره را مجاز می دانند خواهشمند است نظر خود را در این زمینه اعلام فرمایید.
جواب - فروش اجناس قاچاق باید با مقررات دولت اسلامی باشد و چنانچه دولت مزاحمتی ندارد و در بازار فروخته می شود مانع ندارد.

د - فروش اجناس کوپنی و تعاونی

۱- سهم قند و شکر که به قنّادی ها ... می دهند، اگر بفروشند سود اوحلال است؟
جواب - باید مقررات دولت اسلامی را مراعات نمایند.
۲- آیا کسی که لوازم منزل را در مدت طولانی و روی نوبت به وسیله شورا یا تعاونی ها خریداری کرده است، می تواند به قیمت دو برابر یا بیشتر بفروشد یا خیر...؟
جواب - اگر خلاف مقررات دولت اسلامی باشد جایز نیست؛ در غیر این صورت فروش مانع ندارد.

ه - تقلّب در گرفتن سهمیه

اگر خانواده ای بیش از تعداد خودشان سهمیه بگیرند، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟
جواب - خلاف مقررات دولت اسلامی جایز نیست.

و - معاملات ارز

خریدن پول خارجی از افرادی که وارد ایران می شوند، با توجه به وضعیت فعلی جمهوری اسلامی چطور است؟
جواب - هرگونه معاملات ارز و صرف باید با مقررات دولت اسلامی باشد.

قوانین و مقررات سازمانی

بعضی از استفتائاتی که درباره رعایت کردن مقررات سازمانی، از حضرت امام (ره) به یادگار مانده، به قرار زیر است:

۱- آیا رزمندگان اسلام می توانند لباس ها و وسائل دیگری را که به آنها داده می شود، در خارج از منطقه نظامی مورد استفاده قرار دهند (اعم از استفاده شخصی و عمومی - مثلاً بسیج -).
جواب - بستگی به مقررات دارد.

۲- آیا استفاده از مواد غذایی رزمندگان اسلام در داخل جبهه و مناطق جنگی که معمولاً از محلّ هدایای مردم تهیه می شود، برای گروه هایی که از مسؤ ولین و غیره برای بازدید به جبهه می روند، مجاز است؟ چون در غیر این صورت امکان تهیه و خرید مواد غذایی برای آنها نیست.

جواب - اگر از طرف متصدیان مربوطه داده می شود، اشکال ندارد.

۳- این جانب دارای پدری بی بضاعت و مادری بیمارم ؛ تا کنون با اصرار با اجازه آنها به مدت سه ماه عازم جبهه گردیده ام چون تنها سرپرست والدینم هستم ، با عزیمت دوباره به جبهه والدینم راضی نیستند چنانچه عضو سپاه پاسداران شوم و سپاه مأموریت عزیمت به جبهه دهد؛ با توجه به توضیح فوق آیا می شود بدون رضایت والدین عازم جبهه شوم ؟

جواب - اگر عضو سپاه هستید باید مراعات مقررات سپاه را بکنید.

۴- کسی که به یک سازمان دولتی بدهی دارد - مثلاً از تلفن آن سازمان برای کار خصوصی استفاده کرده و نظیر آن - آیا می تواند آن بدهی را به سازمانی دیگری که آن هم دولتی است بپردازد؟

جواب - باید به همان سازمانی که به آن بدهکار است ، ردّ کند.

پرسش

- ۱- چند نمونه از مسائل مربوط به مقررات دولتی را نام ببرید.
- ۲- آیا گرفتن سهمیه خانواده ای بیش از تعداد افراد خانواده ، جایز است ؟
- ۳- معاملات ارز چه حکمی دارد؟
- ۴- آیا مراعات کردن مقررات سازمان مانند سپاه ، لازم است ؟
- ۵- کسی که به یک سازمان دولتی بدهی دارد، آیا می تواند به سازمانی دولتی دیگری بپردازد؟

احکام
خوردن و
آشامیدن

خداوند بزرگ ، طبیعت زیبا، حیوانات ، میوه ها و سبزیجات را در اختیار انسان قرار داده ، تا از آنها برای خوردن و آشامیدن ، پوشاک ، مسکن و سایر نیازهای خود استفاده کند؛ ولی برای حفظ سلامتی جسم و جان آنها، بقای نسل ها و احترام به حقوق دیگران ، مقرراتی قرار داده است . در این درس به برخی از احکام و مقررات الهی در خوردن و آشامیدن می پردازیم.

انواع خوراکی ها

- ۱- خوراکی های گیاهی مانند میوه ها و سبزیجات
- ۲- خوراکی های حیوانی ، که به سه دسته ، چهارپایان - اعم از اهلی و وحشی - پرندگان و آبزیان تقسیم می شوند.

احکام خوراکی ها

- احکام مربوط به خوراکی ها را می توان در چهار محور زیر خلاصه کرد:
- الف - خوراکی های گیاهی : تمام میوه ها و سبزیجات حلال است ؛ مگر آنچه برای بدن ضرر داشته باشد.
 - ب - چهارپایان : در میان چهارپایان اهلی خوردن گوشت انواع گوسفند، گاو و شتر، حلال و اسب ، قاطر و الاغ ، مکروه و سگ ، گربه و سایر حیوانات ، حرام است و در میان چهارپایان وحشی ، انواع آهو، گاو، قوچ و بز کوهی و گورخر حلال گوشت و انواع حیوانات درنده مانند ببر، گرگ و پلنگ ، روباه و مانند آن حرام گوشت هستند. خوردن گوشت خرگوش نیز حرام است.
 - ج - پرندگان : در میان پرندگان تمام اقسام کبوترها، تمام اقسام گنجشک ها و مرغ و خروس حلال گوشت و خفاش ، طاووسی ، کلاغ و زاغ و تمام پرندگانی که همچون عقاب چنگال دارند، حرام گوشت هستند. خوردن گوشت هدهد و پرستو مکروه است . (م ۲۶۲۴) تخم مرغ و (تخم) سایر پرندگان حلال گوشت ، حلال و تخم پرندگان حرام گوشت ، حرام است.
 - د - آبزیان : از حیوانات دریایی ، تنها ماهی پولک دار و برخی از پرندگان دریایی حلال گوشت هستند.

چند مسأله

- ۱- خوردن گل حرام است.
- ۲- خوردن کمی از تربت سید الشهدا(ع) برای شفا یافتن از بیماری اشکال ندارد.(م ۲۶۲۸)
- ۳- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است. (م ۱۴۱)
- ۴- خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد، حرام است. (م ۲۶۳۰)
- ۵- نوشیدن شراب و هر مایع مست کننده دیگر حرام است. (م ۲۶۳۲)

۶- بر هر مسلمانی واجب است مسلمان دیگری را که نزدیک است از گرسنگی یا تشنگی بمیرد، نان و آب داده و از مرگ نجات دهد. (م ۲۶۳۵)

آداب غذا خوردن

غذا خوردن آداب ویژه ای دارد. در این جا به برخی از آداب مستحب آن می پردازیم:

- ۱- انسان باید دستها را از قبل از غذا و پس از آن بشوید.
- ۲- در اول غذا (بِسْمِ اللّٰهِ) و در پایان ، (اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ) بگویند.
- ۳- با دست راست غذا بخورد.
- ۴- لقمه را کوچک بردارد.
- ۵- غذا را خوب بجود.
- ۶- میوه را پیش از خوردن ، بشوید.
- ۷- اگر چند نفر سر سفره نشسته اند، هر کسی از غذای جلوی خودش بخورد.
- ۸- میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و بعد از همه دست بکشد. (م ۲۶۳۶)

برخی از مکروهات غذا خوردن نیز به قرار زیر است:

- ۱- در حال سیری غذا خوردن ؛
- ۲- پرخوری (زیاد غذا خوردن)؛
- ۳- نگاه کردن به دیگران هنگام غذا خوردن ؛
- ۴- خوردن غذای داغ ؛
- ۵- دمیدن به غذا؛
- ۶- بریدن نان با کارد؛
- ۷- گذاشتن نان زیر ظرف غذا؛
- ۸- دور انداختن میوه ، پیش از آنکه کاملاً خورده شود. (م ۲۶۳۷)

آداب آب نوشیدن

مستحب است انسان :

- ۱- در روز، ایستاده آب بخورد.
- ۲- پیش از آشامیدن آب (بِسْمِ اللّٰهِ) و بعد از آن (الْحَمْدُ لِلّٰهِ) بگویند،
- ۳- به سه نفس آب را بیاشامد.
- ۴- پس از آشامیدن آب ، حضرت امام حسین (ع) و خاندان و یاران او را یاد و قاتلان ایشان را لعن کند. (م ۲۶۳۸)

مکروهات نوشیدن آب نیز به قرار زیر است:

- ۱- زیاد آشامیدن ؛
- ۲- آشامیدن آب بعد از غذای چرب ؛
- ۳- با دست چپ آب نوشیدن ؛
- ۴- در شب ، ایستاده آب نوشیدن ؛ (م ۲۶۳۹)

پرسش

- ۱- کدام یک از چهارپایان اهلی حرام گوشت هستند؟
- ۲- خوردن گوشت خرگوش چه حکمی دارد؟
- ۳- تخم کبوتر، کلاغ ، گنجشگ و بیضه گوسفند چه حکمی دارد؟
- ۴- چهارمورد از مستحبات غذا خوردن را بنویسید.
- ۵- چهارمورد از مستحبات آشامیدن آب را بیان کنید.



آداب خرید و فروش

(معاملات) عبارت از احکام شرعی متعلق به امور دنیاست به اعتبار بقای شخص؛ مانند بیع، رهن، اجاره، نکاح و جز آن‌ها... و بالجمله آنچه مقصود اهم از آن دنیا باشد، معامله است. در میان معاملات، اولین و مهم‌ترین قرارداد متداول در روابط اقتصادی، بیع (خرید و فروش) است که نقش بسیار مهمی در روابط اجتماعی دارد. مسأله خرید و فروش همچون سایر فعالیت‌ها باید در محدوده مقررات اسلام باشد. از این رو، یادگیری احکام خرید و فروش، پیش شرط داد و ستد صحیح است:

مردی به امیرمؤمنان (ع) گفت: در پی کسب و کار هستم. فرمود: آیا از احکام دینی خود، اطلاع داری؟ گفت: پس از شروع به کار احکام را فرا خواهیم گرفت؛ فرمود: (وَيَحْكُمُ الْفِقْهُ ثُمَّ الْمَتَّجِرُ، فَإِنَّهُ مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَىٰ وَ لَمْ يَسْأَلْ عَنِ حَرَامٍ وَ لَا حَلَالٍ ارْتَبَطَ فِي الرَّبَا، ثُمَّ ارْتَبَطَ) وای به حالت! نخست احکام (خرید و فروش) را یاد بگیر، سپس به تجارت بپرداز؛ زیرا اگر کسی خرید و فروش کند و از حلال و حرام آن نپرسد، در ربا خواری فرو رفته، سپس گرفتار می‌شود. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: (مَنْ أَرَادَ التَّجَارَةَ فَلْيَتَفَقَّهُ فِي دِينِهِ لِيَعْلَمَ بِذَلِكَ مَا يَحِلُّ لَهُ مِمَّا يَحْرُمُ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهُ فِي دِينِهِ ثُمَّ اتَّجَرَ تَوَزَّطَ الشُّبُهَاتِ) هر که می‌خواهد تجارت کند، باید با مسائل دینش آشنا شود، تا حلال و حرام را از هم باز شناسد، و کسی که قبل از فراگیری احکام دینش، تجارت کند، داخل کارهای شبهه‌ناک خواهد شد. امام خمینی (ره) می‌فرماید: بر هر کس که خودش به تجارت و سایر انواع کسب اشتغال دارد، واجب است احکام و مسائل مربوط به آن را یاد بگیرد، تا صحیح آن را از فاسدش بشناسد و از ربا سالم بماند، و مقدار لازم آن است که حکم تجارت و معامله‌ای را که انجام می‌دهد، در همان موقع انجام دادن - هر چند از روی تقلید - بداند.

آداب خرید و فروش

تجارت و کسب، آداب ویژه‌ای دارد که به پاره‌ای از آنها به طور فهرست وار اشاره می‌کنیم:

الف - مستحبات

- ۱- میانه روی در طلب مال، به طوری که آدمی نه کوتاهی کند و نه حریص باشد.
- ۲- پذیرش بر هم زدن معامله، در صورتی که طرف مقابل از معامله پشیمان شود.
- ۳- مساوات بین مشتریان در قیمت، به طوری که میان چانه زننده و غیر آن فرق نگذارد. البته اگر به سبب فضیلت و دین و مانند این‌ها فرق بگذارد، ظاهراً اشکال ندارد.
- ۴- جنس را برای خود کمتر بخواهد و (به دیگران) بیشتر و سنگین‌تر بدهد.

ب - مکروهات

- ۱- تعریف کردن از کالای خویش و بدگویی از جنسی که می‌خرد.
- ۲- وارد معامله دیگران شدن

- ۳- قسم راست خوردن در معامله (قسم دروغ حرام است)
- ۴- معامله کردن در جایی که عیب (جنس) در آن جا مخفی می ماند.
- ۵- قبل از همه برای معامله وارد بازار شدن و دیرتر از همه خارج شدن.
- ۶- معامله با فرومایگان و افراد لابلای .
- ۷- تقاضای کم کردن قیمت پس از انجام معامله.

معاملات حرام

همان گونه که در اسلام راه های فراوانی برای معامله و کسب درآمد وجود دارد، همان طور هم برای سلامت روابط اقتصادی در جامعه و حاکمیت مقررات الهی، از معاملات بسیاری نهی شده است که مهم ترین آنها عبارتند:

- ۱- خرید و فروش مال غصبی
 - ۲- خرید و فروش چیزهایی که منافع معمولی آنها حرام است، مانند: وسائل قمار.
 - ۳- رباخواری
 - ۴- خرید و فروش چیزی که از راه قمار یا دزدی به دست آمده باشد.
 - ۵- خرید و فروش کتاب های گمراه کننده (ومجلات، فیلمها و عکسهای مستهجن، نوارهای کاست و ویدئو و دیسکت های کامپیوتری مبتذل و...)
 - ۶- خرید و فروش چیزهای مست کننده
 - ۷- خرید و فروش با سکه ها (و پولهای) بدون اعتبار (اسکناسهای تقلبی)
 - ۸- فروش اسلحه و کالاهای دیگر به دشمنان اسلام در صورتی که موجب تقویت آنان برضد مسلمانان باشد.
 - ۹- معامله تقلبی مثل مخلوط کردن شیر با آب.
- خرید و فروش حرام، موارد دیگر هم دارد که اکنون مورد ابتلا نمی باشد.

احکام خرید و فروش

- ۱- فروختن و اجاره دادن خانه یا وسیله ای دیگر برای استفاده حرام حرام است .
- ۲- خرید و فروش، نگهداری، نوشتن، خواندن و درس دادن کتاب های گمراه کننده حرام است؛ مگر زمانی که برای هدفی صحیح باشد؛ مثلاً" برای پاسخ دادن به اشکال های آن.
- ۳- مخلوط کردن جنسی که می فروشد با چیزی که ارزش ندارد و یا ارزش آن کمتر است، حرام می باشد؛ مثل آن که روی جعبه را میوه خوب بگذارد و ته آن را میوه پست، و به عنوان میوه خوب بفروشد و یا شیر را با آب مخلوط کند و بفروشد.
- ۴- جنس وقف شده را نمی توان فروخت، مگر در صورتی که خراب شده باشد و قابل استفاده نباشد، مانند فرش مسجد که قابل استفاده برای مسجد نباشد.

- ۵- خرید و فروش خانه یا چیز دیگری که به کسی اجاره داده ، اشکال ندارد؛ ولی استفاده آن در مدت اجاره برای کسی است که آن را اجاره کرده است. (م ۲۰۹۶)
- ۶- در معامله باید خصوصیات جنسی که خرید و فروش می کنند معلوم باشد، ولی گفتن خصوصياتی که گفتن یا نگفتن آنها تاءثیری در میل و رغبت مردم نسبت به آن کالا ندارد. لازم نیست. (م ۲۰۹۰)

به هم زدن معامله در برخی موارد فروشنده یا خریدار می توانند معامله را به هم بزنند که از جمله آنهاست:

- ۱- خریدار یا فروشنده گول خورده باشد.
- ۲- در هنگام معامله قراربگذارند که تا مدت معینی ، هر دو یا یکی از آنها بتوانند معامله را به هم بزنند؛ مثلاً "هنگام خرید و فروش بگویند : هر کس پشیمان شد تا سه روز دیگر می تواند معامله را فسخ کند.
- ۳- بعد از معامله بفهمد کالای خریداری شده معیوب است.
- ۴- فروشنده خصوصياتی برای کالای خود بیان کند سپس معلوم شود آنگونه نبوده است ؛ مثلاً بگوید این دفتر ۲۰۰ برگ است بعداً معلوم شود کمتر است. (م ۲۱۲۴)

پرسش

- ۱- ضرورت یادگیری احکام معاملات را با یک حدیث توضیح دهید.
- ۲- در چه صورت خرید و فروش ، مستحب است ؟
- ۳- چهارمورد از موارد خرید و فروش حرام را نام ببرید.
- ۴- قسم خوردن در معامله چه حکمی دارد؟
- ۵- خرید و فروش وسائل قمار چه حکمی دارد؟
- ۶- معامله در چه صورت قابل فسخ است ؟



قرض

قرض عبارت است از تملیک کردن مالی به دیگری به این شکل که پرداختن عین آن مال ، یا مثل آن و یا قیمت آن بر عهده او باشد.

اهمیت قرض

قرض دادن به فرد با ایمان یکی از مستحبات مؤ کد است ، بخصوص به کسانی که احتیاج دارند. پیامبر اکرم (ص) فرمود :

کسی که به برادر مسلمان خود قرض دهد، در برابر هر دره‌می که قرض داده ، هموزن کوه اُحُد ...، حسنات خواهد داشت و اگر برای وصول آن مدارا به خرج دهد ، از پل صراط همچون برق جهنده بدون حساب و عذاب خواهد گذشت و کسی که برادر مسلمانش از وضع خودش پیش او شکایت برد و به او قرض ندهد، خداوند در روزی که نیکوکاران را پاداش می دهد، او را از بهشت محروم خواهد ساخت. بنیانگذار جمهوری اسلامی - حضرت امام خمینی ۱ درباره قرض الحسنه فرمود: قرض الحسنه از اعمال بسیار خوب است و بهتر از [انفاق و] همین طور پول دادن است ، شاید یکی از نکته هایش این باشد که قرض الحسنه فعالیت به دنبال دارد و پول دادن مجانی شاید گدا درست کردن باشد، کسی که قرض می کند، به فعالیت می افتد تا در وقت خودش بتواند قرضش را ادا کند و با مازادی که پیدا کرده به کار خود ادامه دهد، ولی آن کس که کنار کوچه نشسته و از مردم چیز می خواهد، هیچ وقت در فکر این نیست که کاری بکند؛ برای این که دیگر کسی نمی تواند از او مطالبه کند. مبدا آن بیچاره ای که آمده قرض بگیرد با تلخی با او روبرو شوید، این خیلی اهمیت دارد. ممکن است یک نفر قرض الحسنه بدهد، اما با ترشرویی قلب قرض گیرنده را آزرده کند و این قلب محل تجلی خداست. توجه به این نکته مهم است که اسلام ، مسلمانان را از این که در حال بی نیازی ، تن به قرض دهند تا وسعت بیشتری در زندگی پیدا کنند، بر حذر داشته و آن را مکروه می شمارد، چنانچه در روایتی پیامبر اکرم (ص) فرمود: (أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْكُفْرِ وَ الدَّيْنِ قِيلًا قِيلًا رَسُولَ اللَّهِ أَتَعْدِلُ الدَّيْنَ بِالْكَفْرِ؟ قَالَ: نَعَمْ) از کفر و بدهی به خدا پناه می برم ، گفته شد ای رسول خدا(ص) آیا بدهی را در کنار کفر قرار می دهی ؟ فرمود :

بلی

قرض گرفتن در صورت بی نیازی مکروه است و در صورت احتیاج ، کراهت آن کاهش می یابد و هر چه میزان نیاز کمتر باشد به همان نسبت کراهت شدت می گیرد، البته گاهی گرفتن قرض واجب می شود، مثل آن جا که امر واجبی بسته به گرفتن آن باشد، مانند حفظ جان ، آبرو و مانند آن و بنابر احتیاط واجب ، کسی که قادر به پرداخت قرض نیست و امید به توانایی ندارد، قرض نگیرد، مگر به هنگام ضرورت و تنگنا و یا این که قرض دهنده از حال وی مطلع باشد.

شرایط صحت قرض

الف - بلوغ ، عقل ، قصد، اختیار و سایر شرایط عمومی متعاقدین

ب - به احتیاط واجب مال ، عین باشد.

- ج - قابل تملک باشد نه مثل خمر و خنزیر.
- د - قرض بر مال معین واقع شود نه مبهم
- ه - مقدار مال هم معلوم باشد.
- و - تحویل دادن و تحویل گرفتن.

احکام قرض

- ۱- قرض دادن دین، منفعت و آنچه که تملک آن صحیح نیست مانند شراب و خوک، صحیح نمی باشد.
- ۲- قرض دادن چیز مبهم صحیح نیست، مانند (یکی از این دوتا) و باید مقدارش با پیمان یا وزن یا شماره معلوم باشد.
- ۳- وام گیرنده تنها بعد از گرفتن مال، مالک می شود هر چند در آن تصرف نکرده باشد.
- ۴- در قرض لازم نیست صیغه بخوانند، بلکه اگر چیزی را به نیت قرض به کسی بدهد و او هم به همین قصد بگیرد، صحیح است. (م ۲۲۷۳)
- ۵- اگر در صیغه قرض برای پرداخت آن مدتی قرار دهند، طلبکار پیش از تمام شدن آن مدت نمی تواند طلب خود را مطالبه کند، ولی اگر مدت نداشته باشد، طلبکار هر وقت بخواهد، می تواند طلب خود را مطالبه کند.
- ۶- اگر طلبکار، طلب خود را مطالبه کند، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد باید فوری آن را بپردازد و اگر تاخیر بیندازد، گنهکار است.
- ۷- اگر بدهکار غیر از خانه ای که در آن نشسته و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد، چیزی نداشته باشد طلبکار نمی تواند طلب خود را از او مطالبه نماید، بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد. (م ۲۲۷۵- ۲۲۷۷)

ربای قرضی

ربای قرضی که عذاب شدیدی بر آن وارد شده، آن است که مالی را قرض دهد، به شرط اینکه قرض گیرنده، بیشتر از آن مال را برگرداند. تفاوتی نمی کند که این شرط به طور صریح گفته شود، یا طبق توافق قبلی باشد؛ به گونه ای که قرض بر اساس آن شرط واقع شود.

چند مسأله

- ۱- اگر وام دهنده شرط کند زیادتر از مقداری که می دهد، بگیرد، مثل این که یک من گندم بدهد و شرط کند یک من و پنج سیر بگیرد، یا ده عدد تخم مرغ بدهد که یازده عدد بگیرد، ربا و حرام است؛ بلکه اگر قرار بگذارد که بدهکار کاری برای او انجام دهد، یا چیزی را که قرض داده با

مقداری جنس دیگر پس دهد، مثل این که شرط کند یک تومان را که قرض کرده با یک کبریت پس دهد، ربا و حرام است و نیز اگر با او شرط کند که چیزی را که قرض می گیرد به طور مخصوصی پس دهد مثلاً "مقداری طلای نساخته به او بدهد، شرط کند که ساخته پس بگیرد، باز هم ربا و حرام است؛ ولی اگر بدون این که شرط کند خود بدهکار زیاده‌تر از آنچه قرض کرده پس بدهد. اشکال ندارد، بلکه مستحب است. (م ۲۲۸۳)

۲- ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است؛ و کسی که قرض ربایی گرفته اگر چه کار حرامی کرده، ولی اصل قرض صحیح است و می تواند در آن تصرف کند. (م ۲۲۸۴)

پرسش

- ۱- اهمیت قرض الحسنه را با یک روایت توضیح دهید.
- ۲- قرض را تعریف کنید.
- ۳- شرایط قرض الحسنه را بنویسید.
- ۴- ربای قرضی چیست؟
- ۵- آیا ربا دادن حرام است؟ توضیح دهید.



غضب

غصب آن است که انسان از روی ظلم ، بر مال یا حق دیگری مسلط شود. (قبل از مساءله ۲۵۴۵)

نکوهش غصب

اسلام ، اموال مسلمانان را بر یکدیگر حرام کرده و احترام به حریم اموال را بر پیروانش لازم شمرده است . از این رو، تصرف ناحق در اموال دیگران - اعم از منقول و غیر منقول - را غصب و نامشروع می داند .

رسول خدا(ص) فرمود: (لَا يَحِلُّ لِامْرِئٍ مِّنْ مُّسْلِمٍ أَنْ يَأْخُذَ مَالَ أَخِيهِ بِغَيْرِ حَقِّهِ وَ ذَلِكَ لِمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَالَ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ) بر هیچ مسلمانی حلال نیست مال برادرش را به ناحق برگیرد؛ زیرا خدای عزوجل مال مسلمان را بر مسلمان ، حرام کرده است.

غصب در اسلام از گناهان بزرگ به شمار آمده و مورد نکوهش قرار گرفته است . رسول خدا(ص) در سخنی از غصب به خیانت یاد کرده ، می فرماید: (مَنْ خَانَ جَارَهُ شِبْرًا مِنَ الْأَرْضِ جَعَلَهُ اللَّهُ طَوْقًا فِي غُنْقِهِ مِنْ تَخُومِ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُطَوَّقًا إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَ يَرْجِعَ) کسی که به یک وجب زمین همسایه اش خیانت کند، خداوند آن را از حدود زمین هفتم طوق گردنش قرار می دهد تا آن که روز قیامت با همان حالت خدا را ملاقات کند، مگر آن که توبه کند و بر گردد. حضرت علی (ع) فرمود: (الْحَجْرُ الْعَصْبُ فِي الدَّارِ، رَهْنٌ عَلَى خَرَابِهَا) سنگ غصبی در خانه ، گرو نابودی آن است .

موارد غصب

- ۱- عین فقط؛ مثل غصب کردن مستأجر در زمان اجاره عین مورد اجاره را چه خانه و چه غیر آن.
- ۲- منفعت فقط؛ مثل غصب کردن صاحب خانه ، منفعت خانه اجاره داده شده را در زمان اجاره.
- ۳- عین و منفعت ؛ مثل غصب کردن خانه ای یا ماشینی را از صاحبش.
- ۴- حق ؛ مثل غصب کردن حق التحجیر (نشانه گذاری) یا غصب کردن مساجد و خیابان که حق عموم است .

احکام غصب

۱- حکم تکلیفی ؛

- الف - حرمت : یعنی غصب به طور کلی حرام است.
- ب - وجوب ردّ آن : یعنی برگرداندن آن به مالک یا ولی او واجب است.

۲- حکم وضعی ؛

ضمانت : یعنی در صورت تلف یا خسارت مال غصبی ، غاصب ضامن است . دو حکم تکلیفی غصب در تمام اقسام غصب (عین ، منفعت و حق) جریان دارد، ولی حکم وضعی فقط در غصب عین و منفعت جریان دارد، نه حقوق .

چگونگی تحقق غصب در اموال

۱- اموال منقول

الف - حیوان ؛ با سوارشدن بر آن یا گرفتن افسار و کنار زدن مالک و بردن و تحت اختیار قرار دادن .
ب - غیر حیوان ؛ در اختیار خود گرفتن ، در صدق غصب کافی است ؛ اگر چه به جایی انتقال ندهد .

۲- اموال غیر منقول

الف - خانه ، مغازه ، مسافرخانه ، هتل و مانند آن به تسلط یافتن خود غاصب یا فرمانبر او، بعد از دور کردن مالک از ملکش ، باغ نیز در صورتی که در و دیوار داشته باشد، چنین است.
ب - باغ در صورتی که در و دیوار نداشته باشد با ورود و رفت و آمد در آن بعد از دور کردن مالک از ملکش به عنوان استیلا یافتن .

۳- غصب منافع

غصب منافع ، با گرفتن عین مورد منفعت از صاحب آن یعنی مستأجر .

چگونگی پرداخت تاوان غاصب ضامن است ؛ به این معنا که :

- ۱- اگر عین موجود است ، آن را به صاحبش برگرداند .
- ۲- اگر عین منفعتی داشته ، باید عوض منفعت ضامن غصب را به صاحبش بپردازد .
- ۳- اگر عین ، تلف شده و قیمی باشد (مثل حیوان و جواهرات ، لباس و...) باید قیمت آن را بپردازد .
- ۴- اگر مثلی باشد (مثل غلات و یا روغن و یا فلزات و...) و مثلش ممکن است باید مثلش را به هر قیمتی است ، بپردازد .
- ۵- اگر مثلی باشد و برگرداندن مثلش ممکن نباشد به قیمت تبدیل می شود .
- ۶- اگر عیبی در عین مغضوبه حاصل شده ، باید ارزش نقصان (تفاوت بین صحیح و معیوب) را بپردازد .

پرسش

- ۱- غصب را تعریف کنید .
- ۲- حدیثی در مورد نکوهش غصب بیان کنید .
- ۳- موارد غصب را بنویسید .
- ۴- دو مورد از موارد چگونگی تحقق غصب در اموال را بنویسید .
- ۵- چگونگی پرداخت تاوان را بیان کنید .



دفاع نظامی

منظور از دفاع نظامی، دفاع از اسلام و اجتماع مسلمانان در مقابل تهاجم نظامی دشمن است که مسلمانان وظیفه دارند به هر وسیله ممکن در مقام دفاع برآیند.

شرکت در دفاع و حکم آن

شرکت در دفاع، یک وظیفه عمومی است؛ چنان که امام خمینی (ره) می‌فرماید: قضیه دفاع، عمومی است، مرد، زن، بزرگ، کوچک، پیر و جوان، همه باید شرکت کنند همان طوری که عقل انسان هم حکم می‌کند که اگر کسی به شهر کسی دیگر هجوم آورد، اهالی شهر برای حفظ جهات خودشان دفاع می‌کنند و دیگر این جا هیچ شرطی نیست. همه باید دفاع کنند و اگر به کشور اسلامی ما هجوم، تعدی یا تجاوز کنند، بر همه افراد مملکت، بر همه افراد کشور چه زن و چه مرد، چه بزرگ و چه کوچک، بر همه واجب است که دفاع کنند. در توضیح مطلب بالا امام (ره) در پاسخ استفتاتی که درباره نبرد با دشمن متجاوز، حضور در جبهه جنگ و دفاع نظامی شده، می‌فرماید: ۱- اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، دفاع از آن به هر وسیله ای که امکان داشته باشد از بذل جان و مال، بر جمیع مسلمانان واجب است و در این امر به اذن حاکم شرع احتیاج نیست. (م ۲۸۲۶)

۲- در جنگ دفاعی، هر موقع که دفاع واجب باشد باید بر آن اقدام شود، اگر چه در ماه حرام باشد. ۳- دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی به هر نحو ممکن بر تمام مکلفین واجب است و مشروط به اجازه نیست.

۴- دفع دشمن متجاوز، بر تمام مسلمین واجب کفایی است.

۵- [شرکت در جبهه] در موقعی که اسلام یا بلد اسلامی مورد هجوم واقع شود و به قدر کفایت نیروی مدافع در جبهه حاضر نشده باشد [بر همگان واجب است آمادگی های لازم همان طور که گذشت، مسؤ ولیت دفاع در نظام اسلامی، به صورت واجب کفایی بر عهده همه مسلمانانی است که توانایی مشارکت در دفاع را دارند. از این رو، جامعه اسلامی باید در جهت کسب توانایی دفاعی بکوشد قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

(وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللّٰهِ وَعَدُوَّكُمْ) (154)

هر چه در توان دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید و (همچنین) اسب های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.

در این آیه، پروردگار متعال آمادگی دفاعی و رزمی، تجهیز قوای نظامی و ادوات جنگی لشکریان اسلام را جهت ترسانیدن دشمنان لازم می‌شمارد. بر این اساس، حکومت اسلامی وظیفه دارد وسائل و ادوات جنگی پیشرفته و متداول را در جهت تقویت بنیه دفاعی کشور فراهم کند. از سوی دیگر، بر آحاد جامعه اسلامی لازم است که با فراگیری فنون نظامی و دیگر آموزش های مورد نیاز، آمادگی های لازم را برای دفاع از کشور، انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن به دست آورند. امام خمینی (ره) می‌فرماید: دفاع بر همه واجب است. اگر دفاع بر همه واجب شد، مقدمات دفاع هم باید عمل بشود. از آن جمله، قضیه این که ترتیب نظامی بودن یادگرفتن انواع نظامی بودن را بر آنها می‌توانست که ممکن است.

این طور نیست که واجب باشد بر ما که دفاع کنیم و ندانیم چه جور دفاع کنیم . باید بدانیم چه جور دفاع می کنیم.

در جای دیگر می فرماید: برای همه است که تیراندازی را یاد بگیرند. فنون جنگی را یاد بگیرند. باید ملت ما جوانهایشان مجهز باشند به همین جهاز و علاوه بر جهاز دینی و ایمانی که دارند، مجهز به جهازهای مادی و سلامی هم باشند و یادگرفته باشند ...

فرار از جنگ

- ۱- فرار از جبهه در هیچ حالی جایز نیست
- ۲- عمل به دستور فرمانده واجب و راه فلاح و پیروزی است از این رو، بدون توجه به دستور فرماندهی نمی توان به عقب برگشت [و لو ضرر قطعی داشته باشد، و تخلف از آن حرام و موجب مجازات طبق مقررات دولت اسلامی است ، مگر در موارد استثنایی که ضرورت اقتضا کند.

غنائم جنگی

- ۱- بعضی از جوانانی که به جبهه جنگ رفته اند، سؤال می کنند، برداشتن چیزهایی از قبیل انگشتر، لباس و کفش دشمن چه صورتی دارد؟ آیا استفاده از آنها جایز است یا خیر؟ جواب - برای رزمندگان برداشتن چیزهای مختصر مثل آنچه که ذکر شده و تصرف در آن اشکال ندارد و پرداختن خمس لازم نیست.
- ۲- آیا رزمندگان اسلام می توانند در غنائم به دست آمده از دشمن تصرف شخصی نمایند؟ و در صورت تعلق بعضی از غنائم به رزمندگان به کدام رزمنده می رسد؟
جواب - روشن است که رزمندگان ما که در راه خدا و خدمت به اسلام از جان خود می گذرند، برای غنیمت نمی جنگند و نباید در فکر آن باشند؛ ولی در غنائم به دست آمده ، آلات و ادوات جنگی مربوط به دولت اسلامی است و در غیر آن ، تصرف برای هر رزمنده ای که به دست آورده ، مانع ندارد. مگر مسؤ ولین امر در دولت اسلامی مقررات خاصی وضع نموده باشند.

پرسش

- ۱- آیا دفاع نظامی از اسلام و کشور اسلامی بر همه واجب است ؟
- ۲- حکم آمادگی های دفاعی از نظر امام خمینی (ره) چیست ؟
- ۳- فرار از جنگ چه حکمی دارد؟
- ۴- آیا عمل به دستور فرمانده واجب است ؟
- ۵- تصرف رزمندگان در غنیمت های جنگی چه حکمی دارد؟



دفاع سیاسی

احکام دفاع سیاسی

منظور از (دفاع سیاسی) دفاع از اسلام و اجتماع مسلمانان در مقابل تهاجم سیاسی دشمن است. در این حالت مسلمانان موظفند به مقتضای نوع تهاجم در مقام دفاع برآیند و استقلال خود را در عرصه های سیاسی حفظ نمایند و از هر گونه وابستگی که موجب استیلائی سیاسی دشمن و مایه ذلت و سرشکستگی مسلمانان می شود، بپرهیزند؛ البته این بدان معنا نیست که با کشورهای بیگانه قطع رابطه کنند، بلکه دستور قرآنی این است که بیگانگان بر مسلمانان مسلط نشوند. در آیه ای می خوانیم:

(وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. بر اساس این دستور قرآنی، مسلمانان باید با اتخاذ سیاست های اصولی، در روابط خود با بیگانگان راه هر گونه نفوذ و سلطه جویی را بر آنان ببندند و پاسدار عزت و شرف اسلامی خویش باشند.

احکام دفاع سیاسی

۱- اگر به واسطه توسعه نفوذ سیاسی یا اقتصادی و تجاری اجانب، خوف آن باشد که تسلط بر بلاد مسلمین پیدا کنند، دفاع - به هر نحو که ممکن است - و قطع ایادی اجانب - چه عمال داخلی باشند یا خارجی - بر مسلمانان واجب است. (م ۲۸۲۹)

۲- اگر در روابط سیاسی بین دولت های اسلامی و دول اجانب، خوف آن باشد که اجانب بر ممالک اسلامی تسلط پیدا کنند، اگر چه تسلط سیاسی و اقتصادی باشد، بر مسلمانان لازم است که با این نحو روابط مخالفت کنند و دول اسلامی را به قطع این گونه روابط الزام کنند. (م ۲۸۳۰)

۳- اگر عقد رابطه - چه سیاسی و چه تجاری - بین یکی از دول اسلامی و اجانب، مخالف مصلحت اسلام و مسلمانان باشد، این گونه رابطه جایز نیست و اگر دولتی به آن اقدام نمود، بر سایر دول اسلامی واجب است آن را - به هر نحو که ممکن است - به قطع رابطه الزام کنند. (م ۲۸۳۲)

۴- اگر بعضی رؤسای ممالک اسلامی یا بعضی وکلا... موجب بسط نفوذ - سیاسی، یا اقتصادی، یا نظامی - اجانب که مخالف مصالح اسلام و مسلمانان است شود، به واسطه این خیانت، از مقامی که دارد - هر مقامی باشد - منعزل است... و بر مسلمانان لازم است او را به هر نحو که ممکن شود، مجازات کنند. (م ۲۸۳۳)

۵- روابط تجاری و سیاسی با بعضی دول که آلت دست دولت های بزرگ جائر هستند، از قبیل دولت اسرائیل، جایز نیست؛ و بر مسلمانان لازم است که به هر نحو ممکن است، با این نحو روابط مخالفت کنند و بازرگانانی که با اسرائیل و عمال اسرائیل روابط تجاری دارند، خائن به اسلام و مسلمانان و کمک کار به هدم احکام هستند و بر مسلمانان لازم است با این خیانت کاران - چه دولت ها و چه تجار - قطع رابطه کنند و آنها را به توبه و ترک روابط با این نحو دولت ها ملزم کنند. (م ۲۸۳۴)

کیفیت دفاع سیاسی

با توجه به مسائل یاد شده ، چگونگی دفاع سیاسی به قرار زیر است:

- ۱- مخالفت کردن با عقد روابط سیاسی مخالف مصالح اسلام و مسلمانان به هر شکل ممکن؛ از قبیل تظاهرات و راهپیمایی ها، تحصن و دست از کار کشیدن و مانند آن.
- ۲- الزام دولت ها به قطع روابط سیاسی مخالف مصالح اسلام و مسلمانان به هر شکل ممکن.
- ۳- ترک معاشرت و معامله با خیانت کار و روی گردانی از او به هر شکل ممکن.
- ۴- عزل کردن افراد خیانت کاری که موجب گسترش سلطه و نفوذ سیاسی اجانب شده از هر مقام اجتماعی که دارند.
- ۵- مجازات آنان به هر شکل ممکن (ر.ک . مسائل ۲۸۲۹- ۲۸۳۰ و ۲۸۳۲- ۲۸۳۴)

پرسش

- ۱- منظور از دفاع سیاسی چیست ؟
- ۲- دستور قرآنی پیرامون رابطه مسلمانان با بیگانگان چیست ؟
- ۳- اگر در روابط سیاسی با بیگانگان ، خوف نفوذ سیاسی آنان بر ممالک اسلامی باشد، چه باید کرد؟
- ۴- عقد قراردادهای سیاسی و تجاری مخالف با مصالح اسلام و مسلمانان ، چه حکمی دارد؟
- ۵- کیفیت دفاع سیاسی را بیان کنید.



ترویج فرهنگ مهاجم

در میان انواع هجوم های غیرنظامی دشمنان ، تهاجم فرهنگی از همه آنها خطرناک تر است ، زیرا در این نوع تهاجم ، دشمن با ترویج فساد و فحشا افکار عمومی جامعه را منحرف کرده ، ارزش ها، آرمان ها، اهداف مقدس اسلامی ، عزت و شرف مسلمانان را مورد تهاجم قرار می دهد، تا مسلمانان را هم رنگ خود گرداند. چنان که قرآن کریم می فرماید:

(وَدَّوْا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً) آنان آرزو می کنند که شما هم مانند ایشان کافر شوید و در ردیف آنان قرار گیرید.

این نوع تهاجم پیشینه ای دیرینه دارد و در طول تاریخ حیات اسلام از سوی دشمنان ، به شکل های گوناگون صورت می گرفته و کم و کیف آن ، همواره در حال تغییر و دگرگونی بوده است. رهبر معظم انقلاب حضرت آیه الله خامنه ای درباره پیشینه تهاجم فرهنگی غرب علیه اسلام و کشورهای اسلامی می فرماید : حداقل در طول صد سال اخیر، یعنی از وقتی استعمارگران غربی به فکر افتادند، این منطقه را زیر سلطه سیاسی و اقتصادی دریاورند. به این تشخیص رسیدند که باید امکان استفاده لازم وزمینه را برای نفوذ خودشان در ذهنیت مردم یک چیزهایی را وارد کنند و هم از آن یک چیزهایی را بگیرند و لذا با تلاشی که انجام گرفت ، شما می بینید، (فرنگی) مغضوب دوران (کمپانی رژی) تبدیل می شود به (فرنگی)ای که ایرانی موظف است جسم و روح و ظاهر و باطن خودش را شبیه او بکند و در دوران سلطه استبداد رضاخانی در یک فاصله ۱۸۰ درجه است ، یعنی درست در نقطه مقابل هم قرار می گیرند و این همان تاءثیر فرهنگی است که وقتی روی فرهنگ یک ملت کار می کنند، ذهنیت او و درک او از مسائل و عقاید او و فهم و استنباط او را تغییر می دهد. این کاری است که در آن مدت آنها روی فرهنگ توانستند بکنند. دفاعی که در دفع تهاجم فرهنگی مطرح است (دفاع فرهنگی) نام می گیرد و مسلمانان موظفند با همه امکانات و وسائل لازم به مقابله جدی و دفاع از ارزشهای الهی و منافع مسلمین برخیزند و صفوف مبارزه و دفاع مقدس خویش را محکم و مستحکم نمایند و به این بی خبران و دل مردگان و پیروان شیاطین ، بیش از این مجال حمله به صفوف عقیده و عزت مسلمانان را ندهند .

امام خمینی - قدس سره - در حکم فقهی خود درباره دفاع می فرماید: در صورتی که روابط کشور اسلامی ، با دیگر کشورها، موجب استعمار مسلمانان یا استعمار کشورشان در بُعد فرهنگی شود، بر همه مسلمانان واجب است که از چنین روابطی اجتناب کنند و این گونه روابط حرام می باشد .

دشمنان اسلام در تهاجم فرهنگی از حربه مفاسد اجتماعی ، ترویج فحشا و منکر، مواد مخدر، کتاب ها و مجلات مبتذل ، برنامه های منحرف کننده ویدئویی و سینمایی و... استفاده کرده و با تبلیغ این فرهنگ عقاید و باورهای مردم به ویژه نسل جوان را نشانه می گیرند. از این رو، لازم است به بیان پاره ای از احکام فقهی که به طریقی با این تهاجم فرهنگی مربوط می شود، بپردازیم این احکام بر اساس نظریات فقهی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای تنظیم شده است .

ترویج فرهنگ مهاجم

سؤال ۱- ترویج مُد و مُدگرایی و استفاده از لباس ها و کالاهایی که مهر و آرم غربی دارند، چه حکمی دارد؟
جواب - اگر ترویج باطل و فرهنگ اجنبی است ، جایز نیست

سؤال ۲ - نظر حضرت عالی در مورد پوشیدن لباس هایی که عکس یا علامت مربوط به کشورهای غربی روی آن کشیده شده چیست ؟
جواب - استفاده از این گونه لباس ها که ترویج فرهنگ غیرمسلمین مهاجم بر مسلمین است ، اشکال دارد .

سؤال ۳ - ... بعضی از افراد در مجالس عقد و عروسی و عده ای در انظار عمومی اقدام به نصب کراوات و پاپیون بر روی پیراهن خود می نمایند، حکم شرعی استفاده از لوازم مذکور چیست ؟
جواب - بستن کراوات و پاپیون چون تقلید و ترویج از فرهنگ مهاجم غیر مسلمین است ، جایز نیست.
سؤال ۴ - در پی تهاجمات بی امان فرهنگ مبتذل غرب و رواج بعضی از عادات و رفتارهای ناپسند، دیده می شود که بعضی از آقایان صلیب طلا به گردن می آویزند و بعضی از خانم ها از مانتوهایی با رنگ زننده استفاده می کنند و یا آقایان یا خانم ها از مچ بند و یا عینک دودی و یا ساعت های غواصی شکل که جلب توجه کننده هستند و در عرف ناپسند شمرده می شوند، استفاده می کنند. عده ای از آنان بعد از امر به معروف و نهی از منکر، باز هم بر انجام کار خود اصرار می نمایند. حضرت عالی بفرمایید چه برخوردی با این افراد باید داشت ؟

جواب - پوشیدن طلا و آویزان کردن طلا به گردن ، بر مردان مطلقاً حرام است و پوشیدن لباسی که از حیث دوخت و شکل و یا از نظر رنگ ، ترویج و تقلید از فرهنگ مهاجم دشمنان اسلام و مسلمین شمرده شود، جایز نیست و تکلیف دیگران در برخورد با این گونه موارد، نهی از منکر لسانی است و چنانچه مؤثر واقع نگردد، به مسؤ ولین انتظامی و قضایی جهت پیگیری بعدی ، گزارش نمایند .

کتاب های گمراه کننده

آیا خواندن کتب غیراسلامی مانند [کتاب های] بهائیت و کمونیستی و سایر مرامهای الحادی حرام است یا خیر؟
جواب - اگر خوف انحراف در بین باشد، باید ترک کنند .

گوش دادن به رادیوهای بیگانه

۱- آیا درست است که ما به رادیوهای بیگانه گوش بدهیم ؛ چون کسانی هستند که هر چه از رادیوهای بیگانه می شنوند قبول می کنند و برای کسان دیگر هم می گویند. آیا لازم است که ما به این رادیوها گوش کنیم و جواب این طور آدم ها را بدهیم یا خیر؟
جواب - اگر موجب انحراف و مفسده است ، نباید گوش کنید .
۲- گوش دادن به اخبار رادیوهای بیگانه ، نقل اخبار آنها در جامعه و دعوت به گوش دادن آنها چه حکمی دارد؟

جواب - موارد اشخاص مختلف است و در هر صورت چنانچه موجب رواج اکاذیب و تقویت باطل و یا موجب تشویش اذهان و وهن اعتماد به نظام ، دولت اسلامی ومسئولین باشد، جایز نیست .

فیلم های مبتذل

تولید و خرید و فروش و استفاده از فیلم هایی که دارای مفسده است و موجب انحراف و فساد اخلاقی می گردد، حرام است. هر گونه فیلمی که در ساختن آن ضوابط شرعی اهمال شود و مفساسدی بر آن مترتب باشد، اشکال دارد؛ بلکه ساختن و نمایش و تماشای آن جایز نیست..

بی حجابی و بدحجابی

۱- بیرون گذاشتن موهای سر از چادر و یا مقنعه از سوی خانم ها در انظار عمومی و در دید نامحرمان چه صورتی دارد؟

جواب - جایز نیست و پوشاندن تمام موی سر در برابر نامحرم واجب است .

۲- پوشیدن جوراب های نازک و بدن نما برای خانم ها در بیرون از خانه و در انظار نامحرمان چه صورتی دارد؟

جواب - پوشانیدن بدن از نامحرمان ، بر زن واجب است ، و چنین جوراب هایی برای حجاب شرعی کفایت نمی کند .

برخورد با مفساد اجتماعی وظیفه ما در برخورد با مفساد اجتماعی چیست ؟ آیا اگر در مواردی حکومت برخورد نکند، تکلیف از ما ساقط می شود؟

جواب - در هر صورت وظیفه آحاد مسلمین در موارد مقتضی تذکر، نصیحت ، امر به معروف و نهی از منکر با مراعات شروط مقرر است.

پرسش

۱- منظور از دفاع فرهنگی چیست ؟

۲- روابطی که موجب استعمار فرهنگی مسلمانان و کشور اسلامی می شود، چه حکمی دارد؟

۳- حکم مد و مدگرایی که موجب ترویج فرهنگ اجنبی می شود، چیست ؟

۴- آیا کروات و پاپیون زدن جایز است ؟

۵- گوش دادن به رادیوهای بیگانه چه حکمی دارد؟

۶- آیا استفاده از فیلم های مبتذل که موجب فساد اخلاقی می شود، جایز است ؟

۷- وظیفه ما در برخورد با مفساد اجتماعی چیست ؟



دفاع از
جان و مال

دفاع از جان

از دیدگاه اسلام، جان، مال، آبرو و ناموس انسان اهمیت فراوانی دارد و احترام آن بر همگان لازم و ضروری است. رسول خدا(ص) در بخشی از خطبه خود در (حجة الوداع) اهمیت جان و آبرو را چنین توصیف می کند: (أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ إِلَى أَنْ تَلْقَوْا رَبَّكُمْ، كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا، فِي بَلَدِكُمْ هَذَا) مردم! چنان که این روز (ایام حج) و این شهر (مکه) محترم است، خون، عرض و آبروی شما هم محترم است. حق ریختن خون و بردن آبروی یکدیگر را ندارید، تا آن گاه که به دیدار خدا نایل گردید. در جای دیگر می فرماید: (الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ: عِرْضُهُ، وَ مَالُهُ وَ دَمُهُ) همه چیز مؤمن - اعم از ناموس، مال و خونش - محترم است (وکسی حق تجاوز به هیچ یک از آنها را ندارد). اسلام، تجاوز به جان، مال و ناموس انسان را محکوم کرده و دفاع از آنها را به عنوان حقی لازم برای او قرار داده است، تا از هر گونه تعرض نسبت به آنها جلوگیری نماید. در این درس به احکام دفاع از جان و مال می پردازیم.

دفاع از جان

با ارزش ترین دارایی انسان که باید در حفظ آن کوشید، گوهر وجود و جان آدمی است. حفظ نفس در اسلام بسیار مهم است و قرآن کریم، به نا حق کشتن انسان را باقتل همه انسان ها برابر دانسته، از آن نهی کرده است در آیه ای می خوانیم:

(وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ...) انسانی را که خداوند محترم شمرده، جز به حق (و به دستور شرع) به قتل نرسانید.

بیشتر فقها معتقدند که انسان برای دفاع از جان خود و بستگانش حق دارد هر تدبیری بیندیشد و با هر وسیله ای که می تواند دفاع کند، و بر او واجب است که در مقام دفاع، نهایت سعی خود را برای دفع مهاجم انجام دهد. جهت توضیح مطلب، به چند مسأله در این باره اشاره می کنیم.

۱- اگر شخص مهاجم به کسی هجوم آورد تا ظالمانه او را بکشد، بر او واجب است به هر وسیله ممکن دفاع کند و تسلیم شدن و پذیرفتن ظلم جایز نیست.

۲- در صورتی که به او حمله کند تا او را به قتل رساند، واجب است دفاع نماید، اگر چه بداند کشته می شود و در صورتی که احتمال کشته شدن دهد، به طریق اولی باید دفاع کند.

۳- اگر مهاجم به قصد قتل به انسان هجوم آورد، واجب است از خویش دفاع کند، اگر چه بداند دفاع او بی فایده است و حق تسلیم شدن ندارد.

۴- اگر به وابستگان کسی - همانند فرزند، پدر، برادر و یا بقیه کسانی که با او مرتبط هستند حتی خدمتکار - ظالمانه هجوم آورند، جایز بلکه واجب است از ایشان دفاع نماید؛ اگر چه به قتل مهاجم منجر شود.

یک نکته مهم

از نظر اسلام نه تنها دیگرگشی مورد نهی و نکوهش قرار گرفته، بلکه خودکشی نیز - به هر وسیله ای که باشد - امری ناپسند، حرام و از جمله گناهان کبیره شمرده شده است. اسلام به مسلمانان اجازه نمی دهد که با رضایت خود، خویشتن را به نابودی بسپارند قرآن کریم می فرماید: (وَلَا تَقْتُلُوا

أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُذْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا) خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است و هر کس این عمل را از روی تجاوز وستم انجام دهد، به زودی او را در آتشی وارد خواهیم ساخت و این کار برای خدا آسان است. از این آیه شریف استفاده می شود که هر کس از این فرمان الهی سرپیچی کند و دست به خودکشی بزند، نه تنها به آتش این جهان می سوزد، بلکه در آتش قهر و غضب پروردگار نیز خواهد سوخت. امام صادق (ع) می فرماید: (مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ مُتَعَمِّدًا فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا) هر کس از روی عمد خودکشی کند در آتش دوزخ جاویدان معذب خواهد بود. می توان گفت گناه خودکشی از دیگرکشی هم سنگین تر است؛ چرا که قاتل دیگران فرصت توبه و جبران را می یابد، ولی کسی که دست به انتحار می زند، چنین فرصتی را نیز از خویش سلب کرده است. دفاع از مال همان گونه که آدمی از جان خویش دفاع می کند، برای حفاظت از اموال خود نیز باید تلاش کرده، در محدوده قدرت خود از آن مراقبت کند. برخی از احکام دفاع از مال به قرار زیر است:

- ۱- بدون تردید انسان حق دارد - در حد توان خود - دزد را از مال خویش دور کند .
- ۲- اگر کسی به مال خود انسان یا خانواده اش هجوم آورد، می تواند شخص مهاجم را به هر وسیله ممکن دفع کند، اگر چه به کشته شدن او [مهاجم] منجر شود .
- ۳- در صورتی که دزد پس از کتک خوردن راه گریز در پیش گیرد، از زدن او باید خودداری شود و در صورت ادامه، اگر صدمه ای بر او وارد شد، ضارب ضامن است .
- ۴- چنانچه دزد را دستگیر کند، کتک زدن، قتل و مجروح کردن او جایز نیست [و بایستی تحویل مقامات قضایی گردد]. و اگر صدمه ای بر او وارد شود، ضامن است
- ۵- اگر مدافع برای راندن دزد چاره ای جز زدن و مجروح کردن او ندارد، [چنین کندو] ضمانی در کار نیست.
- ۶- اگر قدرت دفع دزد را نداشته باشد و [می داند که] چنانچه دفاع کند. کشته خواهد شد. دفاع واجب نیست، بلکه احتیاط آن است که در صورت احتمال کشته شدن یا یقین به کشته شدن تسلیم شود .

پرسش

- ۱- حدیثی درباره حرمت جان و مال و آبروی مؤمن بنویسید.
- ۲- آیا دفاع از جان واجب است؟
- ۳- دفاع از جان بستگان انسان چه حکمی دارد؟
- ۴- اگر کسی دزد را دستگیر کند آیا می تواند او را کتک بزند؟
- ۵- اگر برای راندن مهاجم و دزد چاره ای جز زدن و مجروح کردن او نباشد، چه باید کرد؟

دفاع از

حریم

انواع تجاوز به حریم

(حریم) عبارت از اموری است که انسان از آن دفاع کرده ، در مقام حمایت از آن برمی خیزد. در همین معنا، به زنان خانواده اعم از همسر، مادر، خواهر، دختر و ... حریم گفته می شود. همچنین حریم به معنای حرمت و آبروی مردم و... به کار رفته است . بنابراین ، حریم ، آبرو، شرم وحیا، عفت و عصمت، اعتبار و شرف و ناموس انسان را در بر می گیرد. این امور از طرفی قداست و ارزش فوق العاده ای از نظر اسلام دارد و از ورود و تعرض دیگران به آن ممانعت شده است . از سوی دیگر، خود انسان نیز وظیفه دارد در برابر هر گونه تجاوز، از آن حمایت و دفاع کند.

انواع تجاوز به حریم تجاوز به حریم انسان ممکن است به سه طریق انجام گیرد که هر سه طریق و احکام ویژه آن ها را در زیر می آوریم.

الف - انجام اعمال منافی عفت

تجاوز به حریم گاهی با انجام اعمال نامشروعی مانند زنا، لواط... صورت می گیرد. قرآن کریم پیروانش را از انجام این گونه اعمال زشت نهی کرده ، می فرماید: (وَ لَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا) نزدیک زنا نشوید که بسیار زشت و بدراهی است.

بعضی از احکام دفاع از حریم در اعمال منافی عفت به قرار زیر است:

۱- اگر کسی با قصد تجاوز به حریم انسان - اعم از همسر یا غیر او - هجوم آورد، دفع او به هر وسیله ممکن واجب است ؛ اگر چه باعث کشته شدن مهاجم شود؛ بلکه در صورتی نیز که با قصد کمتر از تجاوز، حمله کند، وظیفه همین است .

۲- اگر انسان ، کسی را در حال فحشا با همسر یا یکی از نزدیکانش از قبیل اولاد، یا دختر، یا فامیل های دیگرش ببیند، اگر چه کمتر از جماع باشد، در صورت امکان با مراعات مراحل دفاع، حق دارد او را دفع کند و در صورتی که مهاجم به قتل برسد، خونش هدر می باشد، بلکه حق دارد از زن مسلمانی نیز که مورد هجوم بیگانه قرار گرفته دفاع کند، و هر چه بر مهاجم واقع شد مانعی ندارد و خونش هدر است.

۳- اگر مردی را در حال زنا با همسرش ببیند و بداند که زن با رضایت خود به خواسته اش تن داده ، حق دارد هر دو را بکشد و گناهی نکرده و دیه ای بر او نیست .

ب - سرکشی و اطلاع یابی حرام

تعرض ممکن است از طریق چشم چرانی ، سرکشی و اطلاع یابی غیرمجاز از حریم و ناموس انسان صورت گیرد. قرآن کریم انسان را از این عمل که با نگاه آلوده و حرام توأم است ، نهی کرده و مؤمنان را به محافظت چشم سفارش می کند. در آیه ای می خوانیم: (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ) ...به مؤمنان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و دامن خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه تر است .

پیامبر اکرم (ص) نیز می فرماید: (مَنْ أَطْلَعَ فِي بَيْتِ جَارِهِ فَنَظَرَ إِلَى عَوْرَةِ رَجُلٍ أَوْ شَعْرِ امْرَأَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِنْ جَسَدِهَا كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ)... کسی که به خانه همسایه اش سرک بکشد و عورت مرد یا مو یا قسمتی از بدن زنی را نظاره کند، سزاوار است که خداوند او را داخل آتش کند.

برخی از احکام دفاع از حریم در این گونه کارهای غیرمجاز ، به قرار زیر است:

۱- کسی که بر عورات دیگران سر بکشد تا چیزهایی را که برای او حرام است ببیند (به عنوان مثال ، از پشت بام به داخل خانه دیگران نگاه کند) ، آنها می توانند، بلکه واجب است در مقام دفاع برآمده از کار او جلوگیری کنند؛ اگر دست برداشت دفاع با کتک و مانند آن جایز است ، چنانچه باز هم ترک نکرد، می توان سنگ و چیزهایی که کشنده است به طرف او پرتاب کرد و اگر در این صورت مجروح یا مقتول شود، خونش هدر است.

۲- اگر فرد مزاحم با نهدی کردن ، از کارش دست برداشت ، می توان چیزی را به قصد مجروح کردن یا کشتن به طرفش پرتاب کرد.

۳- اگر فردی که به عورات دیگران سرکشی می کند نابینا باشد، جایز نیست چیزی به سویش پرتاب کند و اگر پرتاب کرد و او را مجروح ساخت ، ضامن است . همین حکم درباره کسی که دور را نمی بیند و به خاطر فاصله زیاد نمی تواند ببیند و تشخیص دهد ، جاری است.

۴- اگر از فاصله دور با دوربین ببیند، حکمش مانند آن است که از نزدیک سرکشی می کند و دفعش جایز، بلکه واجب است و اگر جنایتی بر متجاوز وارد شد، خونش هدر است .

ج - هتک حرمت

گاهی نیز تجاوز به حریم انسان ، از طریق آبروریزی و نسبت دادن اعمال منافی عفت به زنان خانواده و لگه دار نمودن عفت و عصمت آنان و جریحه دار نمودن شرافت و حیثیت فردی و خانوادگی انجام می گیرد.

تجاوز در این مرحله با قذف ، افترا و تهمت های ناروا، فحش ، ناسزاگویی و مانند آن تواءم است . پاره ای از احکام فقهی آن بدین شرح است:

۱- در صورتی که انسان بالغ و عاقل ، دیگری را قذف کند؛ یعنی نسبت زنا یا لواط به او دهد حدّ (هشتاد تازیانه) به او جاری می شود.

۲- اگر شخصی که مورد اهانت و قذف قرار می گیرد متجاهر به فسق باشد و گناهانی مانند زنا، لواط و ... را به طور آشکار انجام می دهد ، بر فحّاش و قاذف ، حدّ و تعزیر جاری نمی شود.

۳- در صورتی که دو نفر به همدیگر فحش ناموسی دهند و یکدیگر را قذف کنند، حدّ ساقط است . ولی هر دو بایستی تعزیر شوند.

۴ - فحّاشی که الفاظی مانند دپوث ، حرامزاده ، فاسق ، فاجر و... به دیگری بگوید که موجب کراهت و استخفافی گردد که مستحق آن نباشد، مطابق نظر حاکم تعزیر می شود.

مراحل دفاع

دفاع از جان ، مال و حریم مراحلی دارد . چنانچه مهاجم با هر مرحله ای از آن دفع شود، مراحل بعدی ساقط می گردد و تعدی به مراحل دیگر در صورت بروز خسارت ، ضمان آور خواهد بود. این مراحل عبارتند از : (هشدار و اخطار)، (دادو فریاد و تهدید)، (زدن) و (کشتن).در همه موارد سه گانه دفاع (از جان ، مال و حریم) بنا بر احتیاط واجب ، باید آسان ترین راه را برگزید و در صورتی که مهاجم با آن دفع نشد، به مراحل بالاتر از آن توسل جست . بنابراین ؛

- ۱- اگر مهاجم با نوعی هشدار و اخطار مثل سرفه کردن ، دفع شود، باید چنین کرد.
- ۲- چنانچه جز با فریاد زدن و تهدید ترس آور دفع نمی شود، باید به آن اکتفا کرد.
- ۳- در صورتی که جز با زدن - با دست ، یا عصا و یا شمشیر - دفع نمی شود، باید چنین کرد؛ ولی در زدن با شمشیر به حدّ مجروح کردن باید بسنده کرد.
- ۴- اگر دفع او تنه با کشتن ممکن است ، در این صورت به هر وسیله کشنده ای باید او را از پای درآورد.

رعایت این ترتیب ؛ در صورتی واجب است که فرصت انتخاب داشته ، ترس از غلبه مهاجم نیز نباشد، ولی در صورتی که با رعایت ترتیب ، وقت از دست رفته ، امکان غلبه مهاجم بیشتر شود؛ رعایت ترتیب واجب نیست و به هر وسیله ای که ممکن است می توان او را دفع کرد .

پرسش

- ۱- منظور از حریم و دفاع از آن چیست ؟
- ۲- انواع تجاوز به حریم را بنویسید .
- ۳- دفاع از حریم در برابر انجام اعمال منافی عفت چگونه است ؟
- ۴- سرکشی حرام شامل چه مواردی است و دفاع از آن چگونه است ؟
- ۵- مراحل دفاع را نام ببرید .

خمس

در هفت چیز خمس واجب می شود که عبارتند از: منفعت کسب، معدن، گنج، مال مخلوط به حرام، جواهری که به واسطه غواصی به دست می آید، غنیمت جنگ، زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد. (م ۱۷۵۱)

در اینجا به دو مورد از موارد هفتگانه خمس می پردازیم:

منفعت کسب

هر گاه انسان از تجارت یا صنعت یا کسب های دیگر، مالی به دست آورد، اگر چه مثلاً "نماز و روزه میتی را به جا آورد و از اجرت آن، مالی تهیه کند، چنانچه از مخارج سال خود او و عیالاتش زیاد بیاید، باید خمس یعنی پنج یک آن را به دستوری که خواهد آمد، بدهد. (م ۱۷۵۲)

اگر مالی به ارث به انسان برسد و بداند کسی که این مال از او به ارث رسیده خمس آن را نداده، باید خمس آن را بدهد؛ و همچنین اگر به واسطه قناعت کردن چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. (م ۱۷۵۵-۱۷۵۶) قابل ذکر است که انسان تا خمس مال را ندهد نمی تواند در آن مال تصرف کند، اگر چه قصد دادن خمس را داشته باشد. (م ۱۷۹۰)

چیزهایی که خمس ندارد:

- ۱- اگر از غیر کسب مالی به دست آورد؛ مثلاً "چیزی به او ببخشند.
- ۲- مهری را که زن می گیرد.
- ۳- ارثی که به انسان می رسد.
- ۴- مالی که از کافر یا کسی که به دادن خمس عقیده ندارد؛ به دست انسان آید.
- ۵- قیمت جنسی که برای تجارت خریده بالا رود و آن را بفروشد و در بین سال قیمتش پایین آید مقدار بالارفته خمس ندارد.
- ۶- آنچه از منافع کسب در بین سال به مصرف خوراک، پوشاک، اثاثیه، خرید منزل، عروسی، جهیزیه، زیارت و مانند این ها در صورتی که از شائن او زیاد نباشد و زیاد روی هم نکرده باشد.
- ۷- مالی را که فقیر بابت خمس و زکات و صدقه مستحبی گرفته است. (مسائل ۱۷۵۳ - ۱۷۵۴، ۱۷۵۹، ۱۷۶۴، ۱۷۶۸، ۱۷۷۵)

وظیفه کسی که از اوّل تکلیف خمس نداده:

کسی که از اوّل تکلیف خمس نداده، اگر از منافع کسب چیزی که به آن احتیاج ندارد خریده و یک سال از خرید آن گذشته، باید خمس آن را بدهد و اگر اثاث خانه و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد مطابق شائن خود خریده، پس اگر بداند در بین سالی که در آن سال فایده برده آنها را خریده، لازم نیست خمس آنها را بدهد و اگر نداند که در بین سال خریده یا بعد از تمام شدن سال، بنابر احتیاط واجب، باید با حاکم شرع مصالحه کند. (م ۱۷۹۷)

مال حلال مخلوط به حرام

اگر مال حلال با مال حرام به طوری مخلوط شود که انسان نتواند آنها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن ، هیچ کدام معلوم نباشد، باید خمس تمام سال را بدهد و بعد از دادن خمس ، بقیه مال حلال می شود.(م ۱۸۱۳) اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را بداند ، ولی صاحب آن را نشناسد، باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهد و احتیاط واجب آن است که از حاکم شرع هم اذن بگیرد.(م ۱۸۱۴) اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را نداند، ولی صاحبش را بشناسد، باید یکدیگر را راضی نمایند و چنانچه صاحب مال راضی نشود، در صورتی که انسان بداند چیز معینی مال او است و شک کند که بیشتر از آن هم مال او هست یا نه ، باید چیزی را که یقین دارد مال او است به او بدهد و احتیاط مستحب آن است مقدار بیشتری را که احتمال می دهد مال او است ، به او بدهد.(م ۱۸۱۵) اگر مال حلالی با حرام مخلوط شود و مقدار حرام معلوم باشد و انسان بداند که صاحب آن را چند نفر معین بیرون نیست ، ولی نتواند بفهمد کیست ، به احتیاط واجب باید از تمام آنان تحصیل رضایت نماید و اگر ممکن نگردید باید قرعه بیندازد و به نام هر کس افتاد، مال را به او بدهند.(م ۱۸۱۸) اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد، یا مالی که صاحبش را نمی شناسد به نیت او صدقه بدهد، بعد از آن که صاحبش پیدا شد، بنا بر احتیاط واجب ، باید به مقدار مالش به او بدهد.(م ۱۸۱۷)

سال خمسی

منظور از سال خمسی وقتی است که شخص ، همه ساله طبق موازین شرعی به حساب خود رسیدگی می کند. مبداء سال خمسی برای کسی که:

۱- شغلش کاسبی است:

- الف - در آمد تدریجی دارد، روز شروع کاسبی است .
- ب - کارمند و... وقتی که اولین حقوق خود را می گیرد.
- ج - کشاورز و باغ دار هنگام جمع آوری محصول.

۲- شغلش کاسبی نیست :

چنانچه به طور اتفاقی معامله ای کند و منفعتی ببرد، بعد از آن که یک سال از موقعی که فایده برده بگذرد، باید خمس مقداری را که از خرج سالش زیاد آمده بدهد.(م ۱۷۶۵)

پیامدهای ندادن خمس

- ۱- تا خمس مال را ندهد نمی تواند در آن تصرف کند؛ یعنی غذایی که در آن خمس باشد نمی تواند بخورد و با پولی که خمس آن را نداده ، نمی تواند چیزی بخرد.(م ۱۷۹۰)
- ۲- اگر با پول خمس نداده ، خرید و فروش کند(بدون اجازه حاکم شرع) ۱۵ آن معامله باطل است .(م ۱۷۶۰)

۳- اگر بخواهد پول خمس نداده به صاحب حمام بدهد و در حمام غسل کند، غسل او باطل است. (م ۳۸۳)

۴- اگر با پولی که خمس آن را نداده است، خانه بخرد، نماز خواندن در آن خانه باطل است. (م ۸۷۳)

مصرف خمس

خمس مال را باید دو قسمت کرد، نصف آن که سهم امام زمان (ع) است، به مجتهد جامع شرایط که از او تقلید می کند، یا نماینده او، پردازد. و نصف دیگر را باید، یا به مجتهد جامع شرایط بدهد و یا با اجازه او به سادات دارای شرایط پردازد. (م ۱۸۳۵)

پرسش

- ۱- خمس در چند چیز واجب است نام ببرید.
- ۲- چه چیزهایی خمس ندارد؟ نام ببرید.
- ۳- وظیفه کسی که از اول تکلیف خمس نداده چیست؟
- ۴- خمس مال مخلوط به حرام را توضیح دهید.
- ۵- مبداء سال خمسی را بیان کنید.
- ۶- مصرف خمس چیست؟



زکات

موارد وجوب زکات

زکات هم مانند خمس موارد معینی دارد؛ یک قسم از آن ، زکات فطره است که هر سال یک مرتبه و در روز عید فطر پرداخت می شود. زکات فطره تنها بر کسانی واجب است که قدرت مالی پرداخت آن را دارند. مسائل این نوع زکات در احکام روزه مطرح می شود. قسم دیگر، زکات اموال است که در این درس توضیح می دهیم .

موارد وجوب زکات

۱- غلات (گندم ، جو، خرما، کشمش)

۲- دام ها (شتر ، گاو، گوسفند)

۳- سکه ها (طلا و نقره) (م ۱۸۵۳)

زکات این اشیاء در صورتی واجب می شود که به مقدار مشخصی برسد و به آن (حدّ نصاب) می گویند، یعنی اگر محصول به دست آمده و یا تعداد دام ، از حدّ نصاب کمتر باشد، زکات ندارد.

نصاب غلات و زکات آن

تمام غلات چهارگانه ، یک نصاب دارد که ۸۴۷/۲۰۷ کیلوگرم است . بنابراین ، اگر محصول به دست آمده از این مقدار کمتر باشد، زکات ندارد. (م ۱۸۶۴)

مقدار زکات غلات به چگونگی آبیاری آنها بستگی دارد و از این نظر می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد :

- ۱- مقدار زکات محصولی که با آب باران و رودخانه آبیاری می شود و یا دیمی باشد، ۱۱۰ است.
- ۲- مقدار زکات محصولی که با دلو و یا موتور پمپ آبیاری می شود، ۱۲۰ است.
- ۳- محصولی که به هر دو طریق ، هم از آب باران یا رودخانه و هم آب دستی آبیاری شده زکات نصف آن ۱۱۰ و نصف دیگر آن ۱۲۰ می باشد. (م ۱۸۷۵- ۱۸۷۹)

نصاب دام ها و زکات هر کدام

الف - گوسفند: اولین نصاب گوسفند، چهل راس است و زکات آن یک گوسفند می باشد و گوسفند تا به چهل نرسد، زکات ندارد، نصاب دوم آن ، صد و بیست و یک و زکات آن دو گوسفند و نصاب سوم ، دویست و یک و زکات آن سه گوسفند است. (م ۱۹۱۳)

ب - گاو: اولین نصاب گاو، سی راس است ، و زکات آن یک گوساله می باشد که یک سال آن تمام شده و وارد سال دوم شده است. (م ۱۹۱۲)

ج - شتر: اولین نصاب شتر پنج نفر است و زکات آن یک گوسفند است و تا زمانی که تعداد شترها به ۲۶ نفر نرسیده ، هر پنج شتر یک گوسفند زکات دارد، ولی آنگاه که تعداد آنها به ۲۶ نفر رسید، زکاتش یک شتر است. (م ۱۹۱۰)

نصاب و زکات طلا و نقره

نصاب طلا ۱۵ مثقال و نصاب نقره ۱۰۵ مثقال است و زکات هر دو، ۱۴۰ می باشد. (م ۱۸۹۶-۱۸۹۷)

احکام زکات

- ۱- مخارجی که برای گندم ، جو، خرما و انگور کرده است ، مانند قیمت بذر، مزدکارگر، مزد تراکتور و... می تواند از حاصل کسر کند. ولی مقدار نصاب قبل از کم کردن این مخارج محاسبه می شود و اگر قبل از کسر مخارج به حد نصاب برسد، پرداخت زکات واجب شده است ، ولی زکات باقیمانده را می پردازد. (م ۱۸۸۰)
- ۲- زکات دام ها در صورتی واجب می شود که:
 - الف - یک سال مالک آنها باشد . بنابراین ، اگر مثلاً " صد عدد گاو را خریداری کند و پس از نه ماه بفروشد، زکات واجب نیست.
 - ب - حیوان در تمام سال بیکار باشد. بنابراین گاو یا شتری که در کار مزرعه یا حمل بار از آن استفاده می شود، زکات ندارد.
 - ج - حیوان در تمام سال از علف بیابان بچرد. پس اگر در تمام سال یا مقداری از آن ، از علف چیده شده یا کاشته شده بخورد، زکات ندارد. (م ۱۹۰۸ و ۱۸۵۶)
- ۳ - زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سکه ای باشد که معامله با آن رواج دارد. بنابراین، آنچه امروزه بانوان به عنوان زیور استفاده می کنند، زکات ندارد. (م ۱۸۹۹)
- ۴ - پرداخت زکات از عبادات است و باید آنچه می پردازد به نیت زکات و با قصد قربت باشد. (م ۱۹۵۷)

مصرف زکات

- مصرف زکات در هشت مورد است که می توان آن را در تمام یا برخی از این موارد مصرف کرد:
- ۱- فقیر ؛ و آن کسی است که در آمد یا موجودی وی کمتر از خرج سالانه خود و خانواده اش باشد.
 - ۲- مسکین ؛ و آن کسی است که به کلی درمانده و بینوا باشد.
 - ۳ - کسی که از طرف امام (ع) یا نایب او مأمور جمع آوری ، نگهداری و توزیع زکات است.
 - ۴ - برای آلفت دادن دل ها به اسلام و مسلمانان ؛ مانند غیرمسلمانان که اگر به آنها کمکی بشود، به دین اسلام مایل می شوند یا در جنگ با مسلمانان کمک می کنند.
 - ۵ - آزاد کردن بردگان.
 - ۶- بدهکاری که نمی تواند قرض خو درآ بدهد.
 - ۷- در راه خدا، یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم می رسد و مورد رضایت خداست ، مانند ساختن جاده ، پل ، مسجد و مدرسه.

۸ - مسافری که در سفر درمانده است و خرج برگشت به وطن را ندارد، هر چند در وطن خود فقیر نباشد.
(م ۱۹۲۵)

پرسش

- ۱- موارد وجوب زکات اموال را نام ببرید.
- ۲- منظور از حدّ نصاب چیست؟
- ۳- نصاب غلات چهارگانه را بنویسید.
- ۴- اولین نصاب گاو و گوسفند و مقدار زکات هر یک چقدر است؟
- ۵- آیا نصاب، قبل از کم کردن مخارج، محاسبه می شود یا بعد از آن؟
- ۶- زکات محصولی که با پمپ آبیاری می شود چه مقدار است؟

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (فیض الاسلام) .
- استفتات از محضر امام خمینی (ره) ، دفتر انتشارات اسلامی .
- استفتات از محضر مقام معظم رهبری دام ظلّه العالی ، مرکز تحقیقات اسلامی .
- بحارالانوار، علامه مجلسی ، چاپ ایران .
- تحریر الوسيله ، امام خمینی (ره) ، نجف اشرف .
- تحف العقول ، ابن شعبه حرّانی ، مؤسسه النشر الاسلامی .
- توضیح المسائل ، امام خمینی (ره) ، آستان قدس رضوی .
- رساله نوین ، عبدالکریم بی آزار شیرازی .
- جهاداکبر، امام خمینی (ره) ، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) .
- (۳۸۰) استفتای جدید از امام امت ، مؤسسه و نشر فرهنگ اهل بیت (ع) .
- صحیفه نور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی .
- فرهنگ معارف اسلامی ، سید جعفر سجّادی ، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران .
- لغت نامه ، علی اکبر دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران .
- مجموعه آثار شهید مرتضی مطهری ، صدرا .
- مجموعه مصاحبه های رهبر انقلاب اسلامی در دوران ریاست جمهوری ، سال ۱۳۶۴ .
- مستدرک الوسایل ، محدث نوری ، آل البیت .
- مفردات القرآن ، راغب اصفهانی ، بیروت .
- المنجد فی اللغة ، لويس معلوف ، اسماعیلیان .
- منشور انقلاب (پیام امام به حجّاج بیت اله الحرام در سال ۶۶)، آستان قدس رضوی .
- وسائل الشیعه ، شیخ حرّ عاملی ، داراحیاء التراث العربی - بیروت .
- ولایت فقیه ، امام خمینی (ره) ، نشر آزادی - قم .